

شماره ۱۷

سال چهارم

۱۳۸۱

اردیبهشت ، مرداد

۵۷۶۲

ایار ، آو

۲۰۰۲

مه ، آگوست

אפיק
בינה

سنة

فرهنگی ، اجتماعی ، خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران

✓ گردهمایی بزرگ کلیمیان ایران در اعتراض به

خشونت‌های جاری در فلسطین و اسرائیل

✓ زندگی حضرت سلیمان

✓ رهبران مذهبی و جامعه امروز

✓ اسنیان ، نخستین زهاد یهودی

✓ یهودیان مراکش (مغرب)



اولین همایش گفتگوی اسلام و یهود





همایش جامعه کلیمیان ایران در اعتراض به خشونت‌های جاری در فلسطین و اسرائیل



مردم فلسطین



کلید صلح:

رعایت حقوق مردم فلسطین



کلید صلح:



کنیسای یوسف آباد
تهران

سفر

אפיק

בין

אף בינה

فرهنگی - اجتماعی - خبری
ارگان انجمن کلیمیان تهران
 سال چهارم - شماره ۱۷
 اردیبهشت - مرداد ۱۳۸۱ شمسی
 ایار - ۵۷۶۲ عبری
 مه - آگوست ۲۰۰۲ میلادی
مدیر مسئول: هارون یشایایی
سردبیر: آرش آبایی
دبیران سرویس:
 دینی: دکتر یونس حمامی لاله زار
 اخبار: فرهاد افرامیان
 فرهنگی: سیما مقتدر
 ادب و هنر: ماهیار کهن‌باش
 اجتماعی: مرجان ابراهیمی
 گوناگون: لیورا سعید
 کودکان، نوجوان: سارا حی
 امور مالی و اشتراک: فرهاد افرامیان
 نظارت و کنترل صفحه‌ارایی:
 فرید طویبان
 حروفچینی و صفحه‌ارایی:
 رابین همدانی کهن - نسترن جاذب
 (مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان تهران)
 طراحی جلد: کادوس نگاره
 عکس‌های داخل جلد: داوود گوهریان -
 لئون رفوا
 لیتوگرافی: رامین
 چاپ: ابلاغ
 نشانی نشریه: تهران - خیابان
 شیخ‌هادی - شماره ۳۸۵ - طبقه سوم
 کد پستی: ۱۱۳۹۷-۳-۳۳۱۷
 تلفن: ۶۷۰۲۵۵۶ - **نمابر:** ۶۷۱۶۴۲۹
 نشانی الکترونیکی:

BINA@IRANJEWISH.COM
 OFEGH_BINA@HOTMAIL.COM

♦ نشریه در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
 ♦ نقل مطالب از نشریه با ذکر منبع و نویسنده
 بلامانع است

בינה - در عبری به معنای
 آگاهی و بصیرت است

سرمقاله: گفتگوی ادیان، روزگاران بهتری در پیش است / هارون یشایایی / ۲

اخبار و رویدادها / ۳

اعتراض انجمن کلیمیان به درج دو مطلب موهن در روزنامه‌ها / ۱۲

گردهمایی بزرگ کلیمیان در اعتراض به خشونت‌های جاری در فلسطین و اسرائیل / فرهاد افرامیان / ۱۶

مصاحبه با نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی / فرهاد افرامیان / ۲۰

مصاحبه با دانشجوی فلسطینی / آرش آبایی / ۲۱

فرهنگی، دینی

اولین همایش گفتگوی اسلام و یهود / آرش آبایی / ۲۰

خلاصه‌ای از شرح حال حضرت سلیمان / رحمن دلرحیم / ۲۲

اسنیان: نخستین زهاد یهودی / محمدجواد شمس - رویا یعقوب‌زاده / ۲۴

رهبران مذهبی و جامعه امروز / سیما مقتدر / ۲۶

گاهشمار شخصیت‌ها و وقایع تاریخ یهود طبق کتاب مقدس (۳) / دکتر یونس حمامی لاله‌زار / ۲۸

عبری بیاموزیم (بخش ۱۷) / ۵۰

ادبی، هنری

شعر / ۳۳

معرفی کتاب / ماهیار کهن‌باش / ۳۴

دلالت ازدواج (داستان) - بخش یکم / برنارد ملامد / ۳۶

خواب‌های طلانی (داستان طنز) / لیورا سعید / ۴۱

اجتماعی

یهودیان مغرب (مراکش)، تونس و الجزایر / سیما مقتدر / ۳۰

چگونه با کودکان خود درباره خدا صحبت کنیم / المیرا سعید / ۴۲

آیا این سال‌ها بهترین سال‌های زندگی شماست؟ / مرجان ابراهیمی / ۴۴

زبان خوش باعث سلامتی و ازدواج موفق می‌شود / الهام مودب / ۴۵

انسانیت و نه جنسیت / سارا حی / ۴۶

گوناگون

گزیده‌ای از دفتر یادبود نمایشگاه کتاب / ۴۰

نوجوانان (حرف ششم) / ۴۸

بخش کودکان / ۴۹

جدول / شیرین آذری / فرم اشتراک / ۵۲

گزیده مقالات (انگلیسی) / ۵۶



مصاحبه با نماینده کلیمیان



یادبود یهودیان لهستانی
در تهران



پروفسور یهودی
میهمان دانشگاه مفید
قم

سرمقاله

گفتگوی ادیان:

روزگاران بهتری در پیش است

هارون یشایایی



نئونازی‌های منکر یهودی‌کشی (کشتار یهودیان در زمان نازی‌های هیتلری) صورت می‌گیرد. این ائتلاف عجیب موجودیت‌های افراطی چپ و راست را کنار هم قرار داده است. تنفر علیه اسرائیل، در حال نفوذ به نهادهای محترمی نظیر دانشگاه‌ها است.

در واقع ریشه همه خشونت‌ها علیه یهودیان لااقل در زمان ما تنفر از صهیونیسم است حالا هر که هر نامی می‌خواهد بر آن بگذارد.

«یوسی هلوی» در جای دیگر همین مقاله می‌نویسد: «هفته گذشته در کراچی پاکستان قاتلان «دانیل پرل» روزنامه‌نگار یهودی «وال استریت ژورنال» مورد محاکمه قرار گرفتند، این بار هم این رویداد نمونه‌ای از خودفروبی است که در حال حاضر در جریان است، درست پیش از آن که دانیل پرل را سر به نیست کنند، جلوی دوربین ویدیویی وی را وادار کردند که بگوید «من یهودی هستم، مادرم هم یهودی است». اما پوشش خبری اکثر رسانه‌های غربی تمام تأکیدشان بر امریکائی بودن دانیل پرل بود، گوئی یهودی بودنش با رفتار خشونت‌آمیز با وی و با مرگش هیچ ارتباطی نداشت».



هدف از نقل بخش‌هایی از مقاله «یوسی هلوی» این است که معلوم شود اصل گفتگوی ادیان در نظام جمهوری اسلامی ایران چقدر مهم است و به یک واقعه بزرگ تاریخی می‌ماند. البته سابقه زندگی طولانی یهودیان در ایران این امر مهم را توجیه‌پذیر می‌سازد و تفاهم طولانی زندگی مشترک مسلمانان با سایر ادیان در ایران گواه روشنی بر فرهنگ غنی و اعتمادبرانگیز ملت ایران است.

جامعه کلیمیان ایران از کسانی که به اصل گفتگوی تمدن‌ها و گفتگوی ادیان توجه دارند و بر این باور هستند- مخصوصاً از طراح گفتگوی تمدن‌ها و ادیان جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست جمهوری اسلامی ایران- سپاسگزاری می‌نماید.

امید داریم این اصل، یعنی گفتگوی تمدن‌ها و ادیان، جهان‌گیر شود و بشریت برای حل مشکلات خود روش تبادل نظر، تفاهم و مدارا در پیش گیرد. ■

یکشنبه ۹ تیرماه در همایش گفتگوی ادیان که با شرکت صاحب‌نظران مسلمان و کلیمی در محل موسسه گفتگوی ادیان برگزار شد، فضایی بسیار صمیمانه و عاری از هر گونه تعصب و پیش‌داوری حاکم بود.

شرح کامل این گفتگو در همین شماره افق بینا درج شده است ولی آنچه قابل تعریف نیست و بر آن تأکید فراوان باید کرد فضای حاکم بر این همایش یک روزه بود، طرفین با صراحت دیدگاه‌های خود را بیان داشتند و هیچ کس درصدد نبود دیگری را به پذیرش دیدگاه مخصوص به خود متقاعد و یا مجبور سازد. سخنگویان بر این موضوع تأکید داشتند که مهم این است که تحمل و توان گفتگو با یکدیگر را داشته باشیم. مشترکات دینی مسلمانان و یهودیان آنقدر هست که بتوانند یکدیگر را تحمل نمایند و در دنیای آشوب‌زده امروز با قبول این اصل می‌توانیم با هم گفتگو نماییم، بی‌آنکه متوقع باشیم نتیجه گفتگو قبول اعتقادات یکطرف از طرف دیگر باشد اهمیت فراوان دارد.

تبادل نظر و گفتگو، اندیشه شرکت‌کنندگان در بحث را بالنده و بارور خواهد کرد، ارتقای اطلاعات و شناخت طرف گفتگو بسیاری از توهمات و پیش‌داوری‌ها را برطرف نموده و محیط حسن اعتماد بوجود خواهد آورد.

گفتگوی بین ادیان در جمهوری اسلامی ایران در شرایطی برگزار می‌شود که برخوردهای سیاسی در گوشه و کنار جهان رفته رفته شکل مذهبی به خود می‌گیرد، بلندگوهای امپریالیستی فاجعه ۱۱ سپتامبر در نیویورک را به دست‌آویزی برای مسلمان‌ستیزی مبدل ساخته‌اند. جنگ خانمان‌سوز میان فلسطینی‌ها و اسرائیل و اقدامات سرکوبگرانه ارتش اسرائیل در فلسطین بعد از جنگ ۱۹۶۷ خاورمیانه به یهودی‌ستیزی در کشورهای اسلامی و جهان غرب دامن زده است. «یوسی هلوی» خبرنگار ارشد روزنامه اسرائیلی «جروزالم ریپورت» و نویسنده کتاب «در آستانه ورود به بهشت عدن» در مقاله‌ای که ۱۷ ژوئیه امسال در روزنامه لوس‌آنجلس تایمز نوشته است، می‌گوید: «درست است که باید از فرو غلتیدن به دامن هیستری و خودکم‌بینی اجتناب کنیم، اما ساده‌لوحی خواهد بود اگر به افزایش موج نفرت از یهودیان بی‌توجه باشیم.

ضدیت با یهود و خشونت علیه یهودیان به حملات ایدئولوژیک علیه صهیونیسم و اسرائیل گره خورده است.

این حملات از سوی افراد افراطی، مخالفان با جهانی‌سازی و

اخبار و رویدادها

اقلیت‌های دینی توسط قوه قضاییه تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. وی افزود: این طرح در جلسه شورای فقهای مقام معظم رهبری مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهی رهبری نیز موافق همین طرح است. رئیس قوه قضاییه با بیان ابعاد لایحه دیه اهل ذمه (اقلیت‌های دینی) اظهار داشت:

امیدوارم مجلس هرچه زودتر این لایحه را بررسی و تصویب کند و نویسندگان، حقوق دانان و مطبوعات و رسانه‌ها به بررسی این موضوع بپردازند.

همچنین «یونانن بت کلیا» نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌های جداگانه‌ای از حضرت آیت اله خامنه ای، مقام معظم رهبری و آیت اله هاشمی شاهرودی، رئیس قوه قضاییه به علت تأیید تساوی دیه پیروان ادیان اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی یا مسلمانان تقدیر و تشکر کرد.

در نامه «بت کلیا» به مقام معظم رهبری آمده است: «اگر درایت و پیشش ستایش انگیز و جهان بینی خارق العاده و دل‌نگرانی آن حضرت به عدل و انصاف و برابری همه آحاد و اقشار جمهوری اسلامی ایران نبود، هرگز شاهد تأیید برابری دیه مسلمانان و غیرمسلمانان اهل کتاب نمی بودیم»

بازدید جمعی از اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران از بیمارستان دکتر سپهر

روز سه‌شنبه ۲۵ تیرماه به مناسبت روز پرستار و تولد حضرت زینب جمعی از اعضای انجمن کلیمیان تهران شامل: حمیده مسجدی، اسکندر میکائیل، آقاجان شادی، پرویز گرامی، پرویز شب‌بونی، فیض‌اله ساکت‌خو، رحمت‌اله حوریزاده و بیژن آصف در بیمارستان دکتر سپهر (کانون خیرخواه) حضور یافته و به همراه مسئولین بیمارستان از بخش‌ها و قسمت‌های مختلف بیمارستان به ویژه بخش زنان و زایمان و بخش مراقبت‌های ویژه بازدید کردند.

پس از بازدید از بخش‌های مختلف که با توضیحات فرنگیس حصیدیم، مدیره بیمارستان، توأم بود، اعضای هیئت مدیره در گردهمایی پرستاران و پزشکان و کارمندان بیمارستان شرکت کردند. در این جلسه ابتدا دکتر جواهری تهرانی ریاست بیمارستان به اعضای هیئت مدیره انجمن کلیمیان خوش‌آمد گفت و سپس دکتر منوچهر الیاسی و فرنگیس حصیدیم طی سخنانی روز پرستار را به کلیه پرستاران بیمارستان تبریک گفتند. در ادامه، حمیده مسجدی از طرف جمع حاضر هیئت مدیره روز

انتخابات داخلی انجمن کلیمیان تهران

اردیبهشت‌ماه سال جاری، اعضای هیئت‌های مدیره قدیم و جدید انجمن کلیمیان تهران و اعضای هیئت رئیسه مجمع عمومی در محل انجمن حضور یافتند و با رأی‌گیری، مسئولیت‌های اعضای جدید به شرح زیر تعیین شد:

رئیس هیئت‌مدیره: هارون یشایایی - نایب رئیس اول: فیض‌اله ساکت‌خو - نایب رئیس دوم: دکتر جهانگیر جواهری - کمیته فرهنگی: هارون یشایایی، دکتر جواهری، حمیده مسجدی - کمیته جوانان: فریدون طوبی، کاوه دانیالی - کمیته حل اختلاف: آقاجان شادی، حمیده مسجدی - کمیته املاک: فیض‌اله ساکت‌خو، مهندس پرویز اهویم - امور سرای سالمندان: اسکندر میکائیل - امور مهدهای کودک: پرویز شب‌بویی - کمیته بهشتیه: آقاجان شادی - امور کثروت و مصا: دکتر جهانگیر جواهری، اسکندر میکائیل - دبیر هیئت مدیره: حمیده مسجدی - خزانه‌دار: اسکندر میکائیل - کارپرداز: فریدون طوبی - صاحب جمع اموال: یهودا آصف.

کمک کلیمیان به فلسطینیان و زلزله‌زدگان

جامعه کلیمیان ایران و نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی، ۷۰ میلیون ریال به حادثه‌دیدگان زلزله اخیر استان قزوین و مردم مظلوم فلسطین کمک کردند. این کمک‌ها که توسط انجمن کلیمیان تهران و کلیساهای تهران و شهرستان‌ها جمع‌آوری شد، توسط نماینده ایرانیان کلیمی به رئیس مجلس تقدیم شد.

به گزارش اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، مهندس موریس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس، در دیدار با حجت الاسلام مهدی کروی ضمن اعلام انزجار از جنایات رژیم صهیونیستی در برابر مردم مظلوم فلسطین، ۴۰ میلیون ریال کمک کلیمیان به مردم فلسطین را تقدیم رئیس مجلس شورای اسلامی کرد.

نماینده کلیمیان همچنین ضمن اعلام همدردی کلیمیان ایران با زلزله‌زدگان استان قزوین، ۳۰ میلیون ریال کمک این جامعه به زلزله‌زدگان را تقدیم حجت الاسلام کروی کرد.

طرح جدید برای تساوی دیه اقلیت‌های دینی

این طرح در جلسه شورای فقهای مقام معظم رهبری مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهی رهبری نیز موافق همین طرح است.

آیت‌اله شاهرودی رئیس قوه قضاییه روز دوشنبه ۲۰ خردادماه در جلسه مسئولان عالی قضایی اعلام داشت: طرح دیه

یهود و معرفی منابع فارسی زبان در این حوزه بودند که متأسفانه کتاب مناسبی موجود نبود و تنها مزامیر حضرت داود به زبان فارسی، مجموعه کتب درسی فرهنگ و پیش یهود دوره دبیرستان و نیز مجله‌های افق بینا به عنوان منابعی از فرهنگ یهودی عرضه می‌شد. بیشترین تقاضاها مربوط به ترجمه تورات و کتب عهد عتیق و نیز مجموعه تلمود بود که جواب منفی متصدیان غرفه انجمن کلیمیان، تعجب ایشان را برمی‌انگیخت.



طی برپایی این نمایشگاه، شخصیت‌ها و مقام‌های کشوری و فرهنگی نیز از غرفه انجمن بازدید و تبادل نظر کردند و در مواردی، خواستار ایجاد رابطه فرهنگی با انجمن کلیمیان جهت تحقیق در حوزه ادیان شدند. برپایی، تصدی و مسئولیت غرفه را فرهاد افرامیان برعهده داشت، ضمن آن که اعضای هیئت تحریریه مجله بینا و پرسنل انجمن نیز در تصدی و پاسخگویی همکاری داشتند.

عصر پنج‌شنبه ۱۹ اردیبهشت در سالن سرای اهل قلم نمایشگاه کتاب، میزگردی با عنوان «کتاب و گفتگوی ادیان» به همت موسسه گفتگوی ادیان برگزار شد. در این میزگرد، حجت‌الاسلام محمدعلی ابطحی، دکتر سید امیر اکرمی و دکتر غلامرضا اعوانی هر یک به گوشه‌هایی از حوزه گفتگوی ادیان اشاره و مسائلی را مطرح کردند. در این جلسه، آرش آبایی به نمایندگی از انجمن کلیمیان حضور یافت.

یادبود یهودیان لهستانی در تهران

با ورود هیئتی از لهستان و با حضور مقامات سفارت لهستان، شصت‌مین سالگرد ورود جنگ‌زدگان لهستانی از شوروی به ایران، گرامی داشته شد. عده زیادی از این افراد، به علت فشارهای وارده در جنگ جهانی دوم در شوروی، در ایران جان سپردند و در قبرستان‌های مسیحی تهران و برخی شهرستان‌ها به خاک سپرده شدند. حدود ۴۰ نفر از لهستانی‌های مزبور که یهودی بودند، در قبرستان کلیمیان تهران (بهشتیه) مدفون هستند. روز یکشنبه اول اردیبهشت ماه، مراسم مذهبی ویژه‌ای در

پرستار را به پرستاران زحمت‌کش بیمارستان دکتر سپهر و سایر بیمارستان‌ها تبریک و تهنیت گفته و از زحمات این قشر زحمت‌کش تشکر نمود و جمله «دوست بدار هم‌نوعت را مثل خودت» را مصداقی بارز در شغل پرستاری دانست. در پایان دکتر همایون مجد نیز سخنانی در گرامیداشت این روز بیان کرد.

جلوگیری از طرح تخریب گورستان کلیمیان کرمان

به دنبال تصمیم شهرداری کرمان برای تبدیل گورستان کلیمیان آن شهر به فضای سبز، هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان و موریس معتمد نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی در تیرماه سال جاری به کرمان سفر کردند و در مذاکره با مسئولین شهرداری و فرمانداری کرمان از طرح تخریب گورستان کلیمیان کرمان جلوگیری نمودند. در این جلسه مسائل و کمبودهای جامعه کلیمی کرمان نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت.



یشایایی و معتمد همچنین در این سفر به منظور پاسخگویی به نیازها و کمبودهای جامعه کلیمیان کرمان با داوود زرگری، یکی از زحمتکشان این جامعه دیدار نموده و ضمن اطلاع از مشکلات و نیازهای کلیمیان کرمان و با ابراز امیدواری نسبت به رفع مسائل آنها، قول همکاری‌های گسترده‌ای را در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی به جامعه کلیمیان کرمان دادند. در حال حاضر ۶۰ نفر کلیمی در کرمان ساکن هستند و یک باب کنیسا نیز در این شهر فعال است.

غرفه انجمن کلیمیان در پانزدهمین نمایشگاه کتاب

انجمن کلیمیان تهران در پانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۱ الی ۲۰ اردیبهشت) غرفه‌ای از انتشارات خود را برپا نمود. موقعیت خوب و مناسب این غرفه در نمایشگاه و نیز تزئین آن با نمادهای یهودی مانند تومار دست نویس تورات و فرشی از وقایع تصویری تورات (اهدایی یوسف محبتی) موجب استقبال چشمگیر بازدیدکنندگان گشت به گونه‌ای که در اکثر اوقات، غرفه با ازدحام مواجه بود. اکثر مراجعین، خواستار دریافت اطلاعاتی از ماهیت دین

اماکن مقدس اورشلیم و روند صلح (۱۹۸۸)
حقوق مسیحیان و جامعه یهودی (۱۹۹۶)
بررسی قدرت یهود (۱۹۹۷)
تجارت بین‌المللی در مناطق تحت کنترل حکومت خودگردان
فلسطینی (۲۰۰۰)
انتظار برای اولین گزارش آزادی جهانی مذهب
(۱۹۹۶)



گورستان کاتولیک‌ها (دولاب) با حضور مقامات لهستانی و ایرانی
و نیز هیئتی از کلیمیان برگزار شد. سپس، جمع کثیری از
بازماندگان لهستانی، مقامات و روحانیون و اعضای سفارت
لهستان وارد قبرستان یهودیان شدند و ضمن ملاقات با مرجع
دینی کلیمیان جناب حاخام یوسف همدانی‌کهن و مسئولین
جامعه کلیمی، با استقرار در مدفن یهودیان لهستانی، مراسم
یادبود را برگزار کردند و دکتر یونس حمامی لاله‌زار نیز مراسم
مذهبی را برای آرامش روح درگذشتگان انجام داد.



پروفسور یهودی،

میهمان دانشگاه مفید قم

به دعوت دانشگاه مفید قم، پروفسور «مارشال برگر Marshall Breger» استاد رشته حقوق دانشگاه کاتولیک
امریکا مدت ۱۰ روز به ایران آمد. این پروفسور یهودی، علاوه
بر پست استادی دانشگاه، در دستگاه‌های دولتی و حقوقی امریکا،
صاحب مناصب ویژه‌ای بوده است که می‌توان موارد زیر را نام
برد:

- عضو ارشد بنیاد سیاست‌های کار و تجارت امریکا (۹۵-۱۹۹۳)
- مشاور حقوقی و وکیل ارشد اداره کار در دوره ریاست
جمهوری جرج بوش (اول) (۱۹۹۲)
- عضو جانشین نمایندگی کمیسیون حقوق بشر امریکا در ژنو
(۸۹-۱۹۸۷)
- دستیار ویژه رئیس جمهور ریگان در امور یهودیان
(۸۴-۱۹۸۲)
- همکار مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی امریکا
(تاکنون)

وی در روزنامه‌ها، محلات، بولتن‌های تخصصی، مقالات
متعددی به چاپ رسانده، ضمن آن که چندین کتاب را به تنهایی
یا با همکاری دیگران در حوزه‌های مختلف حقوقی، سیاست،
دین و اجتماع منتشر کرده است.

گزیده‌ای از کتب و مقالات وی عبارتند از:

پروفسور برگر که جمعه ۲۴ خرداد ماه وارد تهران و سپس قم
شد، طی اقامت خود با مقامات و مراکز مذهبی و علمی
دیدارهای متعددی داشت، از جمله: آیت‌الله موسوی اردبیلی
(ریاست دانشگاه مفید قم)، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله امامی
کاشانی و حجت‌الاسلام ابطحی. وی روز پنجشنبه ۳۰ خرداد ماه،
پس از دیدار با مهندس معتمد، نماینده کلیمیان در مجلس، از
کتابخانه و مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان بازدید کرد و سپس با
حضور در کنسای باغ‌صبا، با جناب حاخام همدانی‌کهن، مرجع
دینی کلیمیان ایران ملاقات و گفتگو نمود. پروفسور برگر را
حجت‌الاسلام باقر طالبی دارابی، عضو هیئت علمی دانشگاه مفید
قم و عضو مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب قم،
همراهی می‌نمود. ایشان سپس در ضیافت شامی که هیئت مدیره
انجمن کلیمیان تهران در کنسای یوسف‌آباد تهران برگزار کرد،
شرکت و ضمن ایراد سخنرانی، به گفتگو با مسئولان جامعه
کلیمی پرداختند. پروفسور برگر در سخنان خود، از
میهمان‌نوازی مسئولان دانشگاه مفید قم قدردانی کرد و اظهار
داشت که واقعیات این سفر شامل ۲ نکته اساسی و مهم برخورد
مثبت ایرانیان مسلمان با میهمان یهودی و نیز نحوه زندگی عادی
کلیمیان ایران را به گوش همکاران خود در امریکا و محافل
فرهنگی و علمی آن کشور خواهد رساند. وی در سفر خود به
اصفهان، با کلیمیان اصفهانی نیز دیدار نمود و ۴ تیرماه ایران را
ترک کرد.

شایان ذکر است که این شبکه رادیویی جلوگیری از یکسویه کردن اطلاعات، دفاع از جریان آزاد اخبار و اطلاعات و آگاهی رساندن به مردم را نیت اصلی خود قرار داده است. از همکیشانی که مایل به همکاری با رادیو صدای داوید در زمینه‌های ترجمه عبری، تایپ عبری و گویندگی هستند دعوت می‌شود با انجمن کلیمیان تماس بگیرند.

نشست مشترک کمیته اقلیت‌های دینی و وزرا

کمیته امور اقلیت‌های دینی در راستای توافقات میان نمایندگان اقلیت‌های دینی با ریاست جمهوری، تشکیل شد. کمیته امور اقلیت‌های دینی مجلس شورای اسلامی ۳ تیرماه در جلسه‌ای با وزیران اطلاعات، کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور دبیر سازمان حقوق بشر اسلامی و معاون پارلمانی رئیس جمهوری به منظور بررسی مشکلات اقلیت‌های دینی تشکیل شد.

یونانان بت کلیا نماینده جامعه اقلیت کلدانی و آشوری مجلس شورای اسلامی پیرامون مباحث مطروحه در جلسه چنین بیان داشت: مسایل مربوط به اقلیت‌ها در دو بخش اجرایی و حقوقی قابل تقسیم است و اما در این جلسه لازم دیدیم که فعلاً مشکلات اجرایی برطرف شود. وی با اشاره به مشکل اشتغال اقلیت‌های دینی گفت: عدم به کارگیری مدیران مجرب از سوی دولت و مسئله استخدام جوانان در سازمان‌های دولتی هم اکنون به یک معضل برای ما تبدیل شده است. به عنوان مثال در طول ۲۳ سال گذشته تنها دو نفر اقلیت‌های دینی به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمده‌اند.

بت کلیا افزود: خوشبختانه در این جلسه در مورد به کارگیری مدیران اقلیت دینی، به توافقاتی دست یافتیم و بنابر دستور ریاست جمهوری از تخصص مدیران اقلیت‌ها استفاده خواهد شد.

وی در مورد مشکل استخدام تأکید کرد: برای رفع این مشکل پیش بینی شد که وزیر آموزش و پرورش در جلسه آینده ما شرکت و به این مسئله رسیدگی کند. نماینده مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: کمیته امور اقلیت‌های دینی در راستای توافقات میان نمایندگان اقلیت‌های دینی با ریاست جمهوری، تشکیل شد. این کمیته ابتدا زیر نظر وزیر اطلاعات، کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی بود که به دلیل عدم تحقق خواسته‌های ما، قرار شد آقای علی ابطحی معاون پارلمانی ریاست جمهوری بر کار کمیته نظارت داشته باشد.

(هفته نامه سپیده - ۸۱/۴/۳)

حضور هیئت کلیمی

در نشست سازمان بین‌المللی کار (ILO)

به دعوت وزارت کار و امور اجتماعی (اداره کل روابط

مراسم چهارم شهدای جنین

به دعوت شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، هیئتی از کلیمیان تهران در مراسم چهارمین روز درگذشت شهدای جنین (فلسطین) شرکت کردند. در این مراسم که شامگاه دوشنبه ۳۰ اردیبهشت در میدان فلسطین تهران برگزار شد، کلیمیان با قرائت بیانیهای، ضمن ابراز انزجار از کشتار مردم بی‌گناه مسلمان و یهودی در فلسطین، یهودیان جهان را به اعتراض به هرگونه ظلم و خشونت دعوت کردند.

تظاهرات یهودیان آمریکا

در حمایت از مردم فلسطین

جمع کثیری از اقشار مختلف یهودیان از جمله روحانیون روشنفکر یهودی آمریکا، دوشادوش مسلمانان آمریکا در تظاهرات حمایت از مردم فلسطین و برقراری صلح در منطقه شرکت کردند. محور اصلی این تظاهرات که در واشنگتن برگزار شد، مخالفت با کاربرد خشونت و حل مشکلات جاری میان مردم اسرائیل و فلسطینی‌ها بود.



نکته جالب در این تظاهرات، شرکت یهودیان با پوشش‌های مذهبی بود و همان گونه که در عکس ارسالی از سوی یکی از همکیشان ملاحظه می‌شود فرزند یکی از حاخام‌های یهودی، پرچم فلسطین را برتن کرده است.

افتتاح رادیو عبری «صدای داوید» از صدا و

سیمای جمهوری اسلامی ایران

به همت معاونت برون مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، شبکه رادیویی «صدای داوید» קול דוד از روز سه‌شنبه ۲۱ خرداد برابر اول ماه تموز، سالروز میلاد حضرت یوسف (ع)، رسماً فعالیت خود را آغاز نمود.

صدای این رادیو که به زبان عبری می‌باشد، برای یهودیان خارج از ایران (خاورمیانه) روزانه به مدت ۳۰ دقیقه بر روی طول موجهای ۷/۷۵ کیلوهرتز برابر ۴۱ متر و همچنین ۹۷۴۵ کیلوهرتز برابر ۳۱ متر پخش می‌شود.

شرکت نمایندگان بانوان کلمی در همایش «فلسطین و مسئولیت زنان فرهیخته جهان»

همایش «فلسطین و مسئولیت زنان فرهیخته جهان» به دعوت سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تاریخ ۶ خرداد ماه در محل سازمان برگزار شد. در این نشست، در کنار مادران و کودکان فلسطینی و همسران سفرای خارجی مقیم تهران و بانوان عضو تشکلهای غیردولتی زنان، اعضای هیئت مدیره انجمن بانوان کلمی نیز حضور داشتند. در این همایش که دکتر طوبی کرمانی دبیری آن را برعهده داشت، فرنگیس حصیدیم از سوی انجمن بانوان کلمی در این مراسم به ایراد سخنرانی پرداخت و در متن سخنرانی خود به عنوان نماینده زنان کلمی، تألمات و نگرانی خود را به خاطر عدم رعایت حقوق کودکان و زنان فلسطینی در اردوگاهها اعلام و اظهار داشت: «این اعمال خشونت‌آمیز با هیچ دلیل و برهانی قابل توجه نیست و در ضدیت با مجموعه اعتقادات دینی ما یهودیان و اصول مکتب توحیدی یهود است. خشونت، نژادپرستی، دنیازدگی، تعصب کور و بی‌توجهی به اصول اخلاقی و دستورات دینی، بشریت را به ورطه نابودی خواهد کشاند».

وی در پایان از همگان خواست تا تمام سعی و تلاش خود را برای ایجاد آرامش و صلح به کار گیرند، چرا که تاوان این زورگونی‌ها و قلدری‌ها را کودکان و مادران بی‌گناه می‌دهند.

تحقیق میدانی در باره اعتیاد

گروه گزارش سازمان دانشجویان با همکاری فرنگیس حصیدیم به منظور آگاه‌سازی جامعه و ترویج فرهنگ پیشگیری از اعتیاد، اخیراً به انجام فعالیت‌های تحقیقاتی پرداخته است. این گروه با استفاده از نظر کارشناسان، متون تحقیقاتی و نیز مصاحبه با معتادان و خانواده‌های آنها، در روشن ساختن اذهان عمومی جامعه نسبت به خطرات اعتیاد، تلاش کرد. گروه گزارش در سلسله تحقیقات و مصاحبه‌های خود، ضمن ریشه‌یابی این مسئله به موضوعاتی از قبیل چگونگی به دام افتادن افراد در دام اعتیاد و تأثیرات و مضرات آن بر زندگی خانوادگی و اجتماعی آنها پرداخته است. حاصل این پژوهش‌ها به شکل جزواتی در اختیار جامعه کلمی قرار گرفت.

متأسفانه جامعه کلمی نیز مانند سایر اقشار ایرانی، در معرض این بلای خانمان‌سوز قرار دارد و این تحقیقات و جلسات توجیهی برای جلب توجه خانواده‌های کلمی و جلوگیری از آلودگی جوانان صورت گرفته‌اند.

دیدار دانش‌آموزان مدرسه روحی‌شاد از جلسه علنی مجلس شورای اسلامی

بنا به پیشنهاد و تقاضای امیر ایوبی مدیر مدرسه روحی‌شاد (ویژه دانش‌آموزان کلمی) از نماینده کلمیان ایران موریس

بین‌المللی) نشستی ویژه میان هیئت سه نفره از سازمان بین‌المللی کار (مستقر در ژنو) و نمایندگان و دست‌اندرکاران اقلیت‌های مذهبی، دوشنبه دوم اردیبهشت در ساختمان شماره ۲ وزارت کار و امور اجتماعی برگزار شد. از طرف جامعه کلمیان، هیتی با حضور مهندس معتمد (نماینده کلمیان در مجلس)، هارون یشایایی (رئیس انجمن کلمیان)، فرنگیس حصیدیم، مرجان یشایایی، گاد نعیم، دکتر یونس حمامی‌لاله‌زار و مهندس آرش آبایی در این جلسه شرکت کرد.

در این نشست، مسئولان هیئت خارجی، خواستار توضیحات نمایندگان اقلیت‌ها درباره رعایت حقوق بشر در زمینه امور شغلی و استخدامی در ایران شدند که نمایندگان مذکور وضعیت فعلی جوامع اقلیت را تشریح کردند. از طرف کلمیان، مهندس معتمد به ذکر فعالیت کمیته ویژه‌ای در وزارت کشور درباره حل مسائل اقلیت‌های دینی پرداخت. هارون یشایایی تبعیضات در استخدام اقلیت‌های دینی در مراکز دولتی را مورد انتقاد قرار داد و نیز اضافه کرد معضل بیکاری مشکل تمامی افراد جامعه است و فقط به اقلیت‌ها محدود نمی‌شود. لازم به ذکر است که در این نشست، علاوه بر ذکر مشکلات شغلی موجود برای اقلیت‌های دینی، به پیشرفت‌های حاصله در این زمینه در سال‌های اخیر نیز اشاره شد.

بیمارستان دکتر سپیر (کانون خیرخواه) «مرکز دوستدار کودک» شناخته شد

در بازدید کارشناسان دفتر معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی از بیمارستان دکتر سپیر، این واحد درمانی به عنوان «مرکز دوستدار کودک» شناخته شد.



فرنگیس حصیدیم مدیر داخلی بیمارستان و دکتر یوسف جواهری مسئول فنی بیمارستان به نمایندگی از مسئولین بیمارستان دکتر سپیر روز ۹ مرداد ماه در مراسم بزرگداشت روز جهانی شیر مادر که در تالار اجتماعات بیمارستان امام حسین برگزار شد حضور یافتند و طی مراسمی لوح دوستدار کودک به دکتر یوسف جواهری اعطا گردید.

توجه این مراسم، انتخاب دبیران نمونه مجتمع اتفاق بود. اعضای شورای دانش‌آموزی اتفاق از چندی پیش فرم‌های نظرخواهی را بین دانش‌آموزان پخش کرده بودند تا انتخاب دبیر نمونه با نظر دانش‌آموزان صورت پذیرد. در مقطع دبیرستان پرویندخت بنفشه نیان و اعظم آزادرنگی و در مقطع دبیرستان نزهت شقایق و اکرم عسگری برگزیده شدند.

در این مراسم ویدا رحمانی (مسئول مجتمع مدارس اتفاق) نیز به تجلیل از دبیران پرداخت. دکتر بهمن عرب زاده و رئیس انجمن اولیا و مربیان نیز در صحبت‌های خود روز معلم را به تمامی معلمان تبریک گفت.

همچنین مراسم تودیع، دو دبیر بازنشسته مقطع راهنمایی و دبیرستان برگزار و از کارگران زحمتکش مجتمع نیز به مناسبت روز کارگر قدردانی شد.

در ادامه مراسم که با حضور کادر مجتمع صورت گرفت، مهندس موریس معتمد (نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی) نیز در جمع معلمان حضور یافت و به قدردانی از آنها پرداخت.

قهرمانی «سحر دیان» ورزشکار نوجوان کلیمی

برابر خبر هفته نامه ورزشی یزد (۱۳۸۰/۱۱/۲۴) یکی از دختران نوجوان کلیمی بنام «سحر دیان» دانش‌آموز پایه سوم راهنمایی در مسابقات قهرمانی «شین ذن» بانوان کشور که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن‌ماه گذشته در سالن شهید رجایی تهران برگزار گردید در دو رشته «کمپه و کاتا» به مقام نائب قهرمانی دست یافت.

درخشش دانشجوی کلیمی

«صنم داهی»

در مسابقات ورزشی دانشگاه‌ها

مسابقات «قهرمانی دانشجویان دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور» امسال از تاریخ ۲۵ بهمن به مدت ۸ روز در شهر شیراز برگزار شد. در این دوره از مسابقات که هر ساله به همت سازمان آموزش عالی کشور برگزار می‌شود در رشته والیبال، تیم دانشگاه تبریز مقام قهرمانی را کسب کرد. مقام نائب قهرمانی نیز نصیب تیم دانشگاه صنعتی شریف شد.



صنم داهی، دانشجوی کلیمی سال چهارم رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف از بازیکنان موفق این تیم بود. وی از سال ۷۱ با سه سال فعالیت در تیم نوجوانان باشگاه پرسپولیس در رشته والیبال فعالیت ورزشی خود را آغاز کرد. وی همچنین به مدت سه سال عضو تیم جوانان این باشگاه بوده است. کسب

معتمد و موافقت و تلاش ایشان، دانش‌آموزان به همراه رحمن دلرحیم، واشقانی و ایزدی از دبیران مدرسه، در تاریخ ۱۱ اردیبهشت از جلسه علنی مجلس شورای اسلامی دیدار به عمل آوردند. در پایان این دیدار مهندس معتمد ضمن عرض خوش‌آمدگویی، به سؤالات گوناگون دانش‌آموزان پاسخ گفت. همچنین رحمن دلرحیم به نمایندگی از طرف مدرسه و دبیران دانش‌آموزان از مسئولان مجلس و نماینده کلیمیان تشکر کرد.

درخشش دانش‌آموزان کلیمی در جشن سالگرد هفته نامه سیب

اولین سالگرد انتشار هفته نامه «سیب» (ضمیمه روزنامه نوروز)، پنج‌شنبه ۲۹ فروردین در سالن اجتماعات فرهنگسرای اندیشه برپا شد. در این مراسم که با حضور اعضای نوجوان هیئت تحریریه برگزار شد، فریدون عموزاده خلیلی (سر دبیر هفته نامه سیب)، کریم ارغنده‌پور (نماینده محسن میردامادی، مدیر مسئول نوروز) و مصطفی تاج‌زاده و جمعی دیگر از مسئولان و دست‌اندرکاران مطبوعاتی حضور داشتند.



در این مراسم، یارگان سرود گروه دانش‌آموزان (وابسته به سازمان دانشجویان یهود) نیز به هنرنمایی پرداخته و سرودهای «وطن» و «گل‌گلدون من» را اجرا کردند که با استقبال بی‌نظیر حاضرین همراه شد. از مهمترین اهداف برگزاری این برنامه شرکت هرچه وسیع‌تر نوجوانان در فعالیت‌های فرهنگی-هنری بود.

بهرام صلح‌جو (مسئول گروه موسیقی نوجوانان کلیمی)، پویا دانیالی، طناز یونانی، اورلی یادگار، آریا رحیمیان، بهنام صلح‌جو، آیدا ایوبی، بهناز یونانی و بهزاد صلح‌جو در این برنامه به هنرنمایی پرداختند.

مراسم بزرگداشت مقام معلم در مجتمع اتفاق

مراسم روز معلم، سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ماه در مجتمع اتفاق برگزار شد و دانش‌آموزان مجتمع با برپایی سرودها و دکلمه‌هایی با مضمون معلم، این روز را گرمی داشتند. از برنامه‌های جالب

- تشکیل جلسات هفتگی سخنرانی و تبادل نظر در مورد مسائل علمی، دینی، اجتماعی، روانشناسی و ... در محل ساختمان سرابندی.

فعالیت‌های اخیر انجمن اولیا و مربیان مجتمع آموزشی موسی بن عمران



- ۱- جشن شروع سال تحصیلی و جشن کتاب برای کلاس اول ابتدایی.
- ۲- دعوت از پزشک مخصوص برای رسیدگی و معاینه وضعیت جسمانی دانش‌آموزان از لحاظ بیماری‌های بالینی، چشم، گوش و دندان.
- ۳- آموزش خانواده در رابطه با مشکلات کودکان و نوجوانان و تغذیه.
- ۴- شرکت دانش‌آموزان در المپیادهای مختلف و احراز رتبه‌های برتر.
- ۵- تجهیز کتابخانه.
- ۶- احداث و افتتاح کارگاه فنی درس حرفه‌وفن با لوازم مناسب.
- ۷- برگزاری جشن ویژه برای مهدهای کودک یلدا (۲۰۱۷).
- ۸- اهدای جوایز به دانش‌آموزان ممتاز (چاپ عکس در بشقاب‌های چینی).
- ۹- نظرخواهی از دانش‌آموزان مقاطع راهنمایی و دبیرستان در مورد معلمان و کادر مدرسه طی جلسات جداگانه.
- ۱۰- برگزاری مسابقات علمی و ورزشی با مدارس منطقه.
- ۱۱- انجام مراسم قرائت تورات توسط دانش‌آموزان اول ابتدایی (شنبه ۱۱ خرداد).

مجتمع آموزشی موسی بن عمران در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان آماده پذیرش و ثبت نام کلیه دانش‌آموزان کلیمی است

مقام قهرمانی استان تهران در تیم نوجوانان و مقام قهرمانی کشور از افتخارات و موفقیت‌های این دانشجوی ورزشکار می‌باشد. همچنین تیم وی در سال ۷۵، در مسابقاتی که به همت شهرداری استان تهران برگزار شد مقام نایب قهرمانی این استان را کسب کرد. لازم به ذکر است که تیم دانشگاه صنعتی شریف به مسابقات دسته اول راه یافته و در تابستان ۸۱ در مسابقاتی تحت عنوان «المپیاد فرهنگی آموزشگاه‌های عالی کشور» که در همه رشته‌ها در مشهد برگزار می‌شود شرکت خواهد کرد.

«روبرت شیرازیان»

مربی کلیمی در فدراسیون بسکتبال

روبرت شیرازیان، از اعضای کمیته جوانان انجمن کلیمیان که چندی پیش موفق به اخذ کارت مربی‌گری فدراسیون بسکتبال جمهوری اسلامی ایران شده بود، اکنون به عنوان جوان‌ترین مربی در سطح باشگاه‌های تهران مربیگری تیم بسکتبال «رجاء» را به عهده دارد. این تیم در سال گذشته با استفاده از این مربی موفق توانست در مسابقات زیرگروه باشگاه‌های تهران بازی‌های خوبی را انجام دهد.



عیادت از استاد تجویدی

اعضای هیئت مدیره کانون فرهنگی، هنری و اجتماعی کلیمیان تهران پس از اطلاع از خبر بیماری و بستری شدن استاد علی تجویدی ویولونیست مشهور، روز پنجشنبه ۱۳ تیرماه در بیمارستان آراد تهران از وی عیادت و برای این هنرمند آرزوی سلامتی نمودند. استاد تجویدی در برنامه‌های مختلف این کانون همکاری داشته است.

فعالیت‌های اخیر سازمان بانوان کلیمی ایران

- حضور نماینده سازمان بانوان کلیمی در اولین همایش بررسی مسائل حقوق بشر (۲۰-۲۹ اردیبهشت)
- کنسرت ویژه بانوان در محل تالار اجتماعات کلیمیان «محبان» (۲۰ خرداد)
- کلاس‌های تابستانی ویژه بانوان شامل: بدن‌سازی، آنروبیک، خیاطی، موسیقی، آرایش و پیرایش، گل چینی و گل شیشه‌ای.

پایگاه‌های تابستانی دانش‌آموزان کلیمی

پایگاه‌های تابستانی دانش‌آموزان کلیمی از سه‌شنبه ۴ تیرماه شروع به کار کردند. این پایگاه‌ها که در ۴ حوزه کنسای ابریشمی، کنسای کوروش، مجتمع سرابندی و مجتمع باغ‌صبا مستقر هستند، شامل برنامه‌های آموزش تعلیمات دینی، زبان انگلیسی، هنر و برنامه‌های تفریحی و ورزشی و بازدیدهای گوناگون از مراکز فرهنگی، پارک‌ها و سینماها می‌باشند. سرپرستی پایگاه‌ها بر عهده مهندس روبرت خالدار است.

برنامه‌های گذشته و آتی خانه جوانان یهود تهران

- ۵ اردیبهشت: طالع بینی با کامپیوتر
- ۱۳ اردیبهشت: بازدید از غرفه نشریه بینا در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران
- ۱۹ اردیبهشت: بحث پیرامون معضل اعتیاد (فرنگیس حصیدیم)



- ۲ خرداد: تور کاشان (کمیته جوانان)
- ۹ خرداد: کنسرت موسیقی جوانان کلیمی (در محل خانه جوانان)
- ۱۶ خرداد: فیلم سگ‌کشی
- ۲۳ خرداد: بحث در مورد متالوژی (بهادر میکائیل)
- ۳۰ خرداد: سخنرانی «حقیقت قاره آفریقا چیست؟» (دکترسنایی)
- ۳۱ خرداد: کوه‌پیمایی (جوانان و نوجوانان)
- ۱۳ تیر: بحث اعتیاد (۲) (فرنگیس حصیدیم) به همراه نمایش فیلم
- ۲۰ تیر: سخنرانی «مذهب و جهان امروز» (آرش آبایی)
- ۳ مرداد: فیلم سینمایی
- ۱۱ مرداد: بازدید از سرای سالمندان یهودی
- ۲۴ مرداد: برنامه ادبی در مورد فروغ فرخزاد
- * برنامه‌های گروه نوجوانان خانه جوانان یهود
- ۲۹ خرداد: جشن نوجوانان (۱۳-۲۰ ساله)

- ۳۰ خرداد: کنکور آزمایشی

- ۳ تیر: مسابقه جدول (مهران ساسانی‌فرد)

- ۲۰ تیر: فیلم «ارباب حلقه‌ها»

برنامه‌های اخیر سازمان دانشجویان یهود ایران

- * جشنی به مناسبت عید نوروز در اولین پنج‌شنبه بهار ۸۱
- * جراحی زیبایی - دو قسمت (دکتر مسعود کریم - دکتر آرش باخاج)
- * تربیت بدنی در زندگی (مهناز مرغزار)
- * اختراعات یک نوجوان کلیمی (سینا گلشنی)
- * نمایش فیلم «ایرفورس وان»
- * حسابداری در امور روزمره (سامان کاهن)
- * کنسرت گیتار (نادر دانیالی)
- * معرفی جبران خلیل جبران (آنژلا مرادی)
- * برگزاری مداوم جلسات بحث آزاد و نیز تورهای تفریحی از دیگر برنامه‌های سازمان بوده‌اند.

برگزاری جشن بالماسکه

مهد کودک انجمن کلیمیان

با توجه به شروع هم‌زمان با مراسم پایان دوره نوآموزان آمادگی مهد یلدای ۲، در تالار مجبان جشن بالماسکه‌ای نیز با هنرنمایی خردسالان این مهد روز ۲۷ خرداد ماه برگزار شد. این جشن شامل دو برنامه بود:

قسمت اول، جشن مختص خردسالانی بود که دوره آمادگی را به پایان رساندند، که در آن ۳۰ نفر از دختران و پسران با لباس‌های یکسان به اجرای نمایش و سرود پرداختند. در پایان این مراسم به رسم یادبود لوايح و جوایزی به آنها



قسمت دوم، برنامه شامل بالماسکه، جشن عروسک‌ها و سرود شاد بود که با شرکت ۷۰ نفر از دختران و پسران در سنین مختلف برگزار شد و به ۳ نفر از برگزیدگان از سوی هیئت داوران جوایزی تعلق گرفت. این برنامه حاصل تلاش: فروغ



وی افزود: در اجرای این طرح دو هزار و یکصد مترمربع از محوطه بیرونی بارگاه مقدس حضرت دانیال نبی با سنگ چهار سانت تراش، سنگفرش می‌شود. وی مدت اجرای این طرح را سه ماه اعلام کرد و افزود: این طرح با هماهنگی اداره اوقاف و میراث فرهنگی این شهرستان اجرا می‌شود.

(اطلاعات - ۸۱/۱/۸)

برخی از تهیه کنندگان اخبار:

فریدون طوسی - الهام حکیمی - سارا حی - بیژن آصف - حمیده مسجادی - نوراله شعیان - روبرت خالدار - روبرت شیرازیان - ندا مانشانی - مریم حناساب زاده

آقایان منوچهر و ایرج عمرانی

ما را در غم از دست دادن خواهر گرامیتان، مرحومه ایران عمرانی (ماخانی) شریک بدانید.

هیئت مدیره و پرسنل انجمن کلیمیان تهران
هیئت تحریریه نشریه «افق بینا»

آقایان شهرام و سعید فروزانفر

درگذشت مرحومه «قمر فروزانفر» عمه‌ی گرامیتان را به شما و سایر بازماندگان تسلیت می‌گوئیم.

هیئت مدیره خانه جوانان بهود تهران

پوزش

۱- مشغولیت‌های فراوان برای دست‌اندرکاران کمیته فرهنگی و نشریه بینا، باعث بروز اشکالات و ایراداتی در چاپ شماره ۱۶ شد. از جمله نام «طناز ستاره‌شناس» در ذیل کاریکاتور طراحی شده توسط ایشان در صفحه دانشجو جا افتاد که از ایشان پوزش می‌طلبیم.

۲- به دلیل کثرت و فشردگی مطالب شماره حاضر، به بخش «دانشجو» موقتاً در این شماره، فضایی اختصاص داده نشده است. با پوزش از خوانندگان این بخش.

۳- در بخش شعر شماره پیش، متأسفانه هنگام حروفچینی نهایی شعر «معراج حقایق» سروده ابراهیم سعیدیان، در تنظیم ابیات اشتباه ناخواسته‌ای رخ داد و مصرع‌های اول و دوم شعر جایجا شدند. ضمن پوزش از ایشان، امیدواریم که در شماره‌های آتی از سایر اشعار این شاعر عزیز بهره‌مند گردیم.

الیاسی - فلور الیاسی - الهام تربتی - فروغ سنهی و آقای نظیری به عنوان هیئت داوران و همچنین همکاری فرهاد افرامیان (مجری برنامه و برنامه‌ریزی بالماسکه) پرسنل مرکز کامپیوتر انجمن کلیمیان و مربی‌های مهد و سحرلاله‌زاری (معاون مهدکودک) بود. مهدهای کودک انجمن کلیمیان تهران زیر نظر سازمان بانوان بهود ایران اداره می‌شود.

شایان ذکر است که این مرکز برنامه‌های آموزشی و تکمیلی فراوانی را در چند ماه اخیر برای نوآموزان خود ترتیب داده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آموزش و چشم‌پراختای تورات در کنسای، اد شمی با



۲. بازدید بچه‌های آمادگی از دبستان مجتمع آموزشی موسی‌بن‌عمران (۱۰ اردیبهشت) به منظور آشنا ساختن آنها با محیط مدرسه به همراه نمایش شاد عروسکی.

۳. از موارد دیگر فعالیت‌های مهدکودک یلدا ۲ می‌توان به سلسله سخنرانی‌های مریم حناساب‌زاده در حوزه روان‌شناسی کودک اشاره کرد.

۴. نگارش و تدوین کتابچه راهنما، در مورد مشکلات هیجانی و رفتاری کودکان.

۵. در سال جاری یلدای ۲ به منظور ترغیب بچه‌ها به رفتارهای مطلوب، مسابقات مختلفی را در زمینه قصه‌گویی - نقاشی - حرکات موزون و ... برگزار نمود که این رقابت‌های شاد و سازنده رضایت خاطر خانواده‌های عزیز هم‌کیش را جلب نمود.

مرمت و بهسازی

آستانه حضرت دانیال نبی در شوش آغاز شد

شوش - خبرگزاری جمهوری اسلامی: رئیس اداره اوقاف و امور خیریه شوش دانیال گفت: با اعتباری معادل ۶۰۰ میلیون ریال، مرمت و بهسازی آستانه حضرت دانیال‌نبی در شهرستان شوش آغاز شد. وی گفت: با تخصیص این اعتبار از محل درآمدهای اوقاف و امور خیریه شهرستان شوش، اجرای طرح سنگفرش محوطه حضرت دانیال نبی آغاز شد.

اعتراض انجمن کلمیان

به درج دو مطلب موهن در روزنامه‌های جمهوری اسلامی و نوروز و پرونده‌سازی علیه یهودیان

انجام می‌دهی. (تورات - سفر تثئیه : آیات ۲۳ تا ۲۵)

شایعه و تهمت «ریختن خون انسان در غذای عید یهودیان» ابتدا بهانه‌ای برای یهودی‌کشی در روسیه تزاری بود و پس از اعتراض جهانی، سال‌ها بعد به آلمان نازی جهت نسل‌کشی یهودیان منتقل شد و ظاهراً اکنون یک روزنامه ایرانی قصد ترویج آن را دارد

بر همین اساس، قوانین ذبح شرعی یهود به گونه‌ای تدوین شده است که هنگام ذبح شرعی، حداکثر خون از بدن حیوان خارج شود و برای استفاده از هر گونه خوراک گوشتی نیز بر طبق احکام مفصل شرعی، باید خونابه آن به روش‌های گوناگون (مانند چندین ساعت خیساندن گوشت در آب و نمک) گرفته شود.

کلیه احکام، آداب و رسوم و حتی عادات مذهبی یهودیان در کتب احکام دینی آنها مندرج است و تمام مراسم دینی طبق اسناد مکتوب انجام می‌شوند. آیا می‌توانید حتی یک اشاره به این عمل غیرقابل قبول را در اسناد شرعی یهود ارائه دهید؟

یا در کدام سند تاریخی، کوچکترین نشانه‌ای از آن می‌یابید؟ (مگر آن که به داستان‌های ضدیهودی نازی‌ها استناد نمایید).

در پایان، ضمن آن که خواستار درج این جوابیه به طور کامل در همان ستون و با همان حروف (طبق قانون مطبوعات) در آن روزنامه هستیم، شما را به تأمل بیشتر در آثار و عواقب نشر این گونه اکاذیب در اذهان مردم دعوت می‌نمائیم.

کمیته فرهنگی انجمن کلمیان تهران

این عید به یادبود سالگرد آزادی و خروج بنی‌اسرائیل از مصر برگزار می‌شود و تمام مراسم آن شب را ذکر وقایع و معجزات الهی در آن زمان تشکیل می‌دهند. حال این مردم در سالگرد رهایی از مصر با معجزات و آیات الهی، خون انسان را در غذای خود بریزند؟

به راستی، تهیه «کیک آغشته به خون انسان» که آن را «از عادت قدیمی یهودیان» دانسته‌اید، چگونه ممکن است انجام شود؟ شایعه و تهمت «ریختن خون انسان در غذای عید یهودیان» ابتدا بهانه‌ای برای یهودی‌کشی در روسیه تزاری بود و پس از اعتراض جهانی، سال‌ها بعد به آلمان نازی جهت نسل‌کشی یهودیان منتقل شد و ظاهراً اکنون یک روزنامه ایرانی قصد ترویج آن را دارد.

در تورات مقدس که اساس شرعیات و فقه یهود بر آن قرار دارد، به صراحت خوردن خون (حتی ذره‌ای از آن) در خوراکی‌ها منع شده است که نمونه‌هایی از آن به این شرح هستند:

- هیچ خونی را نخورید، نه از چهارپا و نه از پرندگان، هر که خون بخورد، از میان قومش نابود خواهد شد (تورات - سفر لاویان: فصل ۷ - آیات ۲۶ و ۲۷)

- هیچ چیز را با خونابه نخورید (تورات - سفر لاویان: فصل ۱۹ - آیه ۲۶)

- فقط حذر کن که خون نخوری، چون همان مایه زندگی است. پس مایه زندگی را با گوشت نخور. آن خون را نخور، آن را مانند آب بر زمین پاش. آن را نخور تا این که به سود تو و فرزندان باشد، زیرا با نخوردن آن در نظر خداوند کاری پسندیده

۱- روزنامه جمهوری اسلامی در خبری کذب در ستون «جهت اطلاع» مورخ شنبه ۱۴ اردیبهشت ۸۱ از قول یک پزشک ساکن انگلیس اظهار داشت که یهودیان خون انسان را در غذای شب عید خود می‌ریزند و آن را یک عادت قدیمی یهودیان دانست.

انجمن کلمیان تهران بلافاصله در اعتراض به این مطلب موهن و سراسر کذب، جوابیه‌ای به این شرح به دفتر روزنامه ارسال نمود:

مدیر مسئول محترم روزنامه جمهوری اسلامی

آقای مسیح مهاجری
با سلام

در ستون «جهت اطلاع» آن روزنامه مورخ شنبه ۱۴/۲/۱۳۸۱، متأسفانه مطلبی موهن و سراسر کذب درباره استفاده خون انسان در خوراکی یهودیان در عید پسخ درج شده است. این مطلب نه در اعتقادات و شرعیات و رسوم یهودیان جای دارد و نه از نظر عقل و منطق می‌توان آن را توجیه کرد و یا حتی عملی دانست.

مدیر مسئول محترم! چگونه می‌توانید چنین مطلب بی‌پایه و اساسی را (حتی اگر فرضاً در اینترنت آمده باشد) به مردم مسلمان و بی‌اطلاع از آیین یهود تحت عنوان اخبار ویژه ارائه کنید؟ آیا هر نوع خبری از اینترنت قابل استناد است؟ چرا به هزاران مطلبی که در جهت شناسایی و معرفی حقایق دین یهود در اینترنت عرضه می‌شوند هیچگاه اشاره نمی‌نمائید؟

آیا از عید «پسخ»، (پاسه) کوچکترین اطلاعی دارید یا به خواننده داده‌اید؟

توان داشته‌اند علیه مقدسات این دین به کار برده‌اند. حال با دیدن این حکم و جواز شرعی آن، خدا می‌داند که چه‌ها خواهند کرد؟ به راستی، آیا مطلب هم‌اندیشی ادیان مندرج در روزنامه نوروژ مورخ ۲۱ شهریور ۱۳۸۰ در صفحه سی‌و‌ش (که عمده مطالب آن در جلسه ۱۹ مردادماه ۱۳۸۰ در محل روزنامه به نقل از جوانان کلیسی بیان شده بود) را خود باور دارید؟

درج این مطلب، ظاهراً نشانگر آن

است که حکم و تقدیر الهی بر

نابودی یهودیان به دست مسلمانان

قرار گرفته است و برپایی رستاخیز

نیز منوط به آن است.

با این حساب، پرونده «گفتگوی

ادیان» و احقاق حقوق اقلیت‌های

دینی- البته از نوع یهودی آن-

بنا به حکم شرعی مورد نظر

نویسنده، در ایران باید مختومه

اعلام شود

چگونه در روزهای آتی حضرت‌عالی و همکاران در مجلس، به بحث درباره تصویب تساوی دیه اقلیت‌های دینی با مسلمانان مشغول خواهید شد؟ آیا کلیمیان را از این حق محروم می‌کنید؟

چگونه است که رهبر معظم انقلاب، صلح و همزیستی در فلسطین را موکول به برگزاری همه‌پرسی میان ساکنان آن سرزمین- از جمله یهودیان- می‌دانند، اما از طرف دیگر همین یهودیان مستحق نابودی به دست مسلمانان هستند؟ پس علت انعقاد پیمان‌های صلح از سوی پیامبر با یهودیان مدینه چه بود؟ پس علت منع آزار یهودیان از سوی حضرت علی و این که آن حضرت فرمود: من در میان پیروان تورات با توراتشان قضاوت می‌کنم. چه بود؟

مدیر مسئول محترم: هر چند به شنیدن اهانت‌ها از سوی کج‌اندیشان عادت کرده‌ایم، با این حال خواهشمندیم این جوابیه را در همان صفحه و همان ستون طبق قانون مطبوعات، درج فرمایید.

این افتخارات را ناچیز جلوه داده و نتیجه مبارزات مردم را به روز قیامت حواله نمایند. یعنی این که به زعم آنها تا آن روز، نظامیان اسرائیلی مجازند هر چه می‌خواهند بکنند.

علاوه بر آن که سراسر مطلب نوشته‌شده انباشته از تناقض است، درج این مطلب، ظاهراً نشانگر آن است که حکم و تقدیر الهی بر نابودی یهودیان به دست مسلمانان قرار گرفته است و برپایی رستاخیز نیز منوط به آن است. با این حساب، پرونده «گفتگوی ادیان» و احقاق حقوق اقلیت‌های دینی- البته از نوع یهودی آن- بنا به حکم شرعی مورد نظر نویسنده، در ایران باید مختومه اعلام شود، و لایذ حضور نماینده کلیمیان در مجلس شورای اسلامی نیز فاقد وجهت شرعی بوده و اصلاً در مفاد قانون اساسی جمهوری اسلامی، لفظ «کلیسی» و هر چه مربوط به آن است باید حذف شود و به دنبال آن، تمام سخنان امام (ره) و سایر مقامات درباره یهود و کلیمیان، از جمله این که «ما حساب جامعه یهود را از صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم» (امام (ره) ۱۳۵۸/۲/۲۴) جایی نباید به حساب بیاید.

بد نیست بدانید که دقیقاً در یک هفته قبل از چاپ این مطلب، برای اولین بار در تاریخ ایران، همایشی تحت عنوان «هم‌اندیشی و گفتگوی اندیشمندان اسلام و یهود» در مؤسسه گفتگوی ادیان برگزار شد که مدارک سخنرانی‌های آن موجود است و اندیشمندان حاضر از هر دو دین، نهایت تلاش خود را برای یافتن نقاط مشترک و زدودن سوء تفاهم‌ها به کار بردند و در پایان جلسه نیز، حجت‌الاسلام ابطحی، معاون حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، برگزاری چنین نشستی را مایه افتخار نظام دانست.

قبل از درج چنین مطلب موهنی نیز غرض‌ورزان، با قلم و زبان خود آنچه در

روزنامه جمهوری اسلامی، گزیده‌ای از این جوابیه را در همان ستون در تاریخ دوشنبه ۱۶ اردیبهشت درج نمود اما در پایان آن چنین نوشت: «ستون "جهت اطلاع"، از این که یهودیان ایران در اثر معاشرت با مردم ایران، چنین رسمی ندارند، خوشحال است!»

انجمن کلیمیان، با مشاهده چنین برخوردی که حاضر به قبول واقعیات موجود نیست، از ارسال جوابیه مجدد صرف‌نظر کرد و قضاوت را به عهده خوانندگان فهیم نهاد.

۲- روزنامه نوروژ نیز مطلبی تحت عنوان «پرمش و پاسخ‌های اینترنتی» در برافروختن دشمنی بی‌اساس میان مسلمانان و یهودیان چاپ کرد که انجمن کلیمیان جوابیه‌ای به این شرح به دفتر روزنامه ارسال داشت و بخش‌هایی از آن در روزنامه نوروژ مورخ ۸۱/۴/۲۰ درج شد.

جنگ همه با همه ...!

مدیر مسئول محترم روزنامه نوروژ

با سلام

در شماره ۳۶۶ مورخ یکشنبه ۱۶ تیرماه ۱۳۸۱ آن روزنامه، در صفحه ۱۰، در ستون تحت عنوان «جنگ مسلمانان با یهودیان، جنگ قومی نیست» ... بلکه جنگ همه مسلمانان با همه یهودیان ...! با دستاویز قرار دادن حدیثی نبوی که صحت آن فقط از طرف نویسنده مطلب در شبکه اینترنت مورد تأیید قرار گرفته است، مطالبی عنوان شده است که با آنچه افراطی‌ترین صهیونیست‌های کهنه‌کار در روزنامه‌های امریکایی می‌گویند همخوانی کامل دارد. معلوم نیست چرا هر وقت مبارزات دلاورانه مردم فلسطین می‌رود تا حقانیت خود را به جهانیان ثابت کند و خون‌های شهیدان فلسطینی، مظلومیت خلق قهرمان فلسطین را در صفحات تلویزیون و روزنامه‌های جهان در مقابل چشمان جهانیان تصویر می‌کنند، ناگهان کسانی پیدا می‌شوند که می‌خواهند



گردهمایی بزرگ کلیمیان

در اعتراض به خشونت‌های جاری

در فلسطین و اسرائیل

کلیمیان تهران روز یکشنبه اول اردیبهشت با تجمع در کنیسای یوسف‌آباد تهران و در حضور مسئولین نظام جمهوری اسلامی، مواضع خود را نسبت به خشونت‌های جاری اعلام داشتند

گزارش: فرهاد افرامیان

چشم‌انداز امنیت در جهان امروز در کشاکش معامله‌های صاحبان قدرت آن چنان تیره است که گویی تا سال‌های بسیار دور بیدک‌کش گفتمان خشونت و جنگ خواهد بود.

همانند جنگ در سرزمین‌های اشغالی که سال‌های متمادی است نظر اندیشمندان را معطوف به مسائل سیاسی و اقتصادی این مناقشه و نظر مردم شرافتمند جهان را معطوف به مرگ انسانیت کرده است که سال‌هاست جامعه بشری برای آن سوگواری می‌کند. آن‌جا که پای قضاوت به میان می‌آید، وجدان‌های بیدار علاوه بر آنکه نگران زندگی مسلمانان و یهودیان بی‌گناه می‌شوند، بر آبروی خدشه‌دار شده یهودیت که هیچ نقشی در این ماجرا ندارد، نیز احساس تأسف می‌کنند.

در این میان، یهودیان آگاه و آزاده جهان با برپایی راهپیمایی‌ها، تظاهرات و سخنرانی‌های متعدد همواره انزجار، تنفر و خشم خود را نسبت به کشتار مردم فلسطین و زیر پا گذاشتن حقوق آنها ابراز کرده‌اند. جامعه کلیمیان ایران نیز اول اردیبهشت ماه جاری با تجمع در کنیسای یوسف‌آباد تهران، همایشی برای برقراری صلح، آرامش و امنیت در فلسطین برگزار کرده و به بررسی نقش یهودیان در تحقق این آرمان‌ها پرداختند. اجتماع‌کنندگان با محور قرار دادن شعار «کلید صلح:

رعایت حقوق مردم فلسطین»، دیدگاه‌های خود را درباره این موضوع عنوان کردند. در کنار حضور پرشور و مشتاقانه جامعه کلیمی، حجت‌الاسلام مهدی کروبی، رئیس قوه مقننه، به همراه چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دیگر مسئولان کشوری در این همایش شرکت کرده و به ایراد سخنرانی پرداختند.

دکتر فاطمه حقیقت جو، نماینده مردم تهران ضمن ابراز تأسف از نقض حقوق بشر در اقصی نقاط جهان در خصوص عملکرد متناقض صاحبان قدرت گفت: عده‌ای به نام مبارزه با تروریسم به برخی از کشورها که حقیقتاً هیچ نقشی در آن مسئله ندارند حمله کرده و حتی آنان را محور شرارت نیز می‌خوانند. همین حامیان حقوق بشر در مقابل چشم‌های جهانیان از عملیات تروریستی شارون در سرزمین‌های فلسطین دفاع می‌کنند و آن را حق اولیه و مشروع شارون می‌دانند.

وی با قرائت شعر جهانی سعدی، همه انسان‌ها را اعضای یک پیکر خواند و به همین دلیل دفاع از مردم فلسطین را وظیفه همه مردم جهان فارغ از هر مذهب و نژادی دانست.

حجت‌الاسلام مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی در سخنرانی خود

در این همایش با اشاره به دوستی دیرینه خود و هارون یشایی، رئیس انجمن کلیمیان، از زحمات وی و جامعه کلیمی ایران در به ثمر رساندن انقلاب و کمک‌های شایان آنها در جنگ تحمیلی تشکر کرد. وی در ادامه با تأکید بر این گفته امام خمینی (ره): «ما حساب جامعه یهودیان ایران را از حساب صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم» گفت: اقلیت‌های مذهبی همواره برای ما ارزشمند بوده‌اند، نگاه ما به هموطنان یهودی، خارج از آن چیزی است که صهیونیست‌ها در فلسطین انجام داده‌اند، ما حساب آنها را طبق فرمایش امام از صهیونیست‌ها جدا می‌دانیم. ولی متأسفانه صهیونیست‌ها با افراط‌گری‌های خود در منطقه آبرو و مظلومیت دیگر یهودیان را خدشه‌دار کرده‌اند. حجت‌الاسلام مهدی کروبی در پایان با تکیه بر این مسئله که جنگ و خونریزی به جایی نمی‌رسد و حاصلی جز این که کینه و عداوت را بیشتر کند ندارد، افزود: امیدواریم حداقل قطعنامه‌های سازمان ملل رعایت شود و گفتگو، صلح و مفاهمه‌ای که با هم داشته‌اند برقرار شود تا اوضاع به حالت عادی برگردد.

حجت‌الاسلام سید محمد ابوترابی نماینده مردم قزوین از دیگر سخنرانان این همایش، ضمن محکوم کردن جنایات رژیم صهیونیستی گفت: سردمداران

همبستگی با مردم مظلوم فلسطین با هر دین و گرایشی نیست، بلکه اعلام وفاداری به اصول انسانیت، آزادی و آزادگی است.

**وظیفه یهودیان جهان
همراه با مسلمانان و
مردم شرافتمند این
است که متحد شوند و
همه توان خود را به کار
گیرند تا زمان صلح فرا
رسد**



کلید صلح

بیانیه‌ای که تسلیم دبیرکل سازمان ملل گردید، مراتب تأثر، تأسف و انزجار خود را از بکارگیری روش‌های غیرانسانی و اعمال خشونت اعلام کرد و خواستار دخالت هرچه سریع‌تر نیروهای سازمان ملل در جلوگیری از کشتار انسان‌های بی‌گناه و برقراری صلح و آرامش در منطقه شد. ما همچنین با تجمعی در مقابل سازمان ملل با صدور بیانیه‌ای به شدت نسبت به عملکرد صهیونیست‌ها اعتراض کردیم.

دکتر داوود سلیمانی نماینده مردم تهران سخنان خود را با اشاره به دفاع از حقوق انسان‌ها که محور اشتراک ادیان است آغاز کرد و درباره جنایات صهیونیست‌ها گفت: ما می‌دانیم که فجایع اخیر فلسطین ریشه در عصبیت و نژادپرستی دارد، نه در دین حقیقی یهود. یهودیان حقیقی و معتقدین به موسی (ع) در سراسر دنیا از حوادثی که صهیونیست‌ها بر مسلمانان تحمیل کرده‌اند، شدیداً نگرانند.

وی در ادامه با اشاره به این مطلب که استفاده ابزاری از دین باعث جنایات بزرگی در طول تاریخ شده است، کشتار یهودیان و مسلمانان بی‌گناه را که فقط خواستار زندگی شرافتمندانه هستند محکوم کرد. وی در خصوص برپایی همایش جامعه کلیمی ایران مبنی بر دفاع از مردم فلسطین گفت: این همایش جامعه کلیمی ایران تنها اعلام همدردی و

جنگ‌افروز صهیونیسم در سرزمین‌های اشغالی و حاکمان ارتجاعی آمریکا و سرمایه‌دارانی که پول آنها از این جنایات حمایت می‌کند سه عنصر تداوم جنگ می‌باشد. وی در ادامه خواستار جمع‌آوری کمک‌های نقدی از سوی جامعه کلیمیان ایران برای حمایت از مردم فلسطین شد.

موریس معتمد نماینده ایرانیان کلیمی در مجلس شورای اسلامی، از دیگر سخنرانان این همایش، در بخشی از سخنان خود اعلام داشت: در کنار هم قرار گرفتن اقوام مختلف همواره با چالش همراه بوده است، چرا که تعصبات انسان‌ها بر آئین و رسوم قومی خود کمتر مجال داده تا دیگری را نیز با احترام به خصوصیات قومی او بپذیرند و به رسمیت بشناسند. البته در ایران پذیرش تنوع قومی و دینی به بهترین شکل صورت گرفته است. زندگی ۲۷۰۰ ساله یهودیان و ایرانیان در کنار یکدیگر، آن هم در شرایطی که جابه‌جایی یهودیان و کوچانیدن آنها از کشوری به کشور دیگر امری کاملاً عادی تلقی می‌شده، خود گواه این ادعاست. معتمد تأکید کرد: پذیرش اقوام و مذاهب مختلف با ایجاد فضای مناسب برای حضور آنان در این کشور افتخاری برای ملت ایران است. در زمانی که بسیاری از کشورهای داعیه‌دار تمدن، اقدام به نسل‌کشی و خشونت نسبت به مذاهب و اقلیت‌ها نمودند، ایران همواره جایگاهی امن و مطمئن برای یهودیان بوده است. ما یهودیان ضمن افتخار به ایرانی بودن خود اعتقاد کامل به اصول فرهنگ خود داریم که یکی از باارزترین آن را می‌توان اعتقاد به دستور «همنوخت را مثل خودت دوست بدار» دانست.

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به اقدامات یهودیان در محکوم کردن جنایات صهیونیست‌ها گفت: در تابستان ۸۰، جامعه کلیمیان ایران با صدور

هارون یشایایی رئیس انجمن کلیمیان تهران نیز در سخنان خود از این که صهیونیست‌ها زندگی فلسطینیان را به آشوب می‌کشند، احساس تأسف کرد و در تشریح مسائل اخیر گفت: نابود کردن مزارع، درهم کوبیدن خانه‌های فقیرانه مردم فلسطین در اردوگاه جنین، و هزاران مسائل دیگر همگی نشان از نقض توافقاتی دوجانبه میان صهیونیست‌ها و فلسطینیان است که تمامی جنایات زیر نقاب یهودیت و دفاع از یهودیان صورت می‌گیرد. صهیونیست‌ها نبودن امنیت در اسرائیل و وقایعی که منجر به کشته شدن یهودیان می‌شود را دلیل این تعرض لجام گسیخته خود می‌دانند. چه کسانی موجبات شکل‌گیری این تفکر باطل را فراهم کرده‌اند؟ زبان خشونت و ستیزه‌جویی چگونه میان یهودیان و مسلمانان رواج یافته است؟ اگر امروز شارون و همدستانش چشم‌های خود را بسته و دست‌هایشان را به مسلسل گرفته و ماشه‌ها را بی‌رحمانه می‌فشارند مسئله تازه‌ای نیست، قبلاً نیز یاران او از جمله «بگین» و «زائیرنسکی» چنین کرده‌اند. دهکده‌های دیرپاسین و کفرقاسم، سنگفرش‌های خیابان‌های «عکا» و «اورشلیم»، اردوگاه‌های «صبرا» و «شتیلا»، کشتار نمازگزاران در مسجد الخلیل شهر حبرون و امروز حوادث «جنین» و «رام‌اله» همگی شاهدان زنده‌ای هستند که کتمان

واقعیت توسط جنایتکاران صهیونیست را غیرممکن می‌سازند.

رئیس انجمن کلیمیان تهران با توجه به سابقه یهودیان در رویارویی با وقایعی که در طول تاریخ با آن روبرو شده‌اند گفت: یهودیان در تاریخ طولانی و پرفراز و نشیب خود بحران‌های فراوانی را پشت سر گذاشته‌اند، ما قرن‌ها در میان مردمی زندگی کرده‌ایم که به کوچکترین بهانه خون یکدیگر را به زمین ریخته‌اند، بر ما ستم‌های فراوان روا رفته است، اما ما خون هیچ‌کس را نریختیم. مردان ما خشم فروخورده خود را در کنیساها به عبادت‌های روزانه مبدل ساختند و زنان ما اشک‌های نجیبانه خود را پای شمع‌های مقدس شبات فرو ریختند، فرهنگ توحیدی و نجیبانه یهودیت دوام خود را در مدارا و تحمل دانسته و می‌داند ولی جریان صهیونیست‌های سیاسی در قرن اخیر همه هستی توحیدی - عرفانی و اخلاقی یهود را زیر چکمه‌های نظامیان له کرده است.

فرهنگ فاشیستی که مهاجرین از اروپای اواخر قرن نوزدهم و بیستم با خود به فلسطین آوردند بر تمام منطقه تسلط یافت. گویی صهیونیست‌ها خون‌به‌های آدم‌کشی‌های نازی‌های هیتلری را در اردوگاه‌های آشویتس، داخائو و بوخنوالد از مردم مظلوم و ستم‌کشیده فلسطین طلب می‌کردند. چنین حرکتی، فضایی را به وجود آورد که هر کس به خون دیگری تشنه شد و این چنین بود که نقشه زورمندان جهان و آنها که از وجود منابع عظیم طبیعی در منطقه اطلاع داشته و از ابتدا در صدد غارت آن بودند با موفقیت همراه شد.

در ادامه یشایایی از جهانیان سنوال کرد: اینک چه تکلیفی در برابر یهودیان شرافتمند جهان قرار دارد؟ آیا باید چون نظاره‌گر بی‌طرفی باشند که سکوت اختیار می‌کنند؟ یا از ترس هجوم تبلیغاتی

صهیونیست‌ها لب فرو بندند و منتظر پایان ماجرا باشند؟ و یا مقهور تبلیغات دستگاه‌های صهیونیستی و امپریالیستی شوند و برای تجاوز و خودسری دلیلی پیدا نمایند و قهرمانان پوشالی را مورد تشویق و ترغیب قرار دهند؟ بی‌تردید هر چه لیست شهدای فلسطینی طولانی‌تر شود و هر چه تعداد یهودیانی که در جنگ‌ها یا شهرها کشته می‌شوند افزون‌تر گردد، راه‌حل مسئله پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر خواهد شد. وظیفه یهودیان جهان همراه با مسلمانان و مردم شرافتمند این است که متحد شوند و همه توان خود را به کار گیرند تا زمان صلح فرا رسد.



وی در خصوص این که فریاد اعتراض یهودیان نسبت به اقدامات ستیزه‌جویانه صهیونیست‌ها بالا گرفته است گفت: شخصیت‌های برجسته یهودی اینک آشکارا اعتراض خود را به گوش جهانیان می‌رسانند. «ربای میخائیل لرنر» روحانی برجسته یهودیان آمریکا که کم و بیش موضع صهیونیست‌ها را تایید کرده است اینک با صراحت اعلام می‌دارد «ما در فلسطین ظلم می‌کنیم، ارتش اسرائیل باید بلافاصله از مناطق فلسطینی خارج شده و دولت اسرائیل حقوق مردم فلسطین را به رسمیت بشناسد».

خانم مری رابینسون، رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل به عنوان اعتراض به آنچه او پرخاشگری بی‌حساب دولت اسرائیل می‌داند فعالیت‌های این سازمان را در اسرائیل و فلسطین متوقف ساخته

است. «استیون اسپیلبرگ» کارگردان پرآوازه یهودی آمریکایی اخیرا در مصاحبه‌ای گفته است «هولوکاست» (کشتار یهودیان در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها) یک بار دیگر توسط کسانی در فلسطین تکرار می‌شود که به بهانه دفاع از یهودیت دست به چنین اقداماتی می‌زنند، من به عنوان یک کارگردان آمریکایی که یهودی نیز هستم نمی‌توانم در برابر آنچه اسرائیل و جنبش صهیونیستی به نام یهودیان و به حساب آنها انجام می‌دهند سکوت کنم».

بر ما ستم‌های فراوان روا رفته است اما ما خون هیچ‌کس را نریختیم.
مردان ما خشم فروخورده خود را در کنیساها به عبادت‌های روزانه مبدل ساختند و زنان ما اشک‌های نجیبانه خود را پای شمع‌های مقدس شبات فرو ریختند

«جورج کافمن» یک نماینده یهودی در مجلس عوام انگلستان چندی پیش در همان مجلس اعلام کرد «من به عنوان یک یهودی بسیار متأسفم که تاوان اقدامات سرکوبگرانه شارون و دار و دسته ستیزه‌جوی او را یهودیان جهان باید بپردازند»، و از این نمونه‌ها بسیار است که نقل همه آنها میسر نیست. با این همه زحمت زیادی ندارد که بدانیم چرا در این وانفسا آقای جورج بوش رئیس جمهوری آمریکا، شارون را مرد صلح می‌دانند...؟ ناگفته پیداست که اسلحه‌فروشان آمریکایی به هزینه مردم بی‌گناه مسلمان، یهودی و مسیحی فلسطین، آتش فتنه را روشن نگاه می‌دارند. آنها در این آتش‌افروزی خانمان‌سوز سوداگری مرگ می‌کنند و در تنور حوادث، نان منافع خود را به تنور فتنه می‌چسبانند.

یشایایی سپس با توجه به این توصیه

آغاز سلسله گفتگوی دینی بین یهودیت و مسیحیت

یک مرکز بزرگ گفتگوی ادیان در شمال آمریکا به نام Faith and values اقدام به پخش سلسله برنامه‌هایی تحت عنوان گفتگوهای دینی بین مسیحیان و یهودیان کرده است که تاکنون از استقبال بسیاری برخوردار شده است. در این سری از برنامه‌ها که از تلویزیون آمریکا پخش می‌شود موضوعات متنوع و حساس به ترتیب سابقه تاریخی مورد بحث‌های نقادانه از سوی متفکرین و صاحب‌نظران سرشناس مسیحی و یهودی قرار می‌گیرد. بحث‌های تاریخی، ریشه‌یابی اختلافات کلامی، شباهت‌ها و تفاوت‌های آیینی، موانع جدی عدم نزدیکی دو گروه به یکدیگر و نیز راهکارهای عملی برقراری دوستی پایدار بین پیروان این دو دین از جمله مهم‌ترین سرفصل‌هایی است که با ارائه اسناد و مدارک، مورد بحث‌های موشکافانه قرار می‌گیرد. در این برنامه دستیاران ویژه‌ای حضور دارند که در زمان بحث‌ها با ارائه مدارک از آرشیوهای کامپیوتری که در برنامه به نمایش گذاشته شده است، به کمک طرفین گفتگو می‌شایند.

مقدمات پخش این برنامه از دو سال پیش توسط یک گروه ۵۰۰ نفری در حال انجام بوده است و رسانه‌های گروهی این برنامه را جدی‌ترین و گسترده‌ترین برنامه در زمینه گفتگوی بین ادیان می‌دانند که تاکنون صورت پذیرفته است.

(بولتن اخبار دین - تیر ماه ۸۱)

قطعه‌نامه گردهمایی کلیمیان ایران

ما کلیمیان ایران که امروز در این کنیسا اجتماع کرده‌ایم، با تاکید بر اعتقادات دینی خود و احترام به فرامین خداوند که بوسیله حضرت موسی کلیم‌اله به ما ابلاغ شده است، و پای‌بندی به منافع میهن عزیزمان، ایران و اعتقاد به نظام جمهوری اسلامی ایران مراتب زیر را اعلام می‌داریم.

۱- ما تنفر و انزجار خود را از اقدامات نظامیان صهیونیست در کشتن زنان، مردان و کودکان بی‌گناه در اردوگاه فلسطینی جنین و سایر مناطق فلسطینی اعلام می‌داریم.

۲- ما فرهنگ نفرت و خشونت را که به وسیله شارون و همدستانش ترویج می‌شود، محکوم می‌کنیم.

۳- ما اندوه فراوان زنان، کودکان و مردان مسلمان، یهودی و مسیحی را که عزیزان خود را از دست داده‌اند به خوبی احساس می‌کنیم. ما ضمن همدردی با این خانواده‌ها، انزجار خود را از هر گونه تبعیض و نژادپرستی و خودسری، اعلام می‌داریم و می‌خواهیم خونریزی بی‌درنگ متوقف شود.

۴- ما رعایت حقوق مردم فلسطین و احترام به اماکن مقدس مسلمانان، یهودیان و مسیحیان را شرط اول هرگونه توافق و ختم منازعات می‌دانیم.

۵- ما از یهودیان سراسر جهان می‌خواهیم برای دفاع از ارزش‌های توحیدی، دینی و انسانی یهودیت بپاخیزند و نظامیان اسرائیلی را به اجرای قطعه‌نامه‌های سازمان ملل و شورای امنیت و توافق‌های دوجانبه و رعایت افکار عمومی جهانیان وادار سازند.

۶- ما از مسئولین نظام جمهوری اسلامی و جناب آقای مهدی کروبی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، که در این گردهمایی شرکت نموده و جامعه یهودی ایران را در این راه همراهی می‌کنند قدردانی و تشکر می‌نمایم.

کلیمیان ایرانی شرکت کننده در گردهمایی

اول اردیبهشت ماه ۱۳۸۱-

بیستم آوریل ۲۰۰۲

کنیسای یوسف‌آباد تهران

دینی که می‌گوید «انسانی که به انسان دیگر ستم روا می‌دارد خود نمی‌تواند آزاد باشد» از تمام مردم شرافتمند جهان و تمامی یهودیان خواست که ارتش اسرائیل را مجبور سازند کشتار مردم فلسطین را متوقف ساخته و سرزمین‌های فلسطین را ترک گوید، و مسببین این همه خشونت را به مجازات اعمالشان برسانند. وی با اشاره به زندگی مسالمت‌آمیز یهودیان و ایرانیان تأکید کرد: اگر ما یهودیان ایرانی با تعداد محدود در مرکز حکومتی اسلامی که متأثر از بنیادی‌ترین احکام اسلامی است می‌توانیم با هموطنان خود صمیمانه زندگی کنیم چگونه ممکن است زندگی مسالمت‌آمیز در سرزمین مقدس خداوند امکان‌پذیر نباشد؟ به یاری خداوند ابرهای تیره خشم و خشونت کنار خواهد رفت و سرود حضرت سلیمان بر زبان‌ها جاری خواهد شد که «שִׁיר לַה' שִׁיר שְׁמִי»، خداوند را شادمانه ستایش کنید و نام او را در همه سرزمین‌ها جاری سازید زیرا او خداوند عدالت و خداوند صلح است.



در ادامه این همایش، مراسم دعای مذهبی برای ایجاد صلح و آرامش در دنیا و سلامت رهبر و دولتمردان جمهوری اسلامی، توسط حاخام یوسف همدانی کهن مرجع کلیمیان ایران و با حضور حجت‌الاسلام کروبی در پیشگاه تورات مقدس خوانده شد. در پایان مراسم، کلیمیان حاضر در همایش قطعه‌نامه‌ای را به شرح زیر صادر کردند که مرجان یشایایی آن را قرائت نمود:



مصاحبه نماینده کلیمیان
در مجلس شورای اسلامی با نشریه افق بینا

مهندس معتمد: مشکلات به تدریج حل می‌شوند

گزارش: فرهاد افرامیان

به تصویب این لایحه امید دارید؟ و به عنوان نماینده یک جامعه اقلیت مذهبی در مجلس شورای اسلامی چه اقدامی در این زمینه انجام داده‌اید؟

✱ من ابتدا سؤال دوم شما را جواب می‌دهم. در این زمینه‌ها شخص نقشی ندارد، زیرا که من معتقد هستم اگر هم کاری را انجام می‌دهم با کمک دیگر نمایندگان و برای همه اقلیت‌های مذهبی است. ولی در طول این مدت ما ملاقات‌های زیادی را با آیات عظام داشتیم و سعی در جمع‌آوری فتاوی ایشان کرده‌ایم که شایان ذکر است نود درصد این فتاوی به نفع اقلیت‌ها صادر شده بود. اکثر ایشان تأکید داشتند که باید دیه اقلیت‌ها با مسلمانان برابر باشد و در ملاقات‌ها و جلساتی که با مسئولین قوه قضائیه و مسئولین دولتی داشتیم، این مسئله را عنوان کردیم و زمانی این مسئله رنگ واقعیت به خود گرفت که عنایت مقام معظم رهبری شامل حال ما شد و ایشان طبق دستوری به ریاست قوه قضائیه موافقت خودشان را در تدوین یک قانونی که حقوق اقلیت‌ها را با جامعه اکثریت برابر کند اعلام داشتند. رئیس قوه قضائیه هم از ریاست جمهور خواستار لایحه‌ای شدند و حالا این لایحه توسط هیئت دولت آماده و به مجلس فرستاده شد. که انشالله بعد از تعطیلات تابستانی در صحن مجلس مطرح خواهد شد. البته تصویب آن شاید با گفتگوها و مسائل مختلفی روبرو شود، ولی من می‌توانم بگویم که حداقل این لایحه می‌تواند ۹۰٪ رأی موافق نمایندگان را به خود جلب کند.

- آیا قانون دیه جزء قوانین جمهوری اسلامی است؟

✱ قانون دیه قانون قانون شرع اسلام است که البته می‌بینیم که با عنایت و بلندنظری شخص مقام معظم رهبری و مسئولان و پشتیبان نمایندگان نسبت به حل این مشکل اقدام شده است.

جریان مشکلات مشترکمان قرار دهیم و خواسته‌هایمان را به گوش آنها برسانیم. در اولین ملاقات با ریاست جمهور مشکلات خودمان را بازگو کردیم و ایشان در همان جلسه اول کمیسیونی را در وزارت کشور مأمور رسیدگی به مسائل اقلیت‌ها کردند. ولی به دلیل اینکه نتایج لازم از این کمیسیون گرفته نشد، آقای خاتمی این کمیسیون را به دفتر خودشان منتقل کردند و آقای ابیطیحی معاونت پارلمانی ریاست جمهوری مسئولیت رسیدگی به آن را برعهده گرفت. طی برگزاری چندین جلسه نشست و با توجه به پشتیبانی که ایشان نشان دادند، کمیسیون به نتایج مطلوبی رسید و امیدوارم با شکل منظم‌تر و جدی‌تری که این جلسات به خودش گرفته بتوانیم گام‌های مثبت بیشتری در حل مشکلات جوامع اقلیت برداریم.

اگر هم کاری را انجام می‌دهم با کمک دیگر نمایندگان و برای همه اقلیت‌های مذهبی است

- آقای مهندس می‌خواستم به چند نمونه از فعالیت‌های این کمیسیون اشاره کنید؟

✱ از نتایج کارهای این کمیسیون می‌توانم به دستور صریح رئیس جمهور مبنی بر لزوم استخدام افراد در سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بدون هیچگونه تبعیض اشاره کنم. و یا به مسئله دیگری که در آخرین جلسه در دفتر ایشان به آن رسیدگی شد و آن هم مشکلات مدارس اقلیت‌های مذهبی و عدم استخدام معلمین اقلیت در آموزش و پرورش می‌باشد. خوشبختانه با حضور آقای حاجی وزیر آموزش و پرورش در این جلسه راه‌حلی‌هایی برای رفع مشکلات جوامع اقلیت مذهبی با وزارت آموزش و پرورش به وجود آمد.

- چیزی که این روزها تیر داغ روزنامه‌ها شده و از آن زیاد صحبت می‌شود، برابری دیه اقلیت با اکثریت است. شما چه قدر

- آقای مهندس موریس معتمد، با تشکر از وقتی که در اختیار مجله گذاشتید، اجازه بدهید به یکی دو سال پیش برگردیم. منظورم زمانی است که به مجلس راه یافتید. در آن موقع لابد افکار سازنده‌ای داشتید و سعی در حل مشکلات جامعه باعث شد شما در عرصه حضور پیدا کنید. برای ما بگویید تاکنون چه کارهایی را انجام داده‌اید و یا به چه طرح‌هایی جامعه عمل پوشانده‌اید؟

✱ ضمن تشکر متقابل، شما یک‌دفعه رفتید سراغ اصل مطلب، البته خیلی هم خوب است. کارهایی که ما از ابتدای مجلس ششم انجام دادیم، نتایجش بیشتر در نیمه دوم سال ۸۰ و ابتدای سال ۸۱ مشخص شده و یک‌سری دیگر از فعالیت‌ها به جایی رسیده که امیدواریم نتیجه مطلوبش را هر چه زودتر به دست آوریم. می‌توانم از جمله اقدامات خاص جامعه کلیمی به رسیدگی به مسائل زندانیان شیراز اشاره کنم. همانطور که می‌دانید ۸ نفر از متهمین پرونده شیراز هنوز در زندان به سر می‌برند. من با سفرهای متعددی که به آن شهرستان داشتم و دیدار و گفتگوهای بسیاری با مسئولین دادگستری و دادگاه انقلاب اسلامی استان فارس و همچنین ملاقات‌هایی با متهمین و خانواده‌های آنها داشتم و نتیجه این فعالیت‌ها این بود که خوشبختانه با مساعدت و اظهار لطف مسئولین، زندانیان با توجه به اینکه تاکنون نصف دوران محکومیت را پشت سر گذاشته‌اند، امیدواریم این اقدامات به نتیجه نهایی برسد.

- ببخشید آقای معتمد، شما لفظ «ما» را به کار برده‌اید، منظورتان چه کسانی هستند؟

✱ منظورم از ما، نمایندگان اقلیت‌های مذهبی در مجلس ششم می‌باشد که از ابتدای تشکیل این مجلس با همکاری و همدلی و هماهنگی سعی کرده‌ایم تا مسئولان را در

دانشجوی فلسطینی : فلسطینی‌ها نسبت به یهود و یهودیان کینه و عداوت ندارند، بلکه با تجاوزگری و نژادپرستی مخالف هستند

آرش آبان



تجاوزگری و نژادپرستی مخالف هستند. وی در ادامه با اشاره به ترمذ برخی از سربازان اسرائیل در برابر حمله به غیرنظامیان، اظهار می‌دارد که کشتن افراد بی‌گناه به هیچ وجه عقلانی نیست و چنین ادامه می‌دهد: «در اسرائیل جنبشی یهودی به نام «صلح اکنون» (السلام الآن - عَخْشاو شالوم) علیه خشونت و خوتریزی تلاش می‌کند و بسیاری از فلسطینی‌ها نیز دوشادوش یهودیان در این حرکت مشارکت دارند. حتی حدود یکسال پیش در یک اردوی جهانی مربوط به جوانان، جوانان فلسطینی و اسرائیلی در کنار هم بودند. اما گاه از این حرکت‌ها، سوءاستفاده می‌شود. این دانشجوی فلسطینی از یک همکاری مسالمت‌آمیز مسلمانان و یهودیان به عنوان خاطره‌ای خوش یاد می‌کند: «پدر من، ده سال به خاطر همکاری با جنبش‌های فلسطینی در اسرائیل زندانی بود. خانم «ویلیسیا لانگر» یک وکیل معروف یهودی است که در بسیاری از محاکم، از حقوق فلسطینی‌ها در دادگاه‌های اسرائیل دفاع می‌کند. ما رابطه بسیار دوستانه‌ای با وی داشتیم و این خانم یهودی نهایت تلاش خود را برای آزادی پدرم از زندان به کار برد».

در پایان این دیدار، دانشجویان فلسطینی با مسئولان غرفه انجمن کلیمیان، عکس‌هایی برای یادبود گرفتند و یک جلد مزامیر حضرت داوود (تهلیلیم) نیز به عنوان یادگار به ایشان هدیه شد.



همزمان با برپایی پانزدهمین نمایشگاه کتاب تهران، یک سالن به نام «سرای فلسطین» به آثار و تحقیقات مربوط به فلسطین اختصاص یافت. در این سرای، چند دانشجوی فلسطینی که در ایران شاغل به تحصیل هستند، به گفتگو با مراجعین و راهنمایی آنان می‌پرداختند. سردبیر نشریه بینا با یکی از این جوانان به نام «نضال یوسف محمد» گفتگویی انجام داد که چکیده آن در ادامه می‌آید. نضال یوسف محمد متولد ۱۹۷۵ میلادی در شهر الخلیل است. وی در سال ۱۳۷۵ شمسی برای تحصیل عالی به تهران آمد و هم اکنون در مقطع کارشناسی ارشد رشته فیزیوتراپی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل است. وی درباره وضعیت زندگی در فلسطین می‌گوید: «قبل از شروع انتفاضه دوم، در شهرهای الخلیل و نابلس درگیری نبود. فلسطینی‌ها به طور طبیعی رفت و آمد داشتند و ضمن دادوستد با یهودیان، رابطه خوبی با آنها برقرار کرده بودند. اما در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، با ورود شارون به مسجدالاقصی، فلسطینیان تحریک شدند و درگیری‌ها آغاز شد. اکثر فلسطینی‌ها، قطعنامه‌های ۲۴۲، ۱۸۱، ۱۹۴ و نیز قرارداد اسلو را قبول دارند، اما حتی قبل از انتخابات نخست‌وزیری اسرائیل، معلوم بود که شارون با قرارداد اسلو مخالف است. در حال حاضر، به خاطر حمایت آمریکا از طرح‌های شارون، دستیابی به صلح بسیار سخت است».

نضال محمد، در پاسخ به سؤالی درباره دیدگاه وی نسبت به همزیستی ادیان به ویژه اسلام و یهود در فلسطین، ضمن اشاره به قداست مسجدالاقصی در نظر مسلمانان، می‌گوید: «اگر حقوق پیروان همه ادیان رعایت شود، دیگر درگیری و مخالفتی نخواهد بود. هر کس که به ادیان و مقدسات آن‌ها احترام بگذارد، حق زیارت اماکن مقدس را بدون هیچ‌گونه درگیری خواهد داشت. فلسطینی‌ها اغلب با تورات، تلمود و احکام شریعت یهود آشنا هستند. آنها نسبت به دین یهود هیچ احساس نفرت یا کینه‌ای ندارند، بلکه با

خوشبختانه باید بگویم که ۹۰٪ مواردی که من پی‌گیر آن بودم به نتایج مثبت و خوبی رسیده است

از اینها که بگذریم به مسائل داخلی جامعه می‌رسیم. چه کارهایی را برای حل مشکلات داخلی جامعه و برای جوانان انجام داده اید؟ و چه طرح‌هایی برای حل مشکلات آنها دارید؟

من در دفتر نمایندگی پذیرای همه افراد جامعه از پیر و جوان، زن و مرد هستم. البته مراجعین زیادی هم دارم و آنها با مطرح کردن مشکلات خود، من را در جریان مسائشان قرار می‌دهند و من هر چه در توان دارم برای کمک به آنها دریغ نمی‌کنم و شایان ذکر است که بگویم تمام این فعالیت‌هایی که ما انجام می‌دهیم فقط برای نسل جوان جامعه می‌باشد تا نقطه اتکایی برای آنها باشد و در خود نیرو و امید بیشتری احساس کنند و پیشتر از پیش در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی حضور داشته باشند و باید متوجه این نکته باشند که من به عنوان نماینده آنها سعی و تلاش خود را برای بهبود وضعیت آنها انجام می‌دهم تا یک تغییر و تحول روحی و حرکتی در جامعه برای جوانان کلیمی ایجاد شود. از جمله کارهایی که صرفاً برای جوانان درصدد انجام دادن آن هستم ایجاد یک مرکز فرهنگی و ورزشی تفریحی است و خوشبختانه با پشتیبانی شخص ریاست جمهور اقداماتی هم شکل گرفته است.

ما همواره از سوی مسئولین جامعه صحبت‌های زیادی شنیده‌ایم که چیزی جز یک وعده نبوده آیا این هم جزو همان وعده‌هاست یا نه و به واقعیت می‌پیوندد؟

من امیدوارم که این صحبت‌ها در حد وعده باقی نماند، چرا که من تمام سعی و تلاش خود را برای رفع و حل مشکلات و جامعه عمل پوشاندن به صحبت‌هایم دارم و خوشبختانه باید بگویم که ۹۰٪ مواردی که من پی‌گیر آن بودم به نتایج مثبت و خوبی رسیده است و امیدوارم این بار را هم به انجام برسانم و البته برای احداث یک مرکز فرهنگی - ورزشی درخور جامعه کلیمیان ایران حمایت مسئولین دولتی و انجمن کلیمیان ایران نیز حائز اهمیت است.



اولین همایش گفتگوی اسلام و یهود در ایران

رئیس انجمن کلیمیان نفس «گفتگو» را صرفنظر از نتیجه آن، ارزشمند دانست و با اشاره به آیاتی از تورات و قرآن، «گفتن» و «گفتگو» بین پیامبران و مردم را خواست خداوند اعلام داشت

آرش آسانی

دیر گفتگوی ادیان در پایان، معتقدات مشترک ادیان را تشریح کرد و نمونه‌هایی از اندیشمندان و روحانیون یهودی را که معتقد و مدافع گفتگو و شناسایی ادیان دیگر بوده‌اند، نام برد.

دکتر یونس حمامی لاله زار، روحانی و اندیشمند کلیمی، سومین سخنرانی همایش را با عنوان «بررسی پیشینه همزیستی اسلام و یهود و مشترکات آنها» ایراد نمود.



وی در سخنان خود، زندگی یهودیان در سه مقطع قبل از اسلام (یهود و اعراب عربستان)، پس از اسلام (یهود و اعراب مسلمان) و ایران پس از اسلام (یهودیان و ایرانیان مسلمان) را مورد بررسی اجمالی قرار داد. دکتر حمامی لاله زار، سه مصداق همزیستی یهودیان و مسلمانان را تشریح نمود که عبارت بودند از:

۱- اداره آموزشگاه‌های عالی مذهبی یهود در بغداد و برخی از شهرهای یهودی‌نشین با مساعدت حکام و خلفای اسلامی (در قرون ۶ تا ۱۲ میلادی).

۲- سفرنامه «رسی بنیامین تودولایی» که زندگی تقریباً آرام و مورد احترام یهودیان مقیم سرزمین‌های اسلامی را در قرون ۱۲ میلادی به تصویر کشیده است.

«راهکارهای گفت‌وگو بین دو دین اسلام و یهودیت» بود. وی ضمن اشاره به این واقعیت که در ادیان، نکات و تعالیمی وجود دارد که می‌توانند باب گفتگو را بیندازند، اظهار داشت که در هر دین، قرائت‌های مختلفی وجود دارد و برای گشودن باب گفتگو، باید بررسی کرد که کدام قرائت درون دینی، گفتگوی بین ادیان را تسهیل می‌کند.



اکرمی در ادامه، سه محور برای گفتگو را برشمرد که عبارتند از:

- ۱- دغدغه‌های مشترک عملی (مانند نسبت ادیان با صلح و خشونت).
- ۲- مباحث نظری مشترک و موضوعات فرادینی (مانند سعادت انسان).
- ۳- مباحث مشترک درون دینی (مانند تصویر خدا - بهشت و جهنم).

دکتر اکرمی: در هر دین، قرائت‌های مختلفی وجود دارد و برای گشودن باب گفتگو، باید بررسی کرد که کدام قرائت درون دینی، گفتگوی بین ادیان را تسهیل می‌کند

مؤسسه گفتگوی ادیان با همکاری کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران روز یکشنبه ۲ تیرماه همایشی تحت عنوان «ضرورت گفتگوی ادیان» برگزار نمود. در این نشست که در محل مؤسسه برگزار شد جمعی از مسئولان فرهنگی و اندیشمندان جامعه کلیمی حضور داشتند.

هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران به عنوان اولین سخنران به «بررسی راهکارهای گفتگوی ادیان، با تکیه بر مشترکات اسلام و یهود» پرداخت.



وی در سخنان خود، نفس «گفتگو» را صرفنظر از نتیجه آن، ارزشمند دانست و با اشاره به آیاتی از تورات و قرآن، «گفتن» و «گفتگو» بین پیامبران و مردم را خواست خداوند اعلام داشت. یشایایی در بخش دیگری از سخنان خود، به نمونه‌هایی از همزیستی و احترام پیامبر اسلام به یهودیان اشاره کرد و نادیده گرفتن این نمونه‌های مثبت تاریخ مشترک اسلام و یهود را نشانه بی‌مهری برخی متفکرین و نویسندگان دانست. وی سخنان خود را با تأکید بر دفاع از حق و تلاش برای صلح پایان داد.

دکتر سید امیر اکرمی، دبیر گفتگوی ادیان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دومین سخنران جلسه حول محور

فراخوان مقاله

مبانی نظری حقوق بشر

دانشگاه مفید، ۲۷ و ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۲

با همکاری سازمان ملل در جمهوری اسلامی ایران و مرکز بین‌المللی گفت و گوی تمدن‌ها

حقوق بشر به رغم بیش از نیم قرن تلاش بین‌المللی در زمینه وضع قواعد و هنجارها و تأسیس نهادها و سازوکارهای اجرایی، همچنان با چالش‌های بزرگی روبرو است. در این میان مسایل معرفت‌شناختی حقوق بشر، نسبت و میزان سازگاری آن با نهادهای پرنفوذ اجتماعی چون دین، اخلاق و فرهنگ و شیوه‌های تعامل میان آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و کاوش و گفت‌وگوی علمی درباره آنها، به استواری نظری و کارایی عملی حقوق بشر کمک می‌کند.

از این رو، دانشگاه مفید در ادامه اولین همایش خود با عنوان «همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفت‌وگوی تمدن‌ها» (اردیبهشت ۱۳۸۰) و پس از مشورت‌های گسترده با صاحب‌نظران داخلی و خارجی، حلقه دوم از سلسله همایش‌های بین‌المللی دوسالانه حقوق بشر را با عنوان «مبانی نظری حقوق بشر» برگزار می‌کند.

محورهای همایش:

فلسفه حقوق بشر

حقوق بشر و دین

حقوق بشر: جهان‌شمولی و تنوع فرهنگی

از اندیشمندان و پژوهش‌گران دعوت می‌شود مقالات خود را - به یکی از زبان‌های فارسی، عربی یا انگلیسی - در یکی از محورهای فوق یا یکی از ریز موضوعات آنها به دبیرخانه همایش ارسال دارند. این مقالات باید به مباحث نظری پرداخته باشد.

- طرح مقالات باید در ۵۰۰ کلمه تایپ شده و حاوی عنوان، نام نویسنده، آدرس پستی و تلفن ارسال شود.
- اصل مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۲۵۰ کلمه‌ای)، تایپ و ترجیحاً از طریق پست الکترونیک تا تاریخ ۱۵/۱۳۸۱/۸ به دبیرخانه همایش ارسال گردد.

- نویسندگان مقالات برگزیده، در مدت برگزاری همایش، مهمان دانشگاه مفید خواهند بود.

نشانی: قم، ۴۵ متری صدوق، دانشگاه مفید، دبیرخانه همایش / صندوق پستی: ۳۷۸۸۵-۳۶۱۱

تلفن: ۳- ۲۹۲۵۷۶۱ (داخلی ۲۸) و ۲۹۲۵۷۶۴ / نمابر ۲۹۲۷۳۹۵ و ۲۹۲۵۷۶۳

پست الکترونیک: TFHR@hotmail.com

TFHR@mofidu.ac.ir

حجت الاسلام سید محمدعلی

ابطحی، معاون پارلمانی ریاست جمهوری و رئیس مؤسسه گفتگوی ادیان، در سخنان کوتاهی در پایان همایش، با تقدیر از برگزاری این همایش، فرهنگ ایرانی را بسیار قدرتمند دانست به طوری که با ورود اسلام به ایران، این فرهنگ، شاخص‌های ارزشمند خود را حفظ کرد و حتی بر اسلام نیز تأثیر نهاد.



وی اظهار داشت: «متصل‌ترین و سخت‌ترین بخش هر فرهنگ که امکان گفتگو در آن کمتر دیده می‌شود، دین است. حال، امروز که ادیان حاضر به گفتگو شده‌اند، نشانه‌ای است که سایر بخش‌های فرهنگی نیز به راحتی امکان گفتگو را دارند». رئیس مؤسسه گفتگوی ادیان با اشاره به مناقشات اسرائیل و فلسطین، گفت: «یهودی‌ها، سرمایه بزرگی در جهان به دست آورده بودند و آن مظلومیتی بود که در دوران نازی‌ها به وجود آمد و یهودیان از آن استفاده می‌بردند، اما امروز وضعیت و عملکرد دولت اسرائیل، تمام آن سرمایه را تباه کرده است». حجت الاسلام ابطحی، ضمن تأکید بر تداوم این گفتگوهای بین دینی، ابراز امیدواری کرد که در جهان آینده، ادیان مانع تبعیض و تقسیم‌بندی انسان‌ها به درجه‌های گوناگون اجتماعی و حقوقی شوند.

لازم به ذکر است که محمدتقی شریعتی، مسئول روابط عمومی مؤسسه گفتگوی ادیان، مجری این برنامه بود و هماهنگی و دعوت همایش توسط فهیمه موسوی‌نژاد، مدیر مؤسسه صورت گرفت. در این همایش، جزوه‌ای تحت عنوان «یهودیان ایران» به کوشش زهرا رشید ییگی (با همکاری کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران) تدوین و بین حضار توزیع شد.

۳- «عصر طلایی اسپانیا» که شکوفایی فرهنگ یهودی را در آغاز دوران تسخیر اسپانیا توسط مسلمانان در قرن هشتم میلادی به دنبال داشت.

بررسی زندگی «موسی بن میمون» (هارامبام)، فیلسوف و دانشمند یهودی که مقام ویژه‌ای در دربار حکام و مسلمانان مصر داشت و نیز سایر دانشمندان یهودی که در فضای حکومت اسلامی می‌زیستند و بر فرهنگ زمان خود، تأثیر نهادند از دیگر نکات سخنان این روحانی کلیمی بود.

حجت الاسلام و المسلمین باقر

طالبی دارابی، محقق و اندیشمند مسلمان و عضو هیئت علمی دانشگاه مفید قم، آخرین سخنران این همایش تحت عنوان «ضمیمه: گفتگوی بین اسلام و یهودیت» به سخنانی از همزیستی مسالمت‌آمیز یهودیان و مسلمانان بود.



وی در ابتدا به وجه مشترک دو دین اسلام و یهود از این وجه که هر دو آئینی «دو محور» (کتبی: قرآن و تورات - و شفاهی: سنت و تلمود) هستند اشاره کرد و سپس یک ریشه اختلاف نظر را در این دو دین را، دور شدن از متن و مشغول شدن به تفسیر دانست و راه رسیدن به وحدت و یکدلی را، بازگشت و تأکید بر نص و متن عنوان کرد.

در ادامه، حجت الاسلام طالبی از رشد «ادیان بدیل» (New Age) اظهار نگرانی کرد. وی در پایان به حضور «پروفسور مارشال برگر»، استاد یهودی دانشگاه واشنگتن در قم و تهران اشاره کرد، و رعایت کلیه موازین دینی یهودی برای وی در مدت اقامت در ایران را نمونه‌ای عملی از همزیستی پیروان اسلام و یهود اعلام کرد.



خلاصه‌ای از شرح حال

حضرت سلیمان

שלמה המלך

پوشاندن حقیقت ناآرامی ایجاد می‌کند، اما سرزنش آشکار آرامش بوجود می‌آورد

رحمن دل‌رحیم

احداث خانه خدا

(معبد بیت المقدس)

در اورشلیم، به عنوان مرکز

آئین عبادی یهودیان،

مهم‌ترین خدمت سلیمان به

یهودیت بود

سلیمان با «حیرام» پادشاه «صور» که به ساختن عمارات و ساختمان‌ها و قصرها معروف بود روابط نزدیکی داشت. دریانوردان «حیرام» همراه دریانوردان حضرت سلیمان به جزایر مدیترانه و «آفیر» سفر می‌کردند. بدین طریق حضرت سلیمان می‌توانست طلا و فلزات و چوب‌های گران‌بها و گوهرهای لازم برای ساختن معبد مقدس را از آن نواحی وارد کند و در عوض به آنها غلات و روغن بفروشد. این رابطه بازرگانی موجب شد که آن حضرت بتواند با همسایگان خود با صلح و صفا زندگی کند. البته همه پادشاهان مناطق اطراف نیز در ساخت بت‌همیقداش با حضرت سلیمان همراهی ننموده‌اند، غافل از اینکه او با علم و درایت و حمایت الهی بر هر مشکلی فائق می‌آید. «روایتی در تلمود آمده است که هنگامی که سلیمان می‌خواست بت همیقداش را بنا کند نامه‌ای برای فرعون وقت برای اعزام کارگران ارسال داشت. پادشاه مصر همه منجمان دربار خود را گرد آورد و با کمک علم و دانش آنها تمامی مردانی را که در همان سال

... و خداوند به سلیمان در خواب ظاهر شد و فرمود: طلب نما، چه به تو بدهم. سلیمان گفت: به بنده خود دل فہیم عطا فرما تا قوم تو را داوری نمایم و در میان نیک و بد تمیز دهم. این امر به نظر پروردگار پسندیده آمد و فرمود چون این را خواستی و طول ایام برای خویشتن نطلبیدی و دولت برای خود سئوال ننمودی و جان دشمنانت را نطلبیدی، اینک دل حکیم و فہیم به تو دادم به طوری که پیش از تو مثل تو نبوده است و بعد از تو هم کسی مثل تو نخواهد برخاست و نیز آنچه را نطلبیدی یعنی هم دولت و هم جلال را به تو عطا فرمودم به حدی که در تمامی روزهایت کسی مثل تو در میان پادشاهان نخواهد بود» (پادشاهان اول فصل ۳ - آیات ۱ تا ۱۳).

احداث خانه خدا (معبد بیت المقدس) در اورشلیم، به عنوان مرکز آئین عبادی یهودیان، مهم‌ترین خدمت سلیمان به یهودیت بود.

در زمان سلطنت حضرت سلیمان قوم یهود در مکان‌های بلند قربانی تقدیم می‌کردند زیرا خانه‌ای به نام خالق ایشان تا آن موقع بنا نشده بود.

حضرت سلیمان در سال چهارم سلطنت خود با بهره‌گیری از کلیه نیروهای خود، ساخت بنای خانه خدا (بیت‌همیقداش یا معبد بیت‌المقدس) را آغاز نمود.

نام او به زبان عبری «شَلُومُو» بود و در قرن نهم قبل از میلاد می‌زیست. سلیمان در سال ۲۹۱۲ (۸۴۸ ق.م) متولد شد.

در جلد اول کتاب تاریخ ایام از مجموعه کتب مقدس عهد عتیق (فصل ۲۲ آیات ۸، ۹ و ۱۰) می‌خوانیم:

«خداوند به داوود گفت: از تو پسری متولد خواهد شد که مرد آرامی خواهد بود و نامش شَلُومُو است و بنی‌اسرائیل را در ایام او آرامش و صلح خواهم بخشید و او معبد را خواهد ساخت».

در جلد دوم کتاب سموئیل نبی فصل ۱۳ آیه ۲۵) آمده که ناتان نبی بخاطر خدا نام او را «یدیدیا» گذاشت که به معنی «محبوب خدا» است.

حضرت داوود میل داشت سلیمان را جانشین خود سازد، ولی برخی از اطرافیان او به «ادونیا» پسر «حگیت» فرزند دیگر حضرت داوود علاقمند بودند. «یوآو» بن سرویا و «اویاتار» کاهن، بدون اطلاع داوود، ادونیا را نامزد سلطنت کردند ولی ناتان نبی نزد حضرت داوود رفته به او گزارش داد و او، همسرش «بت شوع» را به حضور طلبید و طبق قولی که به او داده بود سلیمان را جانشین خود نمود.

«پس داوود با پدران خود خوابید و در شهر داوود دفن شد و سلیمان بر کرسی پدر خود نشست و سلطنت او بسیار استوار گردید» (کتاب اول پادشاهان فصل ۱ آیات ۱۲-۱۰).

ظهور لکه آب در دیوار غربی معبد بیت المقدس

تراوش آب از سنگی در دیوار ندبه (دیوار غربی به جای مانده از معبد دوم بیت المقدس) در اورشلیم که مقدس ترین مکان مذهبی یهودیان است، برخی یهودیان متدین را که آن را نشانه ای از ظهور ماشیح (منجی موعود در اعتقادات یهود) می دانند، هیجان زده کرده است.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، این مکان مقدس که دیوار غربی نیز نامیده می شود، آخرین باقیمانده معبد دوم یهودیان است که رومیان در سال ۷۰ پس از میلاد مسیح آن را ویران کردند.

این دیوار در بخش یهودی نشین شهر قدیمی بیت المقدس در پایین مسجدالاقصی سومین مکان مقدس اسلام، قرار دارد.

لکه آب ۱۵ متر بالای دیوار در میان بخشی که فقط ویژه مردان است، حدود ۳۰ سانتیمتر از وسط یک سنگ سفید بزرگ تا حاشیه آن گسترش پیدا کرده است.

مقامات باستان شناسی اسرائیل اکنون این لکه را که در چند روز گذشته ظاهر شده است، به دقت زیر نظر دارند.

جون زلیگمن باستان شناس بخش بیت المقدس معتقد است هیچ رمز و رازی در این پدیده نیست. او گفت: این یک لکه نم است، چنین چیزهایی را در گذشته نیز دیده ایم، این لکه ها به علت ترکیب لوله در آن سوی دیوار به وجود می آید و سپس خشک می شود.

اما افراد دیگری در پای این دیوار باستانی، نظریه زلیگمن را تأیید نکردند.

«زاهوا» که از نیوجرسی آمده است تا یک سال را در بیت المقدس با خانواده اش بگذرانند، گفت: دیوار شروع به گریه کرده است، این ممکن است نشانه ای بر ظهور ماشیح موعود باشد.

(اقتباس از همشهری ۸۱/۴/۱۶)

در کتاب مقدس مکتوب است: «و سه هزار مثل گفت و سرودهایش هزار و پنج بود». در تلمود (براخت: ۵۷-ب) در وصف دانایی سلیمان آمده است: «از دیدگاه عده ای از علمای یهود، خواب دیدن سه پادشاه از اهمیت خاصی برخوردار است: اگر کسی داوود را در خواب ببیند، امید به پرهیزکاری و تقوا داشته باشد، اگر سلیمان را ببیند، امید به خردمندی و حکمت داشته باشد... اگر کتاب زبور داوود (تهیلیم) را در خواب ببیند پرهیزکار می شود و اگر کتاب امثال سلیمان را ببیند حکم می شود».

حضرت سلیمان نام های متعدد دیگری به غیر از پدیدیا از قبیل: قوهیل، لمونل، آگود، و ایتیل داشته است. او پس از ۵۲ سال زندگی، در سال ۲۹۶۴ عبری (۷۹۶ ق.م) درگذشت.

گزیده ای از کتاب امثال سلیمان:

* هفت چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد:

نگاه متکبرانه،

زبان دروغ گو،

دست هایی که خون بی گناه را می ریزند،

فکری که نقشه های پلید می کشد،

پاهایی که برای بدی کردن می شتابند،

شاهدی که دروغ می گوید،

شخصی که در میان دوستان تفرقه می اندازد. (فصل ۶ آیات ۱۶ تا ۱۹)

* پوشاندن حقیقت ناآرامی ایجاد می کند، اما سرزنش آشکار آرامش بوجود می آورد. (فصل ۱۰ آیه ۱۰)

* برکت خداوند انسان را ثروتمند می سازد بدون این که زحمتی برای وی به بار آورد. (فصل ۱۰ آیه ۲۲)

* آنچه بدکاران از آن می ترسند، بر سرشان می آید، اما نیکان به آرزوی خود می رسند. (فصل ۱۰ آیه ۲۴)

* در روز داوری مال و ثروت به داد تو نمی رسد، اما صداقت می تواند تو را از مرگ برهاند. (فصل ۱۱ آیه ۴)

می مردند برای آن حضرت فرستاد. وقتی آن کارگران به حضور حضرت سلیمان بار یافتند، او به واسطه نبوت خود، پیش بینی کرد که همگی آنها همان سال خواهند مُرد. از این جهت به هر کدام کفنی داد و ایشان را با نامه ای به سوی فرعون پس فرستاد. در آن نامه آمده بود: «از آنجا که شما کفن ندارید تا مردگان خود را با آن دفن نمایید، لذا من تعدادی کفن برای شما فرستادم» (پسیقتا، ۳۴ الف).

داستان ساختن معبد مقدس به وسیله حضرت سلیمان به تفصیل در کتب «تواریخ ایام» و «کتاب پادشاهان» شرح داده شده است.

حضرت سلیمان پس از خاتمه ساخت بنای مقدس با همراهی جمیع مشایخ اسرائیل، کاهنان و رؤسای اسباط، صندوق عهد (حاوی دو لوح سنگی ده فرمان حضرت موسی) را به محل معبد بیت المقدس انتقال دادند.

حضرت سلیمان مدت چهل سال (از ۸۳۶ تا ۷۹۶ قبل از میلاد) بر کشور اسرائیل سلطنت کرد. این دوران، بهترین مقطع زندگی یهودیان در سرزمین اسرائیل شناخته می شود.

کتاب مقدس دلیل آسایش بنی اسرائیل و صلح و صفای موجود بین مردم را در آن زمان خردمندی و عدالت سلیمان بیان می کند. داستان داوری او بین دو زن که هر دو ادعا می کردند مادر یک کودک زنده هستند و کودک دیگر آنها مرده است معروف است (کتاب اول پادشاهان فصل ۳ آیات ۱۶ تا آخر). حضرت سلیمان یکی از بهترین تالارهای قصر خود را برای رسیدگی به اختلافات مردم اختصاص داده بود. حضرت سلیمان را مؤلف کتاب های «امثال سلیمان»، «جامعه» و «سرود سرودها» می دانند که کتاب اخیر را در دوران جوانی نوشته و عشق متقابل بین خدا و افراد مؤمن را بیان می کند.



اسنیان

نخستین زهاد یهودی

محمد جواد شمس

تلخیص: رویا یعقوبزاده

سلوکیان و تبعید اونیاس، تبلیغ فرهنگ هلنیستی به حدی رواج یافت که در قربانگاه معبد (بیت المقدس)، برای زنوس خوک قربانی کردند و به دستور آنتیوخوس کتاب‌های شریعت موسوی سوزانده شد. گذراندن قربانی در معبد منع گردید و عدم شرکت یهودیان در آداب و آیین‌های هلنیستی منجر به مرگ آنها می‌شد. از این رو در سال ۱۶۷ ق.م. بسیاری از پیروان «حسیدیم» قتل عام شدند و بقیه نیز به مکتب یهودا مکابی گرویدند بعد از آن قیام مکابیان که به حشمونائیان نیز معروف است قوم یهود را وارد مرحله جدیدی از زندگی خود نمود که با درگیری با اسنیان، آنان از جامعه یهود کناره‌گیری کردند و فریسیان قدرت بسیاری یافتند. در زمان هیردوس کبیر (۳۷ ق.م) اسنیان از آزادی بیشتری برخوردار شدند و به اورشلیم بازگشتند.

یوسفوس معتقد است علت توجه و لطف خاص هیردوس به یهودیان، پیشگویی یکی از اسنیان در مورد پادشاهی او در آینده بوده است. دروازه اسنیان که یکی از دروازه‌های جنوب اورشلیم است گواهی بر حضور اسنیان در شهر اورشلیم است. هر چند که اسنیان از جنگ و خونریزی روی گردان بودند، اما در قیام سال ۶۶ م. در قیام «برکوخیا» با دادن کشته‌های زیادی بر ضد رومیان شرکت کردند.

۳- آداب و آیین‌های اجتماعی اسنیان:

به شهادت یوسفوس و فیلون، جمعیت این قوم که به چهار هزار نفر می‌رسید، در منطقه‌ای میان «اریحا» و «عین جدی» در ساحل غربی دریای سیاه سکونت داشتند و

Hashaim به معنی افراد خاموش و ساکت به عنوان ریشه واژه اسنیان لحاظ گردید که آن هم پس از مدتی رد شد. شاید مقبول‌ترین و درست‌ترین قول درباره ریشه واژه اسنیان نظریه گریتز (Greats) باشد که آن را مقتبس از لغت آرامی Sayya به معنای شفا دهندگان دانسته است. در تومارهای بحر میت نیز بر مساله شفا دادن تاکید خاصی شده و افزون بر آن ظاهرا اسنیان در طبابت دست داشته‌اند. گیزا ورمس (Geza Vermes) بعدها از این نظریه حمایت کرد و آن را بسط بیشتری داد و اسنیان را با فرقه کومران یا قمران (Qumran) یکی دانست و عنوان اسنیان را برای این گروه در نظر گرفت.

۲- پیشینه تاریخی اسنیان:

تصویر دقیق و روشنی از تاریخ این قوم در دست نیست. نخستین بار «یوسفوس» [مورخ یهودی معاصر ویرانی معبد بیت المقدس] در گزارشی از این فرقه یاد کرده است. ظاهرا اسنیان در میان فرقه حسیدیم که از متعصب‌ترین یهودیان سده دوم شمرده می‌شدند و در برابر هجوم یونانیان و نفوذ فرهنگ هلنیستی از شریعت موسوی حمایت می‌کردند، نشو و نما یافته‌اند. از این رو آنها تنها راه نجات از درگیری‌ها، جنگ و فساد جامعه را پرداختن به مسائل معنوی، اخلاقی و زهد می‌دانستند. در دوران حکومت سلوکوس چهارم معروف به فیلوپاتر (۱۷۵-۱۸۷ ق. م)، یهودیان به دو گروه ارتدوکس به رهبری کاهن اعظم به نام اونیاس سوم، و یهودیان اهل تساهل به رهبری سمعان یا شمعون تقسیم شدند. در پی اختلاف نظر و درگیری میان ارتدوکس‌ها و

اسنیان (Essenes) یکی از مهمترین فرقه‌های نخستین یهود و گروهی از زهاد یهودی‌اند که در دوره معبد (هیکل) دوم (۱۵ ق. م. - ۷۳ م.) [به نظر می‌رسد که تاریخ صحیح ۳۵۲ ق.م. تا ۶۸ م. باشد - سردبیر] و تقریباً در دوره ظهور مکابیان یا حشمونائیان به همراه دو فرقه دیگر یهود پدیدار شدند و تا ۷۳ م. زمان شکست یهودیان و ویرانی معبد اورشلیم به دست رومیان باقی بودند. منابع موجود درباره این فرقه علاوه بر مکتوبات نویسندگان یهودی و مسیحی به دو گروه عمده زیر تقسیم می‌شود:

۱- آگاهی‌های فراهم آمده توسط نویسندگان هم‌عصر یا نزدیک به عصر و ۲- تحقیقات و مطالعات چند دهه اخیر.

۱- ریشه و معنی اسن (Essene):

ظاهرا اسنیان خود این عنوان را بر خویش اطلاق نمی‌کردند و در تومارهای بحر میت نیز این نام نیامده است بلکه نخستین بار نویسندگان یونانی آن را به کار برده‌اند. درباره ریشه و معنای این واژه نظرات بسیاری مطرح شده است. گینسبرگ (Ginsberg) در حدود ۲۰ نظریه مطرح نموده و خود شخصا معتقد است این واژه از «حسیدیم» به معنای افراد پرهیزکار مشتق شده است. بسیاری از پژوهشگران سده نوزدهم و اوایل سده بیستم معتقدند اسنیان از واژه سریانی Hase و لهجه آرامی شرقی آن به معنی زاهد و پرهیزکار اشتقاق یافته است. [«حاسین» חסין در زبان عبری، جمع کلمه «حسا» חסא به معنای دین‌دار و پرهیزکار است].

از اواخر سده نوزدهم میلادی به بعد کلمه عبری «حسانیم» یا «حشاییم» חסאנים

۵- اسنیاں و تومارهای بحریمیت:

در فاصله سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۶ میلادی در غارهای کومران در شمال غربی بحر میت، واقع در صحرای اردن تومارهایی کشف شد که تاریخ تحریر آنها را در فاصله ۱۳۵ ق.م. تا ۶۵ م. حدس زده‌اند، در میان این آثار، قدیمی‌ترین نسخه کتاب اشعیا (یشعیا) نبی، تفسیرهایی بر برخی کتب تورات، عهد قدیم و نیز آداب و آیین‌های ساکنان این ناحیه موجود است. شباهت‌های میان ساکنان این ناحیه با اسنیاں باعث شده محققان، این دو فرقه را در اصل یکی بخوانند. علاوه بر آن حفاری‌های ۱۸۹۶ م در قاهره حاکی از گروه دیگری نام «هم پیمانان دمشق» می‌دهد که در عصر اسنیاں می‌زیسته و شباهت بسیار زیادی با این فرقه داشته‌اند. برخی از نسخ خطی که در این حفاری بدست آمد تحت عنوان «گزیده‌هایی از تألیفات صدوقیان» انتشار یافت. این نوشته‌ها وجود گروهی دیگر از یهودیان را آشکار می‌سازد که خود را فرزندان «صادوق» می‌نامیدند و به رهبری شخصی بنام «کوکب» به دمشق کوچ کردند و در آنجا گروه جماعت «پیمان جدید» را تشکیل داده و راهبانه زندگی می‌کردند. آنان به اورشلیم، شهر مقدس، وفادار ماندند و به اسنیاں شباهت زیاد داشته‌اند. ۵۰ سال بعد از کشف تومارهای غار کومران، شباهت‌های بسیاری تومارهای تعدادی از با «گزیده‌هایی از تألیفات صدوقیان» پیدا شد. این شباهت‌ها شاید به این معنا باشد که در میان گروه‌های مختلف دینی، ارتباط نزدیکی وجود داشته است. یکی از تومارهای بحریمیت که در غار اول کومران کشف شد به نام «قانون جماعت» یا «کتاب نظام»، اطلاعات مفیدی از جماعت کومران بدست داد و به همین سبب، برخی، آنان را همان فرقه حسیدیم پنداشته‌اند. بین اسنیاں و کومران تفاوت‌هایی نیز وجود دارد. از جمله این که کومران در انزوای مطلق زندگی می‌کردند و مالکیت شخصی نیز در میان آنها وجود داشت اما در بین اسنیاں ثروت و دارایی شخصی وجود نداشت و در شهرهای کوچک و روستاها زندگی می‌کردند. اسنیاں، به جز یک فرقه از آنها، بقیه از ازدواج متنفر بودند که همین، وجه تمایز کومران و آنهاست. ■

منبع: معارف، نشریه مرکز نشر دانشگاهی، دوره هجدهم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۸۰.

می‌کردند. با غریبه‌ها و زیردستان مانند دوستان صمیمی خود رفتار می‌کردند. از دیگر آداب آنان، پرهیز از تدهین بود و به طهارت اهمیت زیاد می‌دادند و همواره لباس سفید را به جهت پاکی آن می‌پوشیدند به همین علت آنان را «مغتسلون» (غسل کنندگان) מְטַהְרִים می‌خواندند.

در میان این فرقه هرگونه فعالیتی با اجازه رهبر گروه صورت می‌گرفت، مگر یاری رساندن و محبت کردن به دیگران. در بین آنان افراد بیمار و مست از احترام و توجه بیشتری برخوردار بودند. یکی از مهم‌ترین آیین‌های آنان، امتحان خویش‌داری و بردباری شخص داوطلب تازه وارد بود. رهبران اسنیاں مجاز نبودند از قدرت خود برای اهداف شخصی استفاده کنند و باید سوگند یاد می‌کردند که مقررات و تعلیم گروه را بدون هیچ کم و کاست نشر دهند و از کتب مقدس و نام فرشتگان با دقت حفاظت نمایند. اگر کسی از این مقررات سرپیچی می‌کرد از اجتماع طرد می‌شد. آنان در محاکمه نیز دقت زیادی داشتند و هرگز در دادگاهی که اعضای آن کمتر از ۱۰۰ نفر بودند، حکم نمی‌کردند.

۴- اعتقادات اسنیاں:

اسنیاں خود را فرزندان نور می‌خواندند به این تعبیر که چشم به راه پادشاه نور هستند و در مقابل، دیگران را اولاد ظلمت می‌شمردند که «فرشته تاریکی» و اهریمن بر آنان حکومت می‌کند. آنها معتقد بودند که همه چیز تحت امر خداوند است و آنان باید برای دستیابی به صداقت بکوشند. در بین آنها اعتقاد جبری مذهبانه رواج داشت ولی مجازات ابدی را قبول نداشتند و به جاودانگی روح معتقد بودند. اسنیاں بر این باور بودند که روح از زیباترین ماده اثیری نشأت گرفته است و پس از مرگ هنگامی که روح از قید و بندهای جسم آزاد می‌شود، شاد و مسرور به سوی بالا صعود می‌کند. این اندیشه اسنیاں شباهت بسیاری به اندیشه ایرانیان و یونانیان داشت. این قوم به پیش‌گویی نیز اعتقاد داشتند و پیشگویان ماهری هم از بین آنان برخاست. اسنیاں در حفظ قوانین روز سبت (شنبه یا شبات) از همه یهودیان سخت‌گیرتر بودند.

بیشتر در اجتماعات کوچک زندگی می‌کردند. آنان با این که قربانی‌های خود را به معبد اورشلیم تقدیم می‌داشتند ولی در اجرای مراسم معبد شرکت نمی‌جستند، از لذت‌های دنیوی اجتناب می‌کردند و حبس نفس و امتناع از شهوات را از بزرگترین ویژگی‌های اخلاقی به شمار می‌آوردند.

ظاهرا اسنیاں در میان فرقه حسیدیم که از متعصب‌ترین یهودیان سده دوم شمرده می‌شدند و در برابر هجوم یونانیان و نفوذ فرهنگ هلنیستی از شریعت موسوی حمایت می‌کردند، نشو و نما یافته‌اند. از این رو آنها تنها راه نجات از درگیری‌ها، جنگ و فساد جامعه را پرداختن به مسائل معنوی، اخلاقی و زهد می‌دانستند

از آنجایی که اسنیاں از ازدواج دوری می‌گزیدند، برای ادامه حیات اجتماع خود، فرزندان دیگران را که داوطلب گرویدن به آنان بودند پذیرفته و آنها را مطابق با اصول تعلیم خود آموزش می‌دادند. آنها از ثروت و برده‌داری هم به دلیل این که همگی باید در یک سطح و به طور مشترک از امکانات احوال بهره ببرند، متنفر بودند.

از مهم‌ترین آیین‌های آنان، نیایش صبحگاهی، پیش از طلوع خورشید بود. در این زمان از مسائل دنیوی سخن نگفته و فقط دعا می‌خواندند و طلوع خورشید را تقاضا می‌کردند. کار و فعالیت آنان که کشاورزی و کاردستی بود بعد از طلوع خورشید آغاز می‌شد و بعد از ۵ ساعت کار مداوم، همگی در یک مکان جمع شده و کتانی به کمر می‌بستند و با آب سرد استحمام می‌کردند. سپس لباس مقدس پوشیده و در مکانی خصوصی که افراد تازه وارد اجازه ورود به آن را نداشتند جمع می‌شدند و با خواندن دعای شکرانه توسط یکی از روحانیون، غذا صرف می‌نمودند. بعد از غذا نیز با خواندن دعای پایانی، خداوند حیات بخش را تعظیم و ستایش می‌کردند. سپس جامه مقدس را کنار گذاشته و تا شب و هنگام شام و اجرای همین مراسم، به کار می‌پرداختند.

هنگامی که میهمان یا نازه واردی بر آنان وارد می‌شد، وسایل راحتی او را فراهم



رهبران مذهبی و جامعه امروز

سیمما مقتدر

تجربه نشان داده ادامه بقا جوامع بشری منوط به اتحاد کلام میان اکثر اعضاء آن جامعه می باشد. هر جامعه با توجه به اعتقادات نهادین و دیرینه خود فقط زمانی به اهدافش دست می یابد که در این راه از هرگونه جهت گیری شخصی اجتناب نماید. رعایت این اصل به ویژه برای گروه های اقلیت برای ادامه حیات در میان جوامع اکثریت ضروری به نظر می رسد. چراکه در غیراینصورت آنها همزمان حداقل با دو مشکل عمده روبرو خواهند شد، ابتدا اقلیت بودن آنها و دوم عدم هماهنگی در همان جامعه کوچک، و این همان معضلی است که در صورت عدم رفع آن، زوال جامعه اقلیت را به دنبال خواهد داشت.

از جمله مواردی که اکثر جوامع به ویژه اقلیت های مذهبی در حال حاضر با آن روبرو هستند چگونگی پیروی از قوانین و دستورات دینی با توجه به پیشرفت های بشری در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و غیره می باشد. اکثر جوامع اقلیت مذهبی به علت عدم حضور در کنار یکدیگر و به عبارتی عدم تبدیل به جمعی بزرگ تر، بسیار سریع تحت تاثیر جامعه اکثریت قرار می گیرند و چه بسا در این راستا، ناخواسته اعتقادات و رسوم مذهبی خود را به فراموشی می سپارند.

البته این تضاد در کشورهای شرقی بسیار کمتر است. زیرا اعتقادات اقوام مشرق زمین به یکدیگر نزدیک تر است و به همین جهت اقوام شرقی از دیرباز اصیل تر و مذهبی تر به شمار می آمدند. اما

مشکلات اساسی در کشورهای غربی و پیشرفته به وضوح خود را نمایان می سازد. وسعت زیاد این کشورها، گوناگونی نژادها و اقوام ضمن پیشرفت های سریع در علوم مختلف همه عواملی هستند که باعث بوجود آمدن اجتماعی نه چندان مذهبی و حتی در مواردی بسیار بی قید و بند می شود. در اینجا است که حضور رهبران مذهبی بسیار لازم و ضروری است. این افراد با توجه به اصول و قوانین مشخص شده در کتاب دینی خود موظف به هدایت جامعه به مسیری می باشند که از نظر الهی و اجتماعی پذیرفته باشد.

دین یهود نیز از این امر مستثنی نبوده است و همواره به عنوان یک اقلیت مذهبی در پرتو رهنمودهای رهبران مذهبی (حاخام ها) به حیات خود ادامه داده است.

سؤال اصلی این است : آیا حاخامی که به انتخاب جامعه خود مسئولیت ارشاد و اجرای امور مذهبی را عهده دار شده است، باید برای تداوم مقام خود تمامی خواسته های جامعه اش را اجرا نماید؟

اما رخدادهای قرن دوم قبل از میلاد مسیح در تغییر ساختار رهبران مذهبی یهود (حاخام ها) بسیار موثر بوده است. در آن هنگام کاهنان تنها قدرت اجرایی و مفسر کتاب مقدس شمرده می شدند. پس از آن فریسیان برای دستیابی به این مقام با زیر سؤال بردن توان علمی کاهنان قیام نمودند. بدین ترتیب مطالعه

و قرائت قوانین از شکل موروثی خارج شد و به عهده افرادی گذارده شد که از نظر فهم و درک مطالب در سطح بالایی قرار داشتند. اهمیت این موضوع بدان جهت بود که یک حاخام علاوه بر آموزش و شرح کتاب مقدس می بایست صادر کننده احکام قضایی بر اساس موازین شرعی هم باشد. وی در کنار وظیفه شرعی و مذهبی خود، مسئولیت بزرگ اخلاقی هم داشت. بدین جهت فعالیت در این مقام می بایست از هر جهت مورد تایید باشد.

رهبران مذهبی (یهود) حتی پس از خرابی بت همیقداش دوم (معبد دوم بیت المقدس) نیز دارای قدرت قضایی بودند. زیرا یهودیان چه در زمان حکومت رومی ها و چه بعدها در دیگر کشورهای مسیحی و مسلمان در اجرای امور شرعی و حقوقی خود معمولاً از اختیارات مناسب برخوردار بودند. در آن زمان رهبران مذهبی به عنوان قاضی قادر و مجاز بودند در امور شرعی، خانوادگی و حقوق مدنی براساس قوانین کتاب مقدس حکم صادر نمایند.

به مرور زمان دو پیش شرط متفاوت برای احراز مقام حاخامی بوجود آمد. شرط اول، اکساب درجه رهبر مذهبی بود که آن را در زبان عبری "سمیخا" یا "هتارت هورا" می نامند.

کسب این درجه نشان دهنده تکمیل تحصیلات عالی حاخام بود. سپس او می توانست به سئوالات حقوقی و قانونی پاسخ دهد. اما یک حاخام علاوه بر

مذهبی در گذشته با عصر حاضر به ویژه در جمهوری فدرال آلمان مشخص می‌نماید که همه چیز در قالب کلی مثل گذشته مانده است. امروزه در اکثر کشورهای غربی چون آلمان، برای احراز مقام حاخامی باید آموزش دید و مدرک خاص این مقام را دریافت نمود. علاوه بر آن باید حاخام توسط چند انجمن به رسمیت شناخته شود تا بتواند در این سمت فعالیت نماید. هنوز مانند گذشته نوعی خود مختاری و استقلال در اداره انجمن‌ها برای یهودیان وجود دارد. این حق براساس قانون اساسی در کنار حقوق کلیساها برای یهودیان تضمین شده است. بر اساس مندرجات قانون اساسی، انجمن‌هایی مثل انجمن کلیمیان در آلمان در انتخاب پرسنل خود اختیار کامل دارند. قانون کار در آلمان با رهبران مذهبی مانند دیگر افراد شاغل در انجمن‌ها برخورد می‌نماید. موضوع قوانین شرعی و امور انجمن‌ها در قانون کار دخیل نیستند. بدین جهت حقوق شغلی رهبر مذهبی تحت حمایت این قانون قرار نمی‌گیرد. ادامه فعالیت کاری وی بستگی به اعتماد اعضای جامعه به او دارد. بدین جهت حفظ آزادی که قانون برای اینگونه مشاغل پیش بینی نموده فقط منوط به عدم جهت‌گیری‌های شخصی رهبران مذهبی می‌باشد. لذا ادامه فعالیت و مشروعیت یک حاخام نیز مانند سایر مشاغل آزاد بستگی به شایستگی و لیاقت خود وی دارد. علاوه بر آن ادامه فعالیت یک رهبر مذهبی منوط به دانش مذهبی، علمی و فلسفی و نوشتاری وی دارد. بدین طریق است که یک حاخام می‌تواند مانند دوره هارامیام نظر افرادی را که برای او به عنوان عالم مذهبی ارزش قائل هستند به خود معطوف نماید. ■

۱- شب دهم نوامبر ۱۹۳۸ بنام شب کریستال معروف است. در این شب اکثر کلیساها، منازل و مغازه‌های یهودیان در آلمان توسط نازی‌ها به آتش کشیده شد.

کریستال^۱ برپا شد و به دستور حاخام این کنیسا، خانم‌ها و آقایان در دو قسمت مجزا از یکدیگر نشسته بودند. به نظر می‌رسد این دستور حاخام و به اصطلاح سختگیری وی باعث عدم موافقت اعضاء و رئیس انجمن کلیمیان این شهر با ادامه فعالیت وی شده است. شهردار این شهر نیز معتقد است. خواسته حاخام غیر قابل پذیرش است. اما دادگاه ویژه رهبران مذهبی یهود در آلمان ضمن حمایت از حاخام و اظهار نارضایتی از رئیس انجمن کلیمیان آن شهر اعلام نمود این برخورد نوعی عدم انعطاف و بی احترامی نسبت به یهودیان و اعتقادات آنها می‌باشد. اما ماجرا به همین جا خاتمه نیافت. مراسم دیگری که اخیرا به مناسبت جشن پوریم در همین کنیسا برگزار شد مجددا باعث ایجاد ناآرامی و دوگانگی میان اعضاء جمع اقلیت شد. گویا در این مراسم رئیس انجمن کلیمیان علی‌رغم منع حاخام، تومارهای تورات را از جایگاه اصلی خود خارج نموده و به محل دیگری انتقال داده است. ریاست دادگاه ویژه رهبران مذهبی یهود در آلمان ضمن ابراز ناراحتی شدید از این واقعه اعلام نموده که مشابه این حادثه فقط در ۶۰ سال پیش آنهم در فاجعه شب کریستال به وقوع پیوسته است.

رئیس انجمن کلیمیان در پاسخ به این مقایسه اظهار داشته است که تومارهای تورات فقط پوشیده شده‌اند و به خارج از صحن کنیسا انتقال نیافته‌اند. متأسفانه نگرش‌های مختلف و عدم تمایل به ایجاد هماهنگی میان اعضاء و یا حداقل احترام قائل شدن به عقاید یکدیگر باعث بروز چنین مشکلاتی در این جمع اقلیت شده است. در شماره دیگری از همین روزنامه به شکایت حاخام اخراجی از انجمن کلیمیان باواریا اشاره شده است. مقایسه وضعیت کاری رهبران

طی مدارج تحصیلی نیاز به تأییدیه‌ای راجع به رسمیت شناختن او به عنوان رهبر مذهبی از یک یا چند انجمن داشت. از همان آغاز، به رسمیت شناختن رهبر مذهبی توسط انجمن‌ها مهم‌ترین پیش شرط برای فعالیت وی در این مقام محسوب می‌شد. پذیرش یک حاخام برای یک انجمن به اجبار ممکن نبود بلکه می‌بایست آنها خود رهبران مذهبی را انتخاب می‌نمودند. در صورتی که حاخام به موضوع احاطه کامل داشت و اعضای جامعه نیز خواستار فعالیت او به عنوان فردی عالم و آگاه بودند، حتی انجمن‌های دیگر برای استخدام وی با یکدیگر رقابت می‌نمودند. به طور مثال هارامیام (موسی ابن میمون)، از برجستگان علوم دینی یهود، در مصر سکونت داشت. اما وی به حدی مورد احترام جامعه بود که یهودیان فرانسه و یمن نیز برای تشخیص احکام قضایی از او دعوت به عمل می‌آوردند. اما متأسفانه اخبار گوناگون از گوشه و کنار جهان حاکی از آن است که در حال حاضر رهبران مذهبی اکثرا برای اجرای اصول مذهبی با مشکلاتی روبرو هستند. سؤال اصلی این است: آیا حاخامی که به انتخاب جامعه خود مسئولیت ارشاد و اجرای امور مذهبی را عهده دار شده است، باید برای تداوم مقام خود تمامی خواسته‌های جامعه‌اش را اجرا نماید؟ مسلما پاسخ تا زمانی مثبت خواهد بود که رعایت اصول شرعی در صدر امور قرار گیرد.

اخیرا در یکی از شماره‌های جراید کنترالانتشار آلمان به نام «زودویچه زایتونگ» خبری تحت عنوان «اخراج حاخام» منتشر شده است. در این خبر صحبت از مراسمی شده که سال گذشته با همکاری انجمن کلیمیان یکی از شهرهای ایالت «باواریا» و شهرداری این شهر در کنیسا برگزار گردید. این مراسم به یاد حوادث و قربانیان شب

گاهشمار شخصیت‌ها و وقایع تاریخ یهود طبق کتاب مقدس

بخش سوم: دوران پادشاهان

دکتر یونس حمامی لاله‌زار

در شماره‌های گذشته، تاریخ یهود تا سلطنت حضرت سلیمان و افتتاح معبد اول بیت‌المقدس ذکر شد. پس از فوت حضرت سلیمان، حکومت بنی‌اسرائیل در سرزمین مقدس به دو پارچه تقسیم گردید. اول سرزمین اسرائیل در شمال کشور، با مرکزیت شومرون (سامره) متشکل از ده سبط (طایفه) از بنی‌اسرائیل بود و اداره آن به عهده حاکمانی از سبط‌های مختلف بود. دوم سرزمین یهودا در جنوب کشور با مرکزیت اورشلیم (بیت‌المقدس) بود که از دو سبط یهودا و بینامین و قسمتی از سبط شیمعون، تشکیل شده بود و توسط نسل حضرت داوود اداره می‌شد. حکومت سرزمین اسرائیل سال‌ها پیش از حکومت یهودا توسط «شَلْمَن اِسِر» پادشاه آشور منقرض گردید. در این شماره پادشاهان سرزمین اسرائیل با حدود ۲۵۰ سال حکومت معرفی می‌گردند:

پادشاهان سرزمین اسرائیل

نام عبری	نام فارسی	مدت سلطنت (از سال تا سال - تاریخ عبری)	تاریخ معادل میلادی	توضیحات	نبی معاصر
۱. יְרֵבְעָם בֶּן נִבְט	یاروعام بن نوطا	۲۲ سال ۲۹۸۵-۲۹۶۴	۷۷۵-۷۹۶ ق.م.	همزمان با شروع سلطنت رحبعام تا دومین سال سلطنت آسا در سرزمین یهودا از سبط افراییم	آحیا یا هشیلونی عَدُو هِناوی
۲. נָדָב בֶּן יְרֵבְעָם	ناداو بن یاروعام	۲ سال ۲۹۸۶-۲۹۸۵	۷۷۴-۷۷۵ ق.م.	همزمان با حکومت آسا	یهو بن حانانی
۳. בַּעֲשָׁא בֶּן אֶחֱזָה	بعشا بن آحیا	۲۴ سال ۳۰۰۹-۲۹۸۶	۷۵۱-۷۷۴ ق.م.	همزمان با حکومت آسا از سبط ییساخار	یهو بن حانانی
۴. אֵילָה בֶּן בַּעֲשָׁא	الا بن بعشا	۲ سال ۳۰۱۰-۳۰۰۹	۷۵۰-۷۵۱ ق.م.	همزمان با حکومت آسا	یهو بن حانانی
۵. זִמְרִי	زیمری	۷ روز ۳۰۱۰	۷۵۰ ق.م.		
۶. עֲמֶרִי	عمری	۱۲ سال ۳۰۲۱-۳۰۱۰	۷۳۹-۷۵۰ ق.م.	در ۵ سال اول حکومت دوبارچه بود و در ۷ سال بعدی «عمری» به تنهایی پادشاهی نمود.	
۷. תִּבְנִי בֶּן גִּינֹת	تیونی بن گینت	۵ سال ۳۰۱۴-۳۰۱۰	۷۴۶-۷۵۰ ق.م.	سال ۳۰۲۰: آبادی شومرون	
۸. אֶחָאָב בֶּן עֲמֶרִי	آحاو بن عمری	۲۲ سال ۳۰۴۱-۳۰۲۱	۷۱۹-۷۳۹ ق.م.	همزمان با سلطنت آسا و یهوشافاط	الياهو هِناوی (حضرت الیاس نبی) عُودِیا
۹. אֶחָזִיָּהּ בֶּן אֶחָאָב	آخزياهو بن آحاو	۲ سال ۳۰۴۲-۳۰۴۱	۷۱۸-۷۱۹ ق.م.	همزمان با سلطنت یهوشافاط	الياهو هِناوی الیشاع هِناوی
۱۰. יְהוֹרָם (יֹרָם) בֶּן אֶחָאָב	یهورام (یورام) بن آحاو	۱۲ سال ۳۰۵۵-۳۰۴۳	۷۰۵-۷۱۷ ق.م.	همزمان با سلطنت یهوشافاط، یهورام و آخزياهو	الیشاع هِناوی یونا (یونس نبی)
۱۱. יְהוֹאָשָׁף בֶּן יְהוֹאָשׁ	یهو بن یهوشافاط بن نیمشی	۲۸ سال ۳۰۸۳-۳۰۵۵	۶۷۷-۷۰۵ ق.م.	همزمان با سلطنت عتلیا و یهواش (یوآش)	الیشاع هِناوی یونا
۱۲. יְהוֹאָחָז בֶּן יְהוֹאָ	یهواآحاز بن یهو	۱۷ سال ۳۰۹۸-۳۰۸۳	۶۶۲-۶۷۷ ق.م.	همزمان با سلطنت یهواش	الیشاع هِناوی
۱۳. יוֹאָשׁ בֶּן יְהוֹאָחָז	یوآش بن یهواآحاز	۱۶ سال ۳۱۱۴-۳۰۹۸	۶۴۶-۶۶۲ ق.م.	همزمان با سلطنت یهواش و امصیاه، در ۳ سال آخر پسرش به عنوان نایب‌السلطنه حکومت می‌کند	الیشاع هِناوی

نام عبری	نام فارسی	مدت سلطنت (از سال تا سال - تاریخ عبری)	تاریخ معادل میلادی	توضیحات	نبی معاصر
۱۴. יְרֵבְעָם בֶּן יוָאָשׁ	یاروعام بن یوآش	(۳ سال حکومت در زمان پدرش + ۳۸) ۴۱ سال ۳۱۵۳-۳۱۱۵	۶۰۷-۶۴۵ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا (عوزیا)	هوشع هناوی عاموس
۱۵. זְכַרְיָהוּ בֶן יְרֵבְעָם	زخریاهو بن یاروعام	۶ ماه ۳۱۵۳	۶۰۷ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا	
۱۶. שְׁלֹמֹה בֶּן יְדָב	شلمون بن یادوش	یک ماه ۳۱۵۴	۶۰۶ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا	
۱۷. מְנַחֵם בֶּן גְּדִי	منجم بن گادی	۱۰ سال ۳۱۶۴-۳۱۵۴	۵۹۶-۶۰۶ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا	
۱۸. פְּקַחְיָה בֶּן מְנַחֵם	پقحیا بن منجم	۳ سال ۳۱۶۶-۳۱۶۴	۵۹۴-۵۹۶ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا	
۱۹. פִּקְחַן בֶּן רִמְלִיָּהוּ	پقح بن رملیاهو	۲۰ سال ۳۱۸۷-۳۱۶۷	۵۷۳-۵۹۳ ق.م.	همزمان با سلطنت عزریا و یوتام و آحاز. سال ۳۱۸۷ جلای وطن اسباط دان و نفتالی	میخا هناوی
۲۰. הוֹשֵׁעַ בֶּן אֵלָה	هوشع بن آلا	۱۷ سال ۳۲۰۵-۳۱۸۷ (۸ سال) تحت انقیاد پادشاه آشور تا سال ۳۱۹۵ و ۹ سال حکومت (مستقل)	۵۵۵-۵۷۳ ق.م.	همزمان با سلطنت آحاز و حزقیا. سال ۳۱۹۵ جلای وطن اسباط گاد- رتوبین و نیمی از سبط منشیه	میخا هناوی
انقراض سلطنت سرزمین اسرائیل و اسارت باقیمانده آن توسط پادشاه آشور (شَلْمَنَ اسِر)		۳۲۰۵	۵۵۵ ق.م.		

نکته‌ها:

- * بهترین سیاست، صداقت است .
- (سروانقص)
- * دیوانه خودش را عاقل می‌پندارد . عاقل هم می‌داند
که دیوانه‌ای بیش نیست.
- (شکسپیر)
- * معلم نفس خود و شاگرد وجدان خویش باش .
- (ارسطو)
- * با هم برادر باشید ولی حسابهایتان را نگاه دارید .
- (سقراط)
- * هر که به زیردستان نبخشاید
به جور زیردستان گرفتار آید.
- (سعدی)

گردآوری: آلبرت شادپور

- * اگر مردم مرا نشناسند، غصه نخواهم خورد، ولی
اگر مردم را شناسم افسرده خواهم شد . (کُنفوسیوس)
- * آدمی ساخته افکار خویش است، فردا همان خواهد
شد که امروز اندیشیده است.
- (هورس متزلینگم)
- * شاخ پربار سر بر زمین می‌نهد و
عظمت آن همچنان در فروتنی او جلوه‌گر است .
- (کُاندی)
- * بزرگی هر مرد را می‌توان از سایه‌ای که در طول
زندگی در برابر خود می‌افکند اندازه گرفت.
- (جورج ساوتن)
- * محال از طرز فکر کردن ما به وجود می‌آید .
- (نیما یوشیج)
- گردآوری: فرهاد روحانی

ما دنیا را مثل یک گاو نه من شیر می‌دوشیم و در حین این
کار مرتب درگوشش زمزمه می‌کنیم:
«اوه دنیا، تو چقدر بدی» . (ریچارد دویلر)

* بله ما زندگی می‌کنیم و می‌آموزیم، اما افسوس، زمانی
آموخته می‌شویم که برای زندگی وقتی نداریم. (اچ جودلا)

(از: کتاب نشان پنجم حماقت - کانی رابرتسون - حسین یعقوب)

- * گذشته هر کس، شخصیت اوست .
- * موفقیت یک علم است، اگر مقدماتش را بدانی،
نتیجه‌اش را بدست می‌آوری .
- * جانی که وسوسه وجود ندارد، عفت و پرهیزکاری
بی‌معنی است .
- (اسکار وایلد)



یهودیان مغرب (مراکش)، تونس و الجزایر

سیما مقتدر

اشاره:

سیر زندگی جامعه یهودیان در مراکش با زندگی یهودیان ایران مشابهت و نزدیکی بسیار دارد. جامعه چند صد هزار نفری یهودیان مراکش در سال ۱۹۴۸ اینک به جمعیتی چند ده نفری تبدیل شده است. یهودیان مراکشی ضمن حفظ اعتقادات و سنت های یهودی خود دارای یک فرهنگ قدیمی و دیرپای مراکشی بوده‌اند که نه تنها متاثر از اعتقادات دینی یهود بوده بلکه بخشی از فرهنگ و تمدن مراکش را تشکیل داده است که اینک می‌رود تا هم از فرهنگ یهود و هم از بافت فرهنگی و تمدن مراکش محو شود. در این مقاله رئیس جامعه یهودیان مراکش با اندوه می‌گوید که شمع یهودیت در مراکش رو به خاموشی است و شهری که نهصد سال پیش خانه یهودی بزرگ و فیلسوف و مفسر تورات «موسی ابن میمون» (هارامبام) بوده است از آخرین نفرات یهودی خداحافظی می‌کند. آیا تمدن‌ها و سنت‌های زیبای یهودیان در نقاط مختلف جهان در فرهنگ آمریکایی، شکل مورد پسند زورمداران عالم را خواهد گرفت...؟ آیا یهودیت می‌تواند از میراث بزرگ دینی- فرهنگی و تاریخی خود حفاظت نماید و آنها را به نسل‌های بعد بپسارد...؟ گذشته نشان داده است که یهودیان توان مقابله با بحران‌های گوناگون را داشته‌اند. و به نظر می‌رسد با همه مشکلات بر این بحران نیز غلبه خواهند کرد. حضور یهودیان ایران می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد...!!

در حال حاضر از جمعیت ۵۰ هزار نفری یهودیان مراکش فقط ۲۴۰ نفر باقی مانده‌اند

میلادی برمی‌گردد. حتی در سال ۲۰۰ میلادی افرادی از طوائف محلی «بربر» به یهودیت گرویدند. منطقه غربی افریقای شمالی با به قدرت رسیدن بنی‌امیه در قرون ۷-۸ میلادی تحت تأثیر حکومت اسلامی میانه رو واقع شد که این امر در قرون ۹ تا ۱۱ میلادی در شکوفایی یهودیت در تونس بسیار موثر بوده است. در سال ۶۸۳ میلادی با فتح مغرب کنونی توسط لشکر اسلام، دیگر قبایل ساکن در این منطقه تحت قانون اسلام و رهبری واحدی در آمدند. پیروان ادیان توحیدی دیگر یعنی یهودیان و مسیحیان تحت قانون «اهل ذمه» در آزادی تقریبی به حیات خود ادامه دادند و این قانون صدها سال در مغرب تعیین کننده وضع آنها بود. اما با آغاز حکومت «آل مهاده» در سال ۱۱۴۷ میلادی فشار و سختگیری بر یهودیان آغاز و هر روزه نیز بر آن افزوده شد. در همان سال‌ها بود (۱۱۶۰ میلادی) که «موسی ابن میمون» (هارامبام) و

«مغرب» (یا مراکش) در شمال غربی افریقا با حدود ۲۸ میلیون نفر جمعیت واقع شده است. پایتخت آن «رباط»، زبان‌های رسمی آن عربی، فرانسه و اسپانیایی، و مذهب رسمی آن اسلام می‌باشد. امور حقوقی و قضایی در این کشور بر اساس قوانین کشور فرانسه و مذهب اسلام حل و فصل می‌شود. ۳۰ درصد جمعیت این کشور «بربر» و ۷۰ درصد آن مسلمان عرب می‌باشند. هنوز اکثر مردمان «بربر» به زبان «بربری» تکلم می‌نمایند. بیش از ۳۵ درصد از سکنه این کشور شهرنشین هستند. مغرب دارای دو دانشگاه دولتی در شهرهای رباط و کازابلانکا و دو دانشگاه اسلامی در شهرهای مراکش و فاس می‌باشد (در قدیم و در اصطلاح سیاسی مغرب به کشورهای سلطنتی مراکش، جمهوری الجزایر و جمهوری تونس اطلاق می‌شده است).

تاریخ سکونت یهودیان در «مغرب» یا به عبارتی در محدوده کنونی کشورهای مراکش، الجزایر و تونس به سال ۵۰۰

خانواده‌اش از این منطقه به مراکش گریختند. به دنبال مهاجرت جمع کثیری از یهودیان اسپانیایی طی قرون ۱۴ و ۱۵ میلادی به مغرب، جامعه یهودی - سفارادی در الجزایر شکل گرفت. تا زمانی که مغرب مستعمره فرانسه بود، یهودیان فقط مجاز به سکونت در محله‌های خاص خود به نام «ملا» (Mellah) بودند. «ملا» علی‌رغم این که در نزدیکی قصر پادشاهی قرار داشت از حملات مخالفان در امان نبود. حتی پیوستن کشورهای الجزایر (۱۸۳۰ م)، تونس (۱۸۸۱ م) و مراکش (۱۹۱۲ م) به جمع مستعمرات فرانسه، هیچ کمکی به بهبود وضعیت زندگی یهودیان نکرد. تا این که در سال ۱۹۷۵ م و با آغاز پادشاهی محمد پنجم، یهودیان نیز مجاز به انتصاب در مقام‌های دولتی شدند و نسبت به هموطنان مسلمان خود از حقوق یکسانی برخوردار شدند.

اما پس از گذشت حدود نیم قرن هر یک از مناطق فوق مجدداً استقلال یافتند. وضعیت یهودیان در هر یک از کشورهای استقلال یافته به طور اجمالی از نظر می‌گذرد.

الف - یهودیان مراکش

شهر «مراکش» با جمعیت بیش از ۳۰۰ هزار نفر در جنوب «مغرب» واقع شده است. این شهر در منطقه‌ای کویری واقع شده، دارای نخلستان‌های فراوانی می‌باشد.

با آغاز جنگ جهانی دوم و مهاجرت روزافزون یهودیان اروپایی به «کازابلانکا»، جامعه کلیمیان افریقای شمالی از اهمیت خاصی برخوردار شد به طوری که تعداد یهودیان این ناحیه در سال ۱۹۶۷ بالغ بر ۸۰,۰۰۰ نفر بوده است. سلطان محمد پنجم حاکم وقت مراکش در زمان جنگ جهانی دوم، از انتقال یهودیان به جوخه‌های مرگ جلوگیری نمود. در سال ۱۹۴۸ بالغ بر ۲۷۰,۰۰۰ یهودی در مراکش سکونت داشتند که به دنبال استقلال این کشور در سال ۱۹۵۶ آنها نیز از حقوق یکسانی نسبت به دیگران برخوردار شدند. اما به دنبال وجود جوّ ضدیهودی در این کشور، تعداد زیادی از یهودیان، مراکش را ترک نمودند. در سال ۱۹۹۷ تعداد یهودیان فقط ۶۵۰۰ نفر بود که حدود ۵۰۰۰ نفر از این تعداد در «کازابلانکا» و بقیه در شهرهای دیگر چون «رباط»، «تانگر» و «فاس» سکونت داشتند. عامل دیگر در کاهش یهودیان مراکش، کنار کشیدن آنان از مسائل سیاسی روز همزمان با متهم شدن یهودیان به جانبداری از اسرائیل بود. اکنون کاهش افراد جامعه یهودی در تمام مناطق مراکش به وضوح مشاهده می‌شود. به طور مثال ساکنین خانه سالمندان یهودی «کازابلانکا» در ده سال گذشته از ۱۳۰ نفر به ۷۲ نفر تقلیل یافته‌اند، و یا تقریباً ۹۹ درصد از تعداد ۱۴۷ دانش‌آموز یک مدرسه یهودی تصمیم دارند پس از اتمام تحصیلاتشان به خارج از کشور مهاجرت کنند.

یهودیان مراکش دارای سنن فرهنگی-مذهبی خاص خود می‌باشند که کماکان

توسط آنها در خارج از مراکش نیز حفظ شده است. بدین ترتیب یهودیت در مراکش با قدمتی بیش از دو هزار سال از جمله قدیمی‌ترین یهودیان جهان عرب شمرده می‌شود. تا سال‌های دهه ۵۰ در قرن گذشته تعداد یهودیان در این نقطه از افریقای شمالی بیش از ۴۰۰,۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد، اما آمار فعلی حاکی از کاهش یهودیان این شهر می‌باشد. آیا این ارقام، نشان‌دهنده خاتمه حیات یهودیت با چنین قدمتی می‌باشد؟



کنیسی «ملا» در مراکش

شاید گفتگو با رئیس انجمن کلیمیان مراکش، «جک زعفرانی»، تاحدی از نگرانی‌ها بکاهد. وجود تابلوی عکسی در اتاق وی بسیاری از سئوالات را پاسخ می‌دهد: تصویر، رئیس انجمن کلیمیان مراکش را حین گفتگو و دست دادن به حسن دوم، پدر پادشاه فعلی مراکش یعنی محمد ششم، مدت کوتاهی قبل از فوتش نشان می‌دهد. نکته مهم در این عکس نحوه دست دادن پادشاه به رئیس انجمن می‌باشد: پادشاه با دست چپ خود، دست راست رئیس انجمن را می‌فشارد درحالی که او دست راست خود را طبق یک سنت قدیمی بر روی قلبش می‌گذارد و بدین ترتیب علاقمندی و تمایل خود را نسبت به کلیمیان مراکش ابراز می‌نماید.

«زعفرانی» می‌گوید: «در حال حاضر از جمعیت ۵۰ هزار نفری یهودیان مراکش فقط ۲۴۰ نفر باقی مانده‌اند که یکدیگر را به خوبی می‌شناسند». او می‌گوید حدود ۱۲۰ خانوار یهودی زمانی در این شهر سکونت داشته‌اند، هنوز سه کنیسا در این شهر فعالیت می‌کند و به جز موارد استثنایی هر هفته برای اجرای مراسم روز مقدس شنبه (شبات) یک جمع ده نفره از مردان (عسارا) در کنیسا حاضر می‌شوند. البته زحمات مسئولین کنیسا در جمع‌آوری این جمع ده نفره مقوله‌ای جداگانه است. اما اخبار و ارقام، زیاد امیدوارکننده به نظر نمی‌رسد، زیرا کاهش تعداد یهودیان تنها منحصر به مراکش نیست بلکه شهرهای دیگر مثل «تانگر»، «مکنس» و «فاس» که زمانی مراکز شکوفایی یهودیت بود، اکنون پذیرای عده معدودی از یهودیان است.

رئیس انجمن کلیمیان مراکش با اشاره به گذشته تاریخی یهودیان مراکش، زندگی فعلی آنها را نوعی همزیستی پیروان مذاهب مختلف می‌داند. او در معرفی خودش ابتدا ملیت، سپس مذهب خود را عنوان می‌کند

حدود یکصد سال پیش شهر «اساویرا» (Essaouira) در مراکش که اکثریت جمعیت آن یهودی بود دارای ۳۰ کنیسا بود. اما هم اکنون عده قلیلی یهودی در این شهر سکونت دارند و خبری هم از کنیسا نیست و تنها وجود اسامی درگذشتگان و قبور آنها و مقبره‌های (رهبران مذهبی) و علمای دینی که هنوز مورد احترام هستند یاد گذشته را زنده نگهداشته است. این تعداد قلیل نیز برای به جا آوردن مراسم مذهبی خود باید به کنیسی کازابلانکا یا مراکش بروند. رئیس انجمن کلیمیان مراکش با اشاره به گذشته تاریخی یهودیان مراکش، زندگی فعلی آنها را نوعی همزیستی پیروان مذاهب

مختلف می‌داند. او در معرفی خودش ابتدا ملیت، سپس مذهب خود را عنوان می‌کند. در اکثر هتل‌ها نیز هنگام پذیرش در مورد ملیت افراد سؤال می‌شود و نه مذهب آنها. به همین جهت او مانند دیگر همکیشان خود یک مراکشی یهودی با حقوق و وظایف متقابل نسبت به دیگر مراکشی‌ها است.

ب - یهودیان تونس

«تونس» در شمال افریقا واقع شده و دارای ۹/۵ میلیون نفر جمعیت می‌باشد. زبان رسمی در این کشور عربی و فرانسه است و مردمان آن پیرو دین اسلام می‌باشند.

سابقه سکونت یهودیان در تونس به حداقل ۲۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد. یهودیان بسیاری در سال ۱۴۹۲ از اسپانیا و جمع کثیری از آنها از ایتالیای جنوبی به تونس مهاجرت نمودند.

از قرن نوزدهم به بعد برخورد با یهودیت روندی منفی پیدا نمود به طوری که منازل و کنیسه‌های یهودیان نمی‌بایست مرتفع‌تر از اماکن همسایه عرب آنها ساخته شود. با مستعمره شدن تونس در سال ۱۸۸۱ توسط فرانسه به نظر می‌آمد وضعیت یهودیان بهتر شود، اما پاریس نیز از تفویض ملیت فرانسوی و صدور گذرنامه برای یهودیان تا آغاز جنگ جهانی اول امتناع ورزید. آمار، حاکی از جمعیت ۸۵ هزار نفری یهودیان در تونس قبل از آغاز جنگ جهانی دوم می‌باشد. این رقم عملاً سه درصد کل جمعیت آن زمان تونس را دربر می‌گرفت. در هفته‌های آغازین جنگ جهانی دوم حرکت‌های ضد یهودی در تونس نیز آغاز شد. با اشغال تونس توسط آلمان‌ها جمع کثیری از یهودیان به پرداخت جریمه و کارهای اجباری محکوم و عده‌ای دیگر نیز به بازداشتگاه‌های هیتلر در اروپا روانه شدند.

اما با استقلال «تونس» در سال ۱۹۵۶ وضع از این هم بدتر شد: کلیه انجمن‌های متعلق به یهودیان منحل و محله خاص یهودیان به دستور حکومت وقت ویران شد. به علت افزایش عقاید ضد یهودی در این کشور اکثر یهودیان تونس روی به مهاجرت از وطن آوردند به طوری که تنها در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۷ بالغ بر ۵۳ هزار یهودی از این کشور به اسرائیل مهاجرت کردند. در سال ۱۹۹۷ تنها ۱۹۰۰ یهودی در تونس و جزیره «جبرا» (Jebra) باقی ماندند. «جبرا» به علت داشتن امکانات تفریحی، و اماکن تاریخی بسیار مورد توجه گردشگران خارجی می‌باشد. از جمله نقاطی که همیشه مورد بازدید گردشگران و زوار یهودی قرار می‌گیرد، کنیسه‌ای به نام «لاگریبا» در این جزیره می‌باشد، که از قدمت خاصی برخوردار است.

گفته می‌شود اولین سنگ بنای این کنیسه به جای مانده از بقایای بت-همیقداش دوم (معبد دوم بیت المقدس) در سال ۷۰ میلادی می‌باشد. عده‌ای دیگر معتقدند در این مکان زنی سکونت داشته که به غریبان و مستمندان کمک می‌نموده است و در پی یک صاعقه تمام منزل این زن در آتش می‌سوزد ولی جسد وی دست نخورده باقی می‌ماند. به دنبال این معجزه تصمیم به ساخت یک کنیسه در محل مذکور گرفته شد و به همین جهت به نام «لاگریبا» یا معجزه‌گر نامیده شده است. این کنیسه در سال ۱۹۲۰ بر روی خرابه‌های آن خانه ساخته شد. فضای داخلی کنیسه ستون‌ها و سردرهای هلالی دارد و دیوارها دارای گچ‌بری‌های ارزشمند و کاشی‌کاری‌های زیبا می‌باشد. در این کنیسه یکی از قدیمی‌ترین تومارهای تورات نگهداری می‌شود. (لازم به ذکر است که قسمت‌هایی از این کنیسه در حمله‌ای تروریستی و در پی انفجار یک تانکر حاوی گاز مایع در اواخر فروردین ماه ۱۳۸۱ خسارت دیده است).

در دو روستای «هاراصغیرا» و «هاراکیبیرا» زمانی یهودیت دارای زندگی مستقل و مدیریت خاص خود بود. به مرور زمان، در قرن چهاردهم و در پی مهاجرت یهودیان فراری از اسپانیا به این منطقه و پس از آن مهاجرت یهودیان سفارادی (با رسوم شرقی) از پرتغال و اسپانیا در قرون ۱۶ و ۱۷ بر تعداد یهودیان افزوده شد، تاحدی که در آغاز قرن بیستم تعداد یهودیان جبرا یک دهم کل جمعیت منطقه محسوب می‌شد. اما هم اکنون آنها به دلایل اقتصادی از این منطقه مهاجرت می‌کنند و در اقلیت هستند.

همه ساله جمع زیادی از یهودیان اروپا و اسرائیل برای بازدید و زیارت به «جبرا» مسافرت می‌نمایند. علاوه بر این، کنیسه‌ای مذکور مرکز انجمن مذهبی یهودیان در این جزیره می‌باشد. هنوز حدود یک‌هزار یهودی در میان جمع ۹۰ هزار نفری مسلمانان در جبرا زندگی می‌کنند. این همزیستی نمونه بارزی از میانه‌روی و سازش اعراب نسبت به یهودیان می‌باشد. با وجود تمام این مسائل، یهودیت که زمانی دوره شکوفایی خود را در تونس طی می‌نمود، اکنون روندی نزولی به خود گرفته است.

ج - یهودیان الجزایر

این کشور نیز در شمال افریقا قرار دارد. مذهب رسمی در این کشور با جمعیتی حدود ۳۰/۲ میلیون نفر، اسلام می‌باشد.

با استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ طی سه ماه ۵۳۱ هزار یهودی به فرانسه و اسرائیل مهاجرت نمودند. یهودیان باقیمانده در این کشور در سال ۱۹۶۵ فاقد هر گونه حقوقی بودند، به حدی که در سال ۱۹۹۷ کمتر از یکصد یهودی در الجزایر سکونت داشتند. ■

● توضیح سردبیر: در فرهنگ ایرانی، مغرب و مراکش اصطلاحاً نام یک کشور واحد هستند. اما در تقسیمات رسمی جغرافیایی و سیاسی (به نقل از موسسه گیتاشناسی)، امروزه مغرب (Morocco) نام کشوری مستقل است که شهر چهارم آن، مراکش نام دارد. لازم به ذکر است که در مراجعه به منابع مختلف، اختلاف‌هایی در این موضوع مشاهده شد.

در جستجوی

من

باش

بهاره خاکشوی

باور کن

اگر کمی عمیق تر نگاه کنی

همین جا در کنار قلب تو

بی صدا نشستام

در جستجوی من باش

این راه نهار را بگیر و تا آخرش برو

به چشمان من خواهی رسید

به جایی که برای تو می شود گریست

نامت را فریاد زد -

و با دویای عشق تو

امروز را به فردایی روشن مبدل کرد -

در جستجوی من باش

« ای امید نا امیدی های من »

مرا بیاب و از این تنهایی برهان

مگذار این دل بی صدا بمبرد -

و تقدیر تمام راه های به سوی تو آمدن

را از من بی رحمانه بگیرد -

زمان زیادی باقی نخواهد ماند -

آه که چقدر دلم می گیرد -

مگذار این دل بی صدا بمبرد -



صبح، باغ، ماشیح

از کوچه های تنگ گذشتیم
به امید باغ و جویبار و نسترها
از تاریکی گذشتیم
به امید صبح و خورشید
پس ، آخر این برزن کجاست
که به امیدش می دویم
تنها ندا می گوید
در پیش زندگی است
ما این راه را تازه شروع نکرده ایم
انسان ها به امید پایانش
از میان رفتند
پس ما می دویم به امید
صبح، باغ، ماشیح
گلادی گیدانیان

« از نظر افتاده »

آ. پرویز نی داود

شوهر گفت :

غذا بدمزه ، غذا شور ، غذا پرچربی ... سفره درهم ریخته ،

منزل به هم ریخته ، بی انس و الفت ، و زندگی بی کشش و بی رمق ، و همه چیز نجسب ...

و زن جواب داد :

این غذا نیست که بدمزه و شور و پرچربی است ، و این سفره نیست که درهم ریخته ، و این

منزل نیست که نجسب است ... این منم که از نظر تو افتاده ام فکر دیگری بکن ... !

زن ، این را گفت و دوبار روی میز زد ، اطاق را ترک کرد و در را پشت سر خود به هم کوبید .

سکوت سخت و سنگینی روی سر شوهر فرو افتاد . به فکر فرو رفت . نشست و در حساب

زندگی فرو رفت !

زیر لب زمزمه می کرد : چه کاری کردم !! ؟

« عشق یک قانون کلی است »

آ. پرویز نی داود

این گفته را آندره موروا Maurois، نویسنده و شاعر بزرگ فرانسوی هزاران بار نوشته است .

اما ، در کتاب «دانش روز» ، دکتر وین دایر (WAYNE DYOR) می نویسد : عشق ، تمام دنیا را به هم پیوند می دهد و بنابراین

قانون کلی ، شما می توانید از تمام موانع موجود همه جا و همه وقت عبور نمایید .

« عشق یعنی حلال مشکلات »

(مرجع : آندره موروا ، فن زیستن / وین دایر Dyre، دانش روز)

معرفی کتاب

ماهیار کهن باش

مستحکم آنها بر روی رشته کوهی است که رودخانه جیحون راه ورود به آن را از یک طرف کاملاً بسته است. هیچ قدرت بیگانه‌ای بر آنها حکومت نمی‌کند و فرمانروای آن یک شاهزاده یهودی است به نام «رابی یوسف امرخه هالوی».

*** «دیپلماسی پنهان : اسنادی در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان ایران»** نام کتابی است نوشته «مرتضی قانون» که انتشارات «طبرستان» آن را در سال جاری منتشر کرده است. کتاب شامل دو بخش است، بخش اول تحت عنوان «یهودیان ایران» شامل فصولی چون «سیری در تاریخ بنی‌اسرائیل»، «یهودیان ایران در گذر تاریخ» و «نهادهای سازمان‌های یهود در ایران» می‌باشد. لازم به ذکر است که کتاب «تاریخ یهود ایران» تألیف دکتر «حبیب لوی» از مهمترین منابع نویسنده برای نگارش بخش نخست کتاب بوده است.

*** «صنعت یهودی سوزی»** نام کتابی است نوشته «نورمن ج. فینکلشتاین»، ترجمه «سوسن سلیمزاده»، نشر «سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، بهار ۱۳۸۱. نویسنده کتاب خبرنگاری است که پدر و مادرش از بازماندگان گتوهای ورشو بوده‌اند. وی در عین حال در این کتاب نسبت به نوع رویکرد یهودیان (به خصوص یهودیان آمریکا) به موضوع کشتار یهودیان در جنگ جهانی دوم نگاهی منتقدانه دارد و معتقد است بزرگ‌نمایی بیش از حد و بعضاً دروغ‌پردازی نسبت به این واقعیت

است. تقریباً ۱۵۰۰۰ خانواده یهودی در این شهر زندگی می‌کنند. سرشولوم که از طرف ربانی بزرگ به ریاست تمام مناطق یهودی‌نشین ایران انتخاب شده، یک خاخام مذهبی است.

تا شیراز، شهر مستحکم فارس، چهار روز راه است. در این شهر ۱۰،۰۰۰ خانواده یهودی ساکن‌اند.

پس از طی هفت روز راه از آن جا به خیوه می‌رسیم، یک شهر بزرگ تجاری بر ساحل رود جیحون که مردم از تمام نقاط امپراطوری به آن جا می‌آیند و یک منطقه یهودی‌نشین متشکل از ۸۰۰۰ خانواده دارد. این سرزمین بسیار وسیع است.

در سمرقند، شهر بزرگی که از فارس پنج روز راه فاصله دارد و در مرز امپراطوری قرار گرفته، ۵۰،۰۰۰ یهودی زندگی می‌کنند و شاهزاده، رابی عبادیه در رأس آنان است. ولی در میان این خانواده‌ها حکما و افراد ثروتمند، بسیار است.

از سمرقند تا تبت که در جنگل‌های آن حیوانات نافه‌دار زندگی می‌کنند، چهار روز راه است.

از تبت تا رشته کوه‌های قزوین که تا کناره رود اوزون کشیده شده، ۲۶ روز راه است. مردمی که در ایران سکونت دارند با اطمینان می‌گویند که ساکنین شهرهای اطراف نیشابور از چهار قبیله‌اند: قبیله‌های دان، زیولون، آشور و نفتالی. این قبایل اولین تبعیدیانی بودند که شلمنصر آنها را تبعید کرد. آن طور که نوشته‌اند: «و او قوم اسرائیل را به آشور راند و آنها را در خالوخ، خابور، بر ساحل رود اوزون و شهرهای منطقه‌ای مداین ساکن کرد». عبور از سرزمین این قبایل بیست و یک روز طول می‌کشد. شهرها و قلاع

*** «سفرنامه رابی بنیامین تودولایی»** عنوان کتابی است که «مهوش ناطق» آن را از روی ترجمه آلمانی «مارکوس وگرونهوت» به فارسی برگردانده و «نشر کارنگ» آن را در سال ۱۳۸۰ منتشر کرده است.

«رابی بنیامین» سیاحی یهودی اهل اسپانیا بود، که به دلیل شرایط سخت زندگی یهودیان اسپانیا در قرن دوازدهم میلادی، از سوی عده‌ای از همکیشان خود مأموریت می‌یابد که به شرق سفر کرده و با تحلیل و بررسی اوضاع یهودیان مناطق مختلف، راهنمای مهاجرت احتمالی همکیشان اسپانیایی به سرزمین‌های شرقی باشد. وی پس از عبور از سوریه، فلسطین و بین‌النهرین وارد ایران می‌شود و از خوزستان، اصفهان، شیراز، خیوه و سمرقند نیز بازدید می‌کند و ضمن این جابجایی‌ها مشاهدات خود را از اوضاع سیاسی و اجتماعی وقت، به خصوص وضع زندگی یهودیان به رشته تحریر درمی‌آورد (اصل این سفرنامه به زبان عبری است).

بخشی کوتاه از این کتاب را در مورد یهودیان ایران از نظر می‌گذرانیم:

از این رشته کوه‌ها تا شهر بزرگ همدان، پایتخت مادها، ده روز راه است. در این شهر پنجاه هزار یهودی زندگی می‌کنند. در برابر یکی از کنیسه‌ها «مردخای» و «استر» دفن شده‌اند.

از همدان تا طبرستان در کنار رود اوزن، چهار روز راه است. در این جا چهار هزار خانواده یهودی زندگی می‌کند

پس از یک سفر هفت روزه از همدان به اصفهان می‌رسیم. شهر بزرگی که مقر حکومت و فاصله دوسر آن سه مایل

می‌گویند. در ابتدای این کتاب آمده است:
 «چه مسلمان باشم، چه مسیحی
 چه زرتشتی، چه کلیمی
 همین که انسان باشم
 همین که فرزند آدم باشم
 کافی است تا
 در آرام‌ترین خلوت تنهایی‌ام
 صدایی آسمانی نجوا کند با من:
 آئی فرزند آدم ...»

* فرزندان استر

(ESTHER'S CHILDREN)

عنوان کتابی است به قلم «هومن سرشار» که «انتشارات جامعه یهودیان فیلادلفیا» آن را (سال ۲۰۰۱ میلادی) منتشر کرده است.



«فرزندان استر» کتابی است مصور و به زبان انگلیسی، که حاوی تاریخ کامل زندگی یهودیان ایرانی در اعصار مختلف می‌باشد. برخی از سرفصل‌های این کتاب عبارتند از: «دوران هخامنشیان»، «اوضاع یهودیان در خلال امپراطوری ساسانیان»، «تلمود بابلی»، «عصر صفوی»، «ادبیات فارسی‌پهلو»، «زندگی سیاسی: روشنفکران یهودی ایران در قرن بیستم»، «سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی»، «نامداران یهودی ایران: سهم آنان در تاریخ و ادبیات ایران».

قابل ذکر آن که گردآورنده کوشش فراوانی مخصوصاً برای جمع‌آوری عکس‌ها نموده و این تلاش آقای هومن سرشار قابل تقدیر است.

■

رنج‌های «دیگران» بیانگر تحریف اخلاقی آشکار است. افلاطون با نگاه انسانی خود می‌گوید: «نمی‌توان دو انسان نگون‌بخت را با یکدیگر مقایسه کرد و گفت یکی از دیگری خوشبخت‌تر است». با توجه به رنج‌های سیاه‌پوستان آمریکا، ویتنامی‌ها و فلسطینی‌ها، باور مادرم همواره بر این بود که ما همگی قربانیان کشتار جمعی هستیم ...»

«اسطوره یهودی‌کشی» ویرایش دیگری است از همین کتاب (ترجمه: علاءالدین طباطبائی) که «نشر هرمس» به زودی آن را منتشر خواهد کرد.

* «کتاب‌شناسی اسرائیل» نام کتابی است که «توسعه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران» آن را در زمستان ۱۳۸۰ (چاپ نخست) منتشر کرده است. این کتاب با هدف بررسی کتاب‌های مرتبط با اسرائیل، صهیونیسم، یهود و اطلاعات کتاب‌شناختی موجود در آن تدوین شده است. در پایان نیز به بررسی و ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی کتاب‌های اسرائیل در بین سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ میلادی پرداخته است. کتاب‌های قبل از سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ علاوه بر اطلاعات کتاب‌شناختی موجود در آن، دارای چکیده نیز هستند.

* «کتاب تنهایی» عنوان کتابی است از «حجت الاسلام محمدرضا زائری» که «سروش» (انتشارات صدا و سیما) دفتر یکم آن را در اسفند ۱۳۸۰ منتشر کرده است (چاپ دوم). کتاب مذکور مجموعه‌ای است از جملات و احادیث روحانی که به زبان ساده و روان بازنویسی گشته است. این کلمات همگی با مخاطب قرار دادن انسان با ترکیب «آی فرزند آدم» آغاز گشته و حول محور «انس با خدا» از زبان خداوند با آدمی سخن

انکارناپذیر قرن حاضر، باعث فراموشی و لوٹ شدن آن گشته است. در پیشگفتار این کتاب از زبان نویسنده می‌خوانیم:
 «... گاهی می‌اندیشم، «کشف» کشتار جمعی یهودیان به دست حزب نازی آلمان هیتلری از سوی یهودیان آمریکایی، ناگوارتر از فراموشی و نادیده انگاشتن آن بوده است. درست است که پدر و مادرم در خلوت خود در گذشته‌شان فرو می‌رفتند، اما رنج‌هایی را که تاب آوردند، آشکارا در منظر همگان عرضه نمی‌کردند تا به آن سندیت و اعتبار بخشند.

من خاطره رنج و عذاب خانواده‌ام را حقیقتاً پاس می‌دارم. صنعت یهودی‌سوزی با صف‌آرایی کنونی‌اش برای به چنگ آوردن پول از اروپا، به بهانه «قربانیان نیازمند یهودی‌سوزی»، جایگاه اخلاقی شهادت ایشان را تا سطح قمارخانه «مونت کارلو» کاهش داده است. اما، افزون بر این دل‌آزردگی، هنوز بر این عقیده‌ام که پاسداری از ارزش و اعتبار پیشینه تاریخی و حتی مبارزه برای این هدف، ارزشمند و مهم است ...»

یادگیری حقیقی از کشتار جمعی یهودیان به دست حزب نازی آلمان هیتلری زمانی به بار می‌نشیند که از ابعاد مادی آن بکاهیم و بر ابعاد اخلاقی‌اش بیفزائیم. منابع شخصی و همگانی بسیاری برای یادآوری جنایات نازی‌ها به کار آمده‌اند. آنچه از این رهگذر به دست آمده، بی‌ارزش است و هدف بزرگداشت رنج‌های یهودیان را برآورده نمی‌سازد، بلکه تجلیلی از جلوه اغراق‌آمیز یهودیان است. برای گشودن قلب‌هایمان به دیگر رنج‌های انسانیت، زمان بسیاری گذشته است و این درس بزرگی بود که مادرم به من آموخت. هیچ‌گاه، حتی یک بار از او نشنیدم که بگوید: «مقایسه نکن». مادرم همواره مقایسه می‌کرد. شکی نیست که باید تمایزهای تاریخی را ترسیم کنیم. اما، جدایی اخلاقی میان رنج‌های «ما» و



بخش یکم

دلال ازدواج ...

آیا زندگی بدون عشق ممکن است؟

نویسنده: برنارد ملامد
مترجم: صفدر تقی‌زاده - محمدعلی صفاریان
(از مجموعه کتاب بشکه جادو)

اشاره:

برنارد ملامد (Bernard Malamud) نویسنده معاصر آمریکایی یهودی در سال ۱۹۱۴ در محله یهودی نشین «بروکلین» (نیویورک) در آمریکا متولد شد و پس از پایان تحصیل به اسنادی دانشگاه رسید و در دانشگاه‌های مختلف آمریکا ادبیات تدریس کرد. اولین مجموعه داستان‌های او به نام «طبیعی» در سال ۱۹۵۲ منتشر شد. همچنین مجموعه داستان‌های او بنام «بشکه جادو» جایزه ملی کتاب آمریکا را گرفت. نوشته‌های برنارد ملامد اصولاً برپایه محرومیت‌ها و خصلت‌های افراد و جوامع یهودی تنظیم شده است و در لایه‌ای داستان‌های او، آداب و سنن، خصلت‌ها، نقطه ضعف‌ها و قوت‌های جوامع یهودی ترسیم شده است و بینش بشر دوستانه او همه جا مشهود است. «لاملد» آثار و نوشته‌های فراوانی دارد که مجموعه داستان‌های «تقدیم به احمق‌ها»، «کلاه رامبراند»، «چاره نشین‌ها» و «زندگی‌های دوبین» از آن جمله‌اند.

لاملد مخصوصاً در داستان‌های آخر خود فاجعه جنگ هسته‌ای را ترسیم می‌کند و بشر را به نابودی خود از طریق جنگ‌های هسته‌ای آگاه می‌سازد. او گفته است «بزرگترین هدف و وظیفه یک نویسنده آن است که تمدن را از ویران کردن خویش مصون نگه دارد». ملامد در سال ۱۹۸۶ درگذشت.

در زمانی نه چندان دور، در بالای شهر

نیویورک، در اتاقی کوچک و تقریباً خالی، هرچند اثبات‌شده از کتاب، «لئو فینکل» دانشجوی خاخامی دانشگاه مذهبی (یشوا) زندگی می‌کرد. «فینکل» پس از شش سال تحصیل، قرار بود در ماه ژوئن فارغ‌التحصیل شود و یکی از آشنایان به او توصیه کرده بود که اگر متاهل باشد، آسانتر می‌تواند برای خودش پیروان و جماعتی دست و پا کند. از آنجا که تصور مشخصی از ازدواج نداشت، پس از دو روز تفکر، تصمیم گرفت «پنینه سالزمن»، دلال SS ازدواج را که آگهی دوسطری‌اش را در روزنامه «فوروارد» خوانده بود، به خانه‌اش دعوت کند.

دلال ازدواج شی‌با کیف چرمی سیاهی که از فرط استعمال فرسوده شده بود، از سرسرای تاریک طبقه چهارم ساختمان سنگی خاکستری رنگ محل سکونت فینکل ظاهر شد. سالزمن که سال‌ها بود به این حرفه اشتغال داشت، لاغر اما بلوار بود و کلاهی کهنه و پالتویی که برایش بسیار کوتاه و تنگ بود پوشیده بود. بوی تند ماهی می‌داد که غذای مورد علاقه‌اش بود و گرچه چند تایی از

هرازگاه دزدانه نگاهی به چهره مشخص مرد جوان می‌انداخت به اطراف اتاق و به قفسه رویی قفسه کتاب چشم دوخت و آهی آرام و رضایت‌آمیز از سینه بیرون داد. وقتی چشم «لئو» به کارت‌ها افتاد، شش کارت باز شده را در دست‌های «سالزمن» شمارش کرد.

با ناامیدی پرسید: «همین چندتا؟» «سالزمن» پاسخ داد: «تمی‌توانی باور کنی که چقدر کارت در دفتر کارم دارم. کشورهای میز دیگر سرریز شده‌اند و از این روست که آنها را در بشکه‌ای نگه می‌دارم، اما مگر هر دختری مناسب یک جوان تازه خاخام شده است؟»

«لئو» از این حرف سرخ شد و از برملا کردن آن همه اطلاعات مربوط به خود در شرح حالی که برای «سالزمن» فرستاده بود احساس پشیمانی کرد. با خود اندیشیده بود بهتر است او را از معیارها و مشخصات دقیق زندگی‌اش آگاه سازد. اما حالا که این کار را کرده بود، احساس می‌کرد اطلاعاتی بیش از آنچه واقعاً لازم بوده در اختیار دلال ازدواج گذاشته است.

با تردید پرسید: «عکس مشتری‌هایت را هم در پرونده نگه می‌داری؟»

«سالزمن» درحالی که دکمه کت تنگش را می‌گشود و در صندلی جا خوش می‌کرد، پاسخ داد: «اول از همه خانواده مطرح است و مبلغ مهریه و نوع پیمان زناشویی، بعد نوبت به عکس می‌رسد، خاخام.»

«به من بگو آقای فینکل، من هنوز خاخام نشده‌ام.»

«سالزمن» گفت چنین می‌کند اما در عوض او را دکتر خطاب کرد و آن را هم وقتی «لئو» به دقت به حرف‌هایش گوش نمی‌داد، به خاخام تغییر می‌داد.

«سالزمن» عینک دسته شاخی‌اش را میزان کرد و با صدایی مشتاق متن روی اولین کارت را خواند:

«سوفی پی، بیست و چهار ساله، بیوه یکساله، بدون بچه، تحصیلات دیپلم و دو سال دوره کالج، پدر متعهد پرداخت هشت هزار دلار، دارای شغل عالی عمده فروشی، مستغلات هم دارد، از طرف مادری همه معلم‌اند، و یک هنرپیشه سرشناس. در خیابان دوم.»

«لئو» با تعجب سر برداشت.

«گفتی بیوه؟»

دندان‌هایش افتاده بود، حضورش به سبب رفتاری دلپذیر که به نحوی غریب با چشمان ماتم‌زده‌اش تباین داشت، نامطبوع نبود. صدایش، لب‌هایش، ریش بزی‌اش و انگشتان استخوانی زنده و روح‌دار بودند، اما اگر می‌گذاشتی لحظه‌ای آرام بگیرد، چشمان آبی ملایم او عمق غمش را آشکار می‌کرد، خصلتی که به «لئو» اندکی آرامش می‌داد، هرچند که این وضع ذاتاً برای او سخت و ناراحت‌کننده بود.

«لئو» بی‌درنگ به «سالزمن» فهماند که به چه علت او را به خانه‌اش دعوت کرده است و توضیح داد که اهل «کلینلند» است و به جز پدر و مادرش که نسبتاً دیر ازدواج کرده بودند، هیچ کس را در دنیا نداشت، مدت شش سال تقریباً تمامی زندگی‌اش را وقف تحصیلاتش کرده بود و در نتیجه، بطوری که قابل فهم است، محالی برای زندگی اجتماعی و معاشرت با زنان جوان نداشته است. بنابراین فکر کرده بود بهتر است به جای آزمایش و خطا و بی‌گدار به آب زدن، فرد با تجربه‌ای را فرا بخواند تا در این مسائل راهنمایی‌اش کند. «سالزمن» دست‌پاچه و حیرت‌زده گوش می‌داد. لزوم نوعی عذرخواهی را احساس می‌کرد. با این همه، بعدها از شغل خود گرمی غروری در دلش احساس کرد، احساسی که سال‌ها بود او را رها کرده بود و صمیمانه حرف‌های «فینکل» را پذیرفت.

هر دو به کار خود مشغول شدند. «لئو»، «سالزمن» را به تنها جای خالی اتاق، پشت میزی کنار پنجره‌ای که رو به شهر روشن از نور چراغ‌ها باز می‌شد، هدایت کرده بود. خودش هم کنار دلال ازدواج اما رودرروی او نشست و کوشید با نیروی اراده، خارش نامطوبعی را که در گلویش بود فرو نشاند. «سالزمن» مشتاقانه بندهای دور کیفش را باز کرد. کش گشادی را از دور دسته نازکی از کارت‌های بسیار دستمالی شده درآورد. همچنان که کارت‌ها را با تلنگر زدن به آنها ورق می‌زد - حرکت و صدایی که جسم «لئو» را می‌آزرد - دانشجو وانمود کرد که نمی‌بیند و با مداومت به بیرون پنجره چشم دوخت، هرچند هنوز ماه قوریه بود، زمستان آخرین نفس‌هایش را می‌کشید و علائم آن را او برای نخستین بار پس از سال‌ها متوجه می‌شد. «سالزمن» که از پشت عینکی که تازه به چشم زده بود، وانمود می‌کرد که به دقت مشغول خواندن نوشته‌های روی کارت‌هاست،

می‌کرد. سرانجام، سرش را به علامت نفی تکان داد.

سالزمن با صدایی که اوج برداشته بود به اصرار پرسید: «چرا نه؟»

- «برای اینکه من از متخصصان چهار هاضمه نفرت دارم.»

- «خوب، شغل پدرش چه ارتباطی به تو دارد؟ ازدواج که کردید، چه احتیاجی به او دارید؟ کی گفته که پدرش باید هر جمعه شب به خانه شما بیاید؟»

لئو شرمند از نحوه جریان صحبت، سالزمن را مرخص کرد و او با چشمانی غمبار و سنگین به خانه‌اش رفت.

لئو هر چند که تنها با رفتن دلال ازدواج احساس آرامش کرد، در تمام طول روز بعد هم افسرده و دلمرده بود، علت آن را عدم موفقیت سالزمن در معرفی عروسی مناسب می‌دانست. نوع مشتری‌های سالزمن چندان چنگی به دلش نمی‌زدند، اما وقتی به این تردید افتاد که به دلال دیگری مراجعه کند، به دلالتی متشخص‌تر از پنبه، متحیر ماند که نکند مخالفتش بالعکس با وجود احترامی که برای پدر و مادرش داشت در اصل از آن باشد که به بنگاه‌های دلالی ازدواج اعتقادی ندارد.

این فکر را به سرعت از ذهن خود دور کرد. با این همه دریافت که هم چنان گرفته است. تمام روز را سرگردان بود و به قرار ملاقات مهمی نرفت. فراموش کرد لباس‌هایش را به رختشویخانه بدهد. از کافه‌ای در خیابان برادوی، بی‌آنکه صورتحسابش را بپردازد بیرون آمد و مجبور شد صورتحساب به دست دوباره به کافه برگردد. حتی خانم صاحبخانه‌اش را که همراه دوستی در خیابان از کنارش رد شد و مؤدبانه گفت: عصر شما بخیر دکتر فینکل، به جا نیاورد. با این همه، شب که شد، آرامشی کافی یافت تا سرش را در کتابی فرو کند و از شر افکارش خلاصی یابد.

تقریباً در همان لحظه کسی در زد. بیش از آنکه لئو بتواند بگوید بفراست، سالزمن، آن رب‌النوع داد و ستد عشق، در اتاق ایستاده بود. چهره‌اش غمناک و نحیف و حالتش گرسنه بود و چنان می‌نمود که انگار سریا تمام خواهد کرد. با این همه دلال ازدواج توانست با نوعی تمهید عضلانی، لیخند گشاده‌ای را نمایش دهد.

- «خوب شب‌بخیر! مرا می‌پذیری؟»

لئو که از دیدار مجدد او دلخور بود و با این همه مایل نبود جوابش کند، سری تکان داد.

سالزمن همچنان متبسم، کیش را روی میز گذاشت.

- «خاخام امشب خبرهای خوشی برایت دارم.»

- «قبلاً گفتیم که مرا خاخام صدا نزنید. من هنوز طلبه‌ام.»

- «دوران نگرانی‌تان سرآمده. من برای شما عروس درجه یکی دارم.»

لئو وانمود کرد که علاقه‌ای ندارد: «در این باره، دیگر مزاحم نشوید.»

- «تمام دنیا در عروسی‌تان خواهد رقصيد.»

سالزمن با اکراه کارت سوم را رو کرد: «روت. ک، نوزده ساله. دانشجوی ممتاز. پدر به داماد مناسب سیزده هزار دلار نقد می‌پردازد. پدر پزشک است. متخصص چهار هاضمه با تجربه عالی. برادر دختر صاحب کارگاه لباس‌دوزی است. خانواده‌ای متشخص.»

سالزمن چنان به نظر می‌رسید که انگار تک‌خالش را به زمین زده است.

لئو با علاقمندی پرسید: «گفتی نوزده ساله؟»

- «نوزده سال تمام.»

- «جذاب است؟» - سرخ شد. - «خوشگل است؟»

سالزمن نوک انگشتان خود را بوسید و گفت: «یک عروسک ملوس! روی این یکی دیگر شرحا می‌بندم. بگذار امشب به پدرش تلفن کنم. باید بفهمی خوشگل یعنی چه.»

اما لئو ناراحت بود.

- «مطمئن این‌قدر جوان است؟»

- «از این یکی مطمئنم. پدرش شناسنامه دختر را نشانت خواهد داد.»

لئو با سماجت پرسید: «مطمئن عیب و نقصی ندارد؟»

- «کی گفته نقص دارد؟»

- «من که سر در نمی‌آورم چرا باید این دختر آمریکایی با این سن و سال به دلال ازدواج مراجعه کند.»

لیخند روی چهره سالزمن پخش شد.

- «به همان دلیل که تو مراجعه کردی او هم می‌کند.»

لئو سرخ شد.

- «آخر من عجله دارم.» سالزمن که فهمید حرف بی‌جایی زده است، فوراً توضیح داد: «پدرش آمد. نه خودش. او بهترین شوهر را برای دخترش می‌خواهد و این است که خودش پی‌جویی می‌کند. وقتی داماد مناسب را پیدا کردیم خودش معرفی و تشویقش می‌کند. ازدواج این طوری بهتر از آن است که یک دختر جوان بی‌تجربه، خودش کسی را پیدا کند. این چیزها را به شما که دیگر نباید گفت.»

لئو با ناراحتی گفت: «فکر می‌کنی این دختر به عشق معتقد باشد؟»

سالزمن نزدیک بود قاه قاه بخندد، اما جلوی خودش را گرفت. موقرانه گفت: «عشق با شخص مناسب می‌آید نه پیش از آن.»

لئو لب‌های خشکش را از هم باز کرد اما حرفی نزد. وقتی متوجه شد که سالزمن زیرچشمی به کارت بعدی نگاه می‌کند، زیرکانه پرسید:

- «سلامتی‌اش چطور است؟»

سالزمن که به سختی نفس می‌کشید گفت: «عالی است. البته در اثر تصادف با اتومبیل که در دوازده سالگی‌اش اتفاق افتاد، پای راستش کمی می‌لنگد، اما از بس باهوش و خوشگل است، کسی متوجه آن نمی‌شود.»

لئو به سنگینی برخاست و به سوی پنجره رفت. احساس می‌کرد به طور عجیبی دماغ است و از دعوت دلال ازدواج به خانه، خودش را سرزنش

- «بیه که معنی بده نمی‌دهد، خاخام. حدود چهارماهی با شوهرش زندگی کرده. جوانک بیمار بود و دختر اشتباه کرد که زن او شد.»

«ازدواج با یک بیه هرگز به ذهنم خطور نکرده بود.»

- «علتش این است که بی‌تجربه‌ای. بیه مخصوصاً اگر جوان و سالم باشد، مثل این دختر، برای ازدواج معرکه است. همه عمرش منت‌کشت خواهد بود. باور کن که، من خودم، اگر قرار بود حالا ازدواج کنم، یک بیه انتخاب می‌کردم.»

«لئو» فکری کرد و بعد سرش را تکان داد.

«سالزمن» با حرکتی نامحسوس از سر یاسی، شانه‌هایش را قوز کرد. کارت را روی میز چوبی گذاشت و شروع کرد به خواندن کارتی دیگر.

- «لیلی اچ. دبیر دبیرستان. رسمی نه پیمانی. دارای پس‌انداز و یک اتومبیل «دوج» نو. یکسالی در پاریس زندگی کرده. پدرش سی و پنج سال است دندانپزشک موفق است. علاقمند به مردی دارای حرفه‌ای معین. خانواده‌ای کاملاً آمریکایی شده. همسری عالی.»

«سالزمن» گفت: «من شخصا می‌شناختمش، کاش این دختر را می‌دید. عین عروسک است. خیلی هم فهمیده است. تمام روز را می‌توانی با او درباره کتاب و تئاتر و این جور چیزها حرف بزنی. در جریان مسائل روز هم هست.»

- «اما انگار سنش را نگفتی؟»

«سالزمن» گفت: «سنش؟» بعد ابروهایش را بالا انداخت و گفت: «سنش سی و دو سال است.»

- «لئو پس از لحظه‌ای گفت: «متأسفانه سنش کمی زیاد است.»

«سالزمن» خنده‌ای سر داد و گفت: «مگر خودتان چند سال‌تان است، خاخام؟»

- «بیست و هفت سال.»

- «خوب بگو ببینم، اختلاف بین بیست و هفت سال و سی و دو سال چقدر است؟ زن خود من هفت سال از من بزرگتر است. خوب، مگر من چه بدی دیدم؟ - هیچ. اگر دختر «روچیلد» حاضر شود با شما ازدواج کند، به خاطر سنش می‌گویی نه؟»

«لئو» با لحنی خشک گفت: بله

«سالزمن» بله را به جای نه گرفت.

- «پنج سال که چیزی نیست. قول می‌دهم یک هفته که با او زندگی کنی، سنش را فراموش خواهی کرد. پنج سال بیشتر یعنی چه، یعنی که بیشتر عمر کرده و بیشتر از کسی که جوان‌تر است چیز سرش می‌شود. در مورد این دختر، خدا عمرش بدهد، سال‌ها تلف نشده‌اند. هر سال بیشتر، معامله را شیرین‌تر می‌کند.»

- «در دبیرستان چه درس می‌دهد؟»

- «زبان فرانسه. حرف زدنش را اگر می‌شنیدی خیال می‌کردی موسیقی می‌نوازد! من بیست سال است در این کارم و از ته دل او را توصیه می‌کنم. باور کن من می‌دانم که دارم چه می‌گویم، خاخام.»

لئو به تندی گفت: «روی کارت دیگر چیست؟»

- «خواهش می‌کنم. آقای سالزمن، دیگر کافی است.»
سالزمن از روی ضعف گفت: «اما اول باید کمی نیرو بگیرم.» با بندهای کیف و رزقت و از درون کیف چرمی، پاکتی کاغذی و چرب بیرون آورد و از میان آن قطعه نانی خشک و پرسوس و تکه کوچکی ماهی سفید دودی بیرون کشید. با حرکت تند دست، پوست ماهی را تکه تکه کرد و حریصانه به جویدن آن مشغول شد.
من من کتان گفت: «تمام روز سگ‌دو زدم.»
لئو غذا خوردن او را تماشا می‌کرد. سالزمن با تردید پرسید: «احتمالا یک قاشق سس گوجه فرنگی داری؟»
- «نه!»

دلال ازدواج چشم‌هایش را بست و مشغول خوردن شد. وقتی تمام کرد، به دقت خرده نان‌ها را پاک کرد و بقایای ماهی را در پاکت کاغذی پیچاند. از پشت عینکش، دور و بر اتاق را آنقدر کاوید تا در میان توده‌ای از کتاب، اجاق گازی تک شعله‌ای را کشف کرد. کلاهش را از سر برداشت و با فروتنی پرسید: «یک فنجان جای داری، حاخام؟»
لئو که وجدانش ناراحت شده بود، برخاست و جای دم کرد. جای را با یک قاشق بزرگ لیمو و دو حبه قند به او داد که سالزمن را دل شاد کرد. سالزمن پس از نوشیدن جای نیرویی گرفت و حال خوشی را باز یافت.
با لحنی صمیمانه گفت: «خوب، ببینم، حاخام، روی آن سه تا مورد که دیروز معرفی کردم، مطالعه بیشتری کردی؟»

- «احتیاجی به مطالعه نبود.»
- «چرا پس؟»
- «هیچ کدامشان مناسب من نیست.»
- «پس چه مناسبت شما است؟»
لئو محل نگذاشت، زیرا فقط می‌توانست جواب پرتی بدهد. سالزمن بی‌آنکه منتظر جواب بماند، پرسید: «آن دختری که درباره‌اش صحبت کردم یادتان هست آن معلمه دبیرستان؟»
- «همان زن سی و دو ساله؟»
اما با شگفتی، چهره سالزمن به لبخندی روشن شد: «بیست و نه ساله.»
لئو نگاهی به او انداخت. از سی و دو تخفیف داده؟

سالزمن اعتراف کرد: «من اشتباه کردم، امروز با دندانپزشک تماس گرفتم. خودش مرا به سر گاو صندوق اسنادش برد. شناسنامه را نشانم داد. اوت گذشته بیست و نه ساله شد. جشن تولدش را در کوهستان برگزار کردند. دفعه اولی که پدرش با من صحبت کرد، فراموش کردم سنش را یادداشت کنم و به شما گفتم سی و دو ساله. اما حالا یادم می‌آید که این سن مربوط به مشتری دیگری بوده. مربوط به یک خانم بیوه.»

- «همان بیوه‌ای که درباره‌اش صحبت کردی؟ انگار گفتم که بیست و چهار ساله است؟»
- «نه، یکی دیگر. آیا من مقصرم که دنیا پر از زنان بیوه است؟»

- «نه، اما من علاقه چندانی به آنها ندارم. نه به خاطر بیوه بودن آنها، به معلمه‌های مدرسه علاقه ندارم.»

سالزمن دست‌های چفت کرده‌اش را به سینه‌اش کشید و به سقف اتاق خیره شد و



پارسیانه بانگ برآورد که: «ای «بن‌عبری» با اصل و نسب، من به کسی که به معلمه‌های دبیرستان علاقه‌ای ندارد، چه بگویم؟ آخر شما به چه چیزی علاقه دارید؟»

لئو برافروخت اما جلو خودش را گرفت.
سالزمن ادامه داد: «اگر به این دختر معقولی که به چهار زبان خارجی صحبت می‌کند و شخصا ده هزار دلار پس‌انداز در بانک دارد، علاقه ندارید، پس به چه چیزی علاقه دارید؟ پدرش هم دوازده هزار دلار دیگر را ضمانت می‌کند. یک اتومبیل نو هم دارد، لباس‌های عالی، درباره هر موضوعی که بخواهید اظهار نظر می‌کند، برای شما خانه و بچه‌های درجه یکی درست می‌کند. ما در زندگی‌مان مگر تا چه حد به بهشت نزدیک می‌شویم؟»

- «اگر این قدر عالی است که می‌گویید پس چرا ده سال پیش ازدواج نکرده؟»
سالزمن با خنده ناهنجاری گفت: «چرا؟ چرا؟ چونکه مشکل پسند است. به آن علت، او بهترین را می‌خواهد.»

لئو ساکت بود و مشغول این که چگونه خودش را گیر انداخته است. اما سالزمن دیگر علاقه او را به لیلی اج، برانگیخته بود و لئو دیگر داشت به طور جدی مسئله ملاقات او را در ذهن بررسی می‌کرد. وقتی دلال ازدواج متوجه شد که ذهن لئو با چه اشتیاقی سرگرم بررسی حقایقی است که او ارائه داده است، مطمئن شد که به زودی به توافق خواهند رسید.

غروب روز شنبه لئو فینکل آگاه از حضور سالزمن با لیلی هرشورن در طول حاشیه «ریور ساید درایو» قدم می‌زد و چایک و خدنگ گام برمی‌داشت و به نحوی بارز، کلاه مشکی پهن لبه تا خورده‌ای را که آن روز صبح با دستیابی میان جعبه گرد و خاک گرفته رو قفسه جالباسی بیرون آورده بود، به سر، و پالتوی سنگین و مشکی روزهای شنبه‌اش را که کاملاً گردگیری و تمیز کرده بود، به تن داشت. لئو عصائی هم داشت که یکی از بستگان دور به او هدیه کرده بود، اما فوراً بر وسوسه‌اش فائق آمد و آن را برنداشت.

لیلی که ریز نقش بود و نازیبا نبود، لباسی پوشیده بود که خبر از فرارسیدن بهار می‌داد. با

آگاهی و سرزندگی از هر بابی حرف می‌زد و فینکل کلماتش را سبک و سنگین می‌کرد و آنها را به طرز شگفت‌آوری جالب می‌یافت. امتیاز دیگری برای سالزمن - که لئو با ناراحتی حس می‌کرد باید جایی در آن دور و بر باشد و چه بسا بالای درختی در حاشیه خیابان پنهان شده و با نور آینه‌ای جسی به خانم علامت می‌دهد!

لیلی با گفتن این جمله که «داشتم به آقای سالزمن فکر می‌کردم که چه شخصیت غریبی است، قبول ندارید؟»، لئو را به خنده آورد. لئو که نمی‌دانست چه جوابی بدهد سر تکان داد.
زن شرمزده اما شجاعانه ادامه داد: «من به نوبه خودم از او ممنونم که ما را به هم معرفی کرد، شما چطور؟»

لئو مؤدبانه پاسخ داد: «من هم.»
زن با خنده کوتاهی - که روی هم رفته خوش سلیقگی‌اش را می‌رساند - یا دست کم این حالت را به آدمی می‌داد که بدسلیقه نباشد - گفت: «منظورم این است که شما از اینکه این جور با هم آشنا شدیم، ناراحت نیستید؟»

از صداقت زن ناخشنود نبود، قصد او را برای گرمی رابطه‌شان درک می‌کرد و می‌فهمید که پیش گرفتن چنین شیوه‌ای، مستلزم داشتن جسارت و نیز تجربه نسبتاً زیاد در زندگی است. آدمی باید دارای نوعی تجربه در گذشته باشد که بتواند بدین‌گونه آغاز کند. لئو گفت که ناراحت نیست. شغل سالزمن شغلی سستی و شریف است و اگر حاصلی در بر داشته باشد - که به نظر او اغلب اوقات هم ندارد - ارزشمند است.

لیلی با کشیدن اهی حرفش را تصدیق کرد. مدتی به قدم زدن ادامه دادند. پس از سکوتی طولانی دوباره لیلی با خنده‌ای عصبی گفت: «اجازه می‌دهید سوالی از شما بپرسم که قدری جنبه خصوصی دارد؟ راستش، موضوع برایم خیلی جالب است.»

با این که لئو شانه بالا انداخت و با کمی دستپاچگی ادامه داد: «ندای حق چطور به شما الهام شد؟ مقصودم این است که نوعی الهام شورانگیز ناگهانی بود؟»

لئو پس از مدتی آهسته پاسخ داد: «من همیشه به شریعت علاقمند بودم.»
- «در این علاقه آیا حضور علین هم بر شما آشکار شد؟»

لئو سری تکان داد و موضوع را عوض کرد.
- «شنیدم مدت کوتاهی در پاریس بودید، دوشیزه هرشورن؟»

- «آه! آقای سالزمن به شما گفت حاخام فینکل؟» لئو یکه‌ای خورد اما زن ادامه داد: «این مربوط به قرن‌ها پیش است و دیگر تقریباً فراموش شده. یادم می‌آید که مجبور شدم بخاطر عروسی خواهرم برگردم.»

و لیلی دست‌بردار نبود. با صدایی لرزان پرسید: «کی شیفته عشق به خدا شدید؟»

لئو به او خیره شد. انگاه چنین به نظرش رسید که او نه درباره لئو فینکل که درباره موجودی کاملاً غریبه و به نوعی اسرارآمیز یا شاید حتی

می‌داد. در نظرش، مرا آدمی کاملاً متفاوت، نیمه صوفی و حاخامی عجوبه مجسم کرده بودی. - «تنها چیزی که به او گفتم، این بود که شما یک آدم مذهبی هستید، شاید هم...»

سالزمن اهی کشید و اعتراف کرد: «این نقطه ضعف من است. زخم به من می‌گوید که من نمی‌بایستی واسطه می‌شدم. اما وقتی دو آدم خوب می‌شناسم که اگر با هم ازدواج کنند، معرکه می‌شوند، آنقدر خوشحال می‌شوم که برچائگی می‌کنم.» لیکن کم‌رنگی زد و افزود: «به همین علت است که سالزمن آدم فقیری است.»

خشم «لئو» فروکش کرد. «خوب سالزمن، متأسفم که بگویم دیگر کاری با شما ندارم.»

دلال ازدواج چشم‌های گرسنه‌اش را به او دوخت.

- «یعنی دیگه عروس نمی‌خواهی؟» «لئو» گفت: «چرا می‌خواهم اما تصمیم گرفتم از راه دیگری پیدایش کنم. دیگر علاقه‌ای به این‌جور ازدواج‌های ترتیب داده شده ندارم.»

- «بی‌برده بگویم، حالا دیگر به لزوم عشق پیش از ازدواج معتقد شده‌ام. یعنی می‌خواهم عاشق دختری باشم که با او ازدواج می‌کنم.»

سالزمن حیرت‌زده گفت: «عشق؟» پس از لحظه‌ای اظهار داشت: «برای ما، عشق ما، زندگی ماست نه خاتمه‌ها.»

لئو گفت «می‌دانم، می‌دانم. من اغلب به آن فکر کرده‌ام و به خودم گفته‌ام که عشق باید محصول فرعی زندگی و بیشتر عبادت باشد. تا هدف غایی، با این همه در مورد خود لازم نمی‌بینم که برای احتیاجاتم حدی قائل شوم و آن را برآورم.»

«سالزمن شانه بالا انداخت اما پاسخ داد: گوش کن، حاخام، اگر عشق می‌خواهی، آن را هم می‌توانم برایت پیدا کنم. چنان مشتری‌های خوشگلی دارم که تا چشمتان به آنها بیفتد، عاشقشان خواهی شد.»

لئو با ناخشنودی لیخن زد. «متأسفم که حرف مرا نمی‌فهمی.» اما سالزمن به سرعت بند کفش را باز کرد و پاکتی با کاغذ ضخیم قهوه‌ای از آن بیرون آورد و گفت: «این هم عکس، و فوراً پاکت را روی میز گذاشت. ...»

(ادامه در شماره آتی)

افتاد دانشگاه مذهبی «یشیوا» را ترک کند. هر چند از فکر از دست دادن آن همه سال‌های تحصیلش - که آنها را همچون اوراق پاره شده کتابی می‌دید که بر فراز شهر پخش کرده باشد - و از تاثیر خردکننده‌ای که این تصمیم بر والدینش می‌گذاشت، عمیقاً ناراحت می‌شد. اما او، بدون معرفت از خویشتن زندگی کرده بود و حقیقت، نه با اسفار پنجگانه تورات و نه با همه آن تفسیرها گناهش گردن خودش - بر او آشکار نشده بود. نمی‌دانست به کجا روی آورد و در هجوم این تنهایی ملال‌آور، یار و یابوری هر که می‌خواست باشد - نداشت، گرچه گاهی به فکر لیلی می‌افتاد اما حتی یک بار نتوانست خودش را راضی کند که به طبقه پایین برود و تلفنی به او بزند. زودرنج و بدعق شده بود، خاصه با خانم صاحبخانه‌اش که انواع پرسش‌های خصوصی از او می‌کرد. از سوی دیگر، او با احساس بدخلقی خود، در راه پله به کمین می‌نشست و خاضعانه آنقدر عذرخواهی می‌کرد تا اینکه وی به سئو می‌آمد و از دستش درمی‌رفت. با اینهمه بدینگونه خود را تسلی می‌داد که یهودی است و یهودی عذاب‌کش است اما رفته رفته، همچنان که هفته طولانی و وحشتناک به پایان خود نزدیک می‌شد بار دیگر آرامش خویش و اعتقاد به داشتن آرمانی در زندگی را بازیافت. پیشرفت طبق برنامه. هرچند خود او ناقص بود، آرمان او نبود. در مورد یافتن یک عروس، فکر ادامه جستجو، به اضطراب و حسرت مبتلاش می‌کرد، با این همه شاید با این معرفت نو یافته از خویشتن، می‌توانست موفق‌تر از گذشته باشد. شاید عشق به سراغش می‌آمد و پیامد این عشق، یک عروس، و برای این جستجوی مقدس، چه کسی به سالزمن نیاز داشت؟

دلال ازدواج، اسکلتی با چشمان شیخوار، همان شب بازگشت، به تصویر انتظاری بیهوده می‌ماند که انگار تمام هفته را با مقاومت در کنار دوشیزه لیلی هرشورن در انتظار زنگ تلفنی گذرانده بود که هرگز به صدا درنیامد.

سالزمن که هرازگاهی سرفه می‌کرد فوراً به اصل مطلب پرداخت: «خوب به نظرت چطور بود؟» خشم لئو بالا گرفت و نتوانست از توپیدن به دلال ازدواج خودداری کند: «چرا به من دروغ گفتی، سالزمن؟» چهره رنگ پریده سالزمن به سفیدی رنگ مرده گرایید، برف دنیا بر سرش باریده بود.

لئو به اصرار پرسید: «مگر نگفتی که بیست و نه ساله است؟»

- «به شما قول می‌دهم که ... سی و پنج ساله است، شاید با اختلاف یک روز، دست کم سی ساله روی این حرف خیلی یافشاری نکنید، پدرش به من گفت ...»

- «بگذریم. بدتر از همه این بود که به او دروغ گفته بودی.»

- «چه دروغی به او گفته بودم، بگو ببینم؟» - «چیزهایی درباره من به او گفته بودی که صحت نداشت. چیزی از من درست کرده بودی که مرا بزرگ‌تر و در نتیجه کم‌تر از آنچه هستم نشان

پیغمبری که سالزمن در رؤیای او ساخته و پرداخته، حرف می‌زند که هیچ ارتباطی به زنده یا مرده او ندارد. لئو از خشم و ضعف به خود لرزید. آن نیرنگ باز بی‌تردید سیاهه‌ای از کالای بددلی به او فروخته بود به همان گونه که خودش انتظار داشت با باتوی جوان بیست و نه ساله‌ای آشنا شود و در عوض، از همان دم که چشمش به آن قیافه به هم کشیده و عصبی و نگران افتاده بود، زنی سی و پنج سال پشت سر گذاشته و به سرعت پیرشونده را در برابر خود دیده بود. فقط خویشتن‌داری‌اش موجب شد که بتواند مدتی چنان طولانی در حضور زن مقاومت کند.

لئو موقرانه گفت: «من آدم مذهبی با استعدادی نیستم.» و در جستجوی واژه‌هایی که بتواند به سخنان ادامه دهد، دریافت که شرم و وحشت بر او مستولی شده است. این اعتراف را با خشونت بر زبان آورد، زیرا غیرمترقبه بودن آن خودش را هم تکان داد.

لیلی وارفت. لئو انبوهی قرص نان را دید که همچون دسته‌ای اردک فراز سرش پرواز می‌کردند، نه بی‌شبهات به قرص‌های نان بالدار که شب پیش در خیال خود آن قدر شمرده بود تا خواب رفته بود. آنگاه به رحمت پروردگار، برف بارید که البته نمی‌توانست آن را به حساب توطئه‌های از پیش چیده شده سالزمن بگذارد.

از دلال ازدواج شدیداً خشمناک بود و سوگند یاد می‌کرد که به مجرد پیداشدن سروکله‌اش از اتاق بیرونش بیندازد. اما سالزمن آن شب نیامد و هنگامی که خشم لئو فروکش کرد، یاسی بی‌حساب جای آن را گرفت. نخست فکر کرد که دلیل آن توپیدن شدن از دیدار لیلی است اما چیزی نگذشت که برایش روشن شد خود را بدون آگاهی واقعی از نیت درونی خویش با سالزمن درگیر کرده است. رفته رفته در اثر خلانی که شش دستی او را گرفته بود متوجه شد به این علت از دلال ازدواج خواسته بود عروسی برایش پیدا کند که شخصاً قادر به انجام آن نبود. این بینش وحشت‌بار حاصل دیدار و گفت و شنودش با لیلی هرشورن بود. پرسش‌های کنجکاوانه زن با آزرده‌گی خاطر، ماهیت واقعی رابطه‌اش را با خدا بیشتر برای خودش تا برای زن برملا کرده بود و از آن، با تأثیری تکان دهنده، به این نتیجه رسیده بود که در دنیا به جز والدینش احدی را دوست نداشته است. یا شاید در جهت عکس قضیه، او خدا را چنان که باید دوست نمی‌داشت، زیرا که انسان‌ها را دوست نداشته بود. به نظر لئو چنین می‌رسید که تمامی زندگی‌اش فاش و عربان در برابرش جلوه‌گر شده و برای نخستین بار خود را آن چنان که واقعا بود می‌دید. محروم مانده از عشق و بی‌عشق. این مکاشفه تلخ اما نه کاملاً غیر منتظره، او را به وحشتی انداخت که فقط با تلاشی خارق‌العاده قابل مهار بود. چهره‌اش را با دستاش پوشاند و گریست.

هفته بعد از این ماجرا، بدترین هفته زندگی‌اش بود، غذایی نخورد و از وزنش کاسته شد ریشش تار و درهم شد. در سمینارها حضور نیافت و تقریباً دیگر لای هیچ کتابی را باز نکرد. به فکر

گزیده دفتر یادبود نمایشگاه کتاب



* امیدوارم که ارتباط هموطنان یهودی و مسلمان در ایران هرچه نزدیکتر شود تا بتوانیم با تکیه بر مشترکات ادیان الهی مشکلاتمان را بهتر حل کنیم و از تجارب و رهنمون‌های هم به تکامل بیشتر برسیم. به امید نمایش همزیستی ادیان به معنای واقعی در ایران.

* به زعم بنده تنها عامل فضل بندگان خدا بر روی زمین، داشتن وجدان و انصاف در تفکر و میزان آگاهی و کردار است که خوشبختانه این مورد در همه هموطنان یهودی دیده می‌شود.

امیر فرض اللهی

* I'm student in Iran, I was studying Persian language here and now I come to exhibition of kitab and I was surprised that Jews have also their own place.
Andreas Zavadil
From Czech Republic.

(ترجمه: من دانشجوی زبان فارسی در ایران هستم و در بازدید از نمایشگاه کتاب، از اینکه دیدم یهودیان نیز غرفه‌ای مخصوص به خود دارند، شگفت زده شدم.

آندره آس زوادیل از جمهوری چک)

* راه آزادی برای همه را ادامه می‌دهیم.

دانشجویان فلسطینی مقیم ایران
نضال محمد - بشار عبدا...
ولاء احمد - محمد خضر

* غرفه انجمن کلیمیان امسال در مجموعه نمایشگاه سالانه کتاب با زحمت جوانان یهودی ایران و با تکیه بر فرهنگ غنی و انسانی یهودیت مورد توجه فراوان بازدیدکنندگان قرار گرفت. امید است جامعه کلیمیان ایران بتواند سهم خود را در ایجاد تفاهم و دوستی بین ادیان و اقوام مختلف به انجام برساند و پیام آور ارزش‌های انسانی و صلح و دوستی بین مردم جهان باشد.

هارون یشایایی

رئیس انجمن کلیمیان تهران

امید توفیقات روزافزون برای پیروان راستین حق و انسانیت.

مهرداد مصوری

* نظر به اینکه دوره دبیرستان را در دبیرستان اتفاق با دوستی و مودت و همراهی و همکاری گردانندگان عزیز و فرهنگیان با سابقه‌ای چون آقای دکتر یاروخ بروحیم طی نمودم همواره کنجکاو به وضعیت این عزیزان ایرانی یهودی‌کیش بوده‌ام. لذا با دیدن غرفه شما پادی از گذشته کرده و خوشحال شدم که هنوز کلیمیان هموطن دارای فعالیت‌های فرهنگی هستند. با سلام و درود حضور تمامی دوستان آشنا و ناشناس کلیمی که سهمی در جهت اعتلای فرهنگ این آب و خاک داشته‌اند.

والسلام دکتر ژوبین فاطمی

* ایران با تمدن و تاریخی که دارد، می‌تواند افتخار کند که ادیان الهی در درون آن با بهترین شکل مسالمت‌آمیز زندگی کنند. امید که ما بتوانیم مشکلات جاری اقلیت‌ها را هم حل کنیم همچنانکه شروع کرده‌ایم.

سید محمد ابطحی

معاون حقوقی رئیس جمهوری

* جا دارد ما ایرانیان و به ویژه ایرانیان کلیمی (که به شهادت تاریخ از نخستین اقوام موحد این سرزمین بوده‌اند) به دور از تعصبات ضد علمی به بازنگری تاریخ یهود، به ویژه تاریخ یهود در خاورمیانه (علی‌الخصوص در بین‌النهرین، ایران، افغانستان، قفقاز و خراسان بزرگ که آسیای میانه‌اش نامیده‌اند) بپردازند و از آن مهمتر تعاملات این تاریخ را با تاریخ‌های ملی این سرزمین‌ها بررسی نمایند. در این صورت پرده‌های بسیاری از پندارهای همگان برداشته خواهد شد که آینده‌ایمن و صلح‌آمیز بشر و در گرو چنین کشف حجابی است.

امید که انجمن کلیمیان تهران و روشنفکران فرهیخته کلیمی، در این مهم پیروز باشند.

بیژن اصلانی

* همه موحدان جهان از یهودی و مسیحی و مسلمان آرمان مشترکی دارند و آن اعتلای توحید است. خواهران و برادران یهودی در ایران از دیرباز شهروندان ایران بوده‌اند و امید که همگی بتوانیم با یکدیگر ایرانی آباد و آزاد مهای زندگی مؤمنانه سامان دهیم. جامعه‌ای که هر کسی بتواند آزادانه به دین و ایمان خود ارتقاء بخشد. بی‌شک حساب یهودیان ایران از صهیونیست‌های غاصب اسرائیل جدا است و همه ایرانیان به این نکته توجه دارند.

با احترام

محسن کدیور

غرفه انجمن کلیمیان تهران در نمایشگاه کتاب امسال، دفتر یادبودی گشوده بود که مراجعین علاقمند، نظرات خود را در آن منعکس کردند. گزیده‌ای از این یادداشت‌ها در ادامه می‌آید.

* شالم شالم

بی‌تردید نشر آرا و عقاید دین یهود برای محققان ایرانی خوشایند و جاذبه‌های خاصی را خواهد داشت. امید است با استواری و صداقت و تلاش مضاعف در این امر موفق گردید.

احمدی

* ای ترا با هر دلی رازی دگر

آرزومند رامشی نیک و فرجامی خجسته

اسعدی

* با تشکر از شما. به امید یکی شدن همه انسانها در جهت خوشبختی واقعی.

منم که شهره شهرم به عشق ورزیدن

منم که دیده نیالودم به بد دیدن

* با سپاس فراوان و تشکر از زحمات

اعضای کمیته فرهنگی انجمن کلیمیان تهران و نشریه بینا و با آرزوی موفقیت برای شما در تمام مراحل زندگی

هیئت مدیره خانه جوانان یهود تهران

* یگو ای اهل کتاب بیایید بر محور

کلمه‌ای که مشترک هستیم. (قرآن کریم)

درود بر همه پیامبران خاصه موسی پیامبر

بزرگ الهی و با سپاس از کلیمیان عزیز که

همیشه تنفر و انزجار خود را از اسرائیل اعلام

نمودند.

یگانه

* دکوراسیون غرفه انجمن کلیمیان

بخصوص ویتترین روبرو که حاوی سفر تورات

است بسیار زیبا شده و همراه با نوای قرائت

تورا یک فضای روحانی و آرام بخش بوجود

آورده است. عکس‌العمل مردم واقعاً دیدنی

است!

ستاره‌شناس

* مذهب عاشق ز مذهبها جداست

عاشقان را ملت و مذهب خداست

تمام ادیان الهی تحت ظل کلمه طیه

لااله الا... بوده و همگان در یکتایی خداوند و

عدل و حقایق عالم دیگر متفق‌القول هستند و از

دید حقیقت‌جویان تمام عالم و ادیان و مذاهب

الهی رودهایی هستند که به دریای وحدت و

حقیقت حق سرازیر شده و در آن یکی می‌شوند

و لباس کثرت را به وحدت تبدیل می‌کنند. به



فواب‌های طلایی

نوشته: لیورا سعید

طرح از: طناز ستاره‌شناس

است. دیروز من ساعت ۹ صبح به دکه روزنامه فروشی سر کوجه‌مان رفتم تا شماره جدید رو بخرم. اما فروشنده گفت: دیر آمدی ساعت ۸ صبح تمام مجله‌ها فروخته شدند و من مجبور شدم راه خود را دور کنم و به دکه دیگری بروم که آن‌هم شانس آوردم چون همان یکی را داشت و من آن را خریدم.

باید فکری بکنند که خرید «بینا» آنقدر مشکل نباشد.

از این حرف‌ها بگذریم، جدول‌های «بینا» را دیده‌ای چقدر جالب است!

چطور مگه؟

هر بار تعداد زیادی برنده دارد که نمی‌توانند به همه جایزه بدهند. این‌طور که خواهرم می‌گفت قرعه‌کشی می‌کنند و به سه نفر سکه می‌دهند.

بخش کودکان را چرا نمی‌گوییم؟ پنجاه تا عضو دارد که هر بار مقاله و شعر و نقاشی می‌دهند واقعا نقاشی‌های بامزه‌ای می‌کشند و جالب تر اینکه نقاشی‌ها رنگی چاپ می‌شود. تازه هر شماره به بهترین مقاله هم جایزه می‌دهند. خواهر کوچک من تا حالا پنج کتاب داستان همراه با نوار جایزه گرفته است.

سرم درد گرفته بود. داشتیم دیوانه می‌شدم. به خود گفتم: اینها چه می‌گویند؟ مگر می‌شود؟ هفت طراح، پنج شاعر، پنجاه کودک، جایزه برای جدول، ... خدایا!

... که دیدم یکی از آنها که کیف خود را کنار خود قرار داده بود به طرف کیف برگشت و مجله‌ای را از درون آن برداشت. نظرم جلب شد. عینک خود را روی بینی‌ام صاف کردم تا با دقت بیشتری بتوانم ببینم. چه دیدم! واقعا که! نمی‌دانستم بخندم یا تعجب کنم؟ در دل به خود گفتم:

«دیوانه! آخر اینکه دست اوست مجله «بینا» است نه «افق بینا»!

آره من هم وقتی طنزها را می‌خوانم تا یک ساعت فقط می‌خندم، آنقدر می‌خندم که چشمانم اشک می‌آید، به طوری که دیگر قادر به خواندن نیستم.

من داستان‌هاش رو هم دوست دارم. می‌دونی! هر بار دو داستان واقعا هیجان‌انگیز چاپ می‌کنند، به نظر من اگر داستان‌ها دنباله دار باشند هیجانش بیشتر می‌شه. چون منتظر می‌مونیم تا هفته آینده که شماره جدید چاپ بشه، ببینیم بقیه داستان چه می‌شه.

اصلا چرا یک هفته صبر کنی؟ داری می‌بینی که به یک هفته نرسیده شماره جدیدی در می‌آید. کم مونده اسم هفته نامه «بینا» را «روزنامه بینا» بگذارند.

اون وقت چی می‌شه؟ روزانه مجله پنجاه و شش صفحه‌ای چاپ می‌شه.

راستی سه‌شنبه که رفته بودم دفتر مجله تا شماره جدید رو تهیه کنم، می‌دونی چی دیدم؟ هنوز وارد ساختمان نشده بودم که دیدم صف طولیلی تشکیل شده و مرد و زن و بچه از سر و کول هم بالا می‌رفتند. حالا من هم عجله داشتم و باید زودتر به مدرسه می‌آمدم. با هزار زحمت خودم را به طبقه سوم رساندم و به اتاق سردبیر رفتم. نمی‌دانی چه خبر بود؟ سردبیر بیچاره گیج شده بود و نمی‌دانست چه باید بکند؟ دو نفر دیگر را به کمک گفته بود تا در فروش، کمکش کنند!

خوب بالاخره خریدی یا نه؟

نه بایا مگر اجازه دادند؟ دستی دستی مرا به ته صف هل دادند و من دوباره پایین آمدم. چاره‌ای نداشتم. نفر آخر خانمی بود که بچه‌ای به بغل داشت و زنبیلی به دستش بود. از او خواهرش کردم زنبیلیش را پشت خود بگذارد و نوبت مرا داشته باشد تا ظهر که از مدرسه برگشتم بتوانم بخرم. بالاخره ظهر که به آنجا رفتم دیدم خلوت است. خوشحال شدم و پله‌ها را دو تا یکی کرده و خود را به طبقه سوم رساندم. اما سردبیر با خستگی گفت مجله تمام شد. من هم مجبور شدم از دختر همسایه‌مان بگیرم و مطالعه کنم.

می‌دانم چه می‌گوی! هر هفته همین بساط

گوشه‌ای از حیاط مدرسه نشسته بودم زنگ ورزش بود و چون طبق معمول، معلم ورزشمان نیامده بود، کاری نداشتم. بچه‌ها نشسته بودند و با هم حرف می‌زدند. می‌خندیدند یا سربه‌سر بچه‌های دیگر می‌گذاشتند. نگاهم به طرف دو نفر از دوستانم افتاد که در چند قدمی من نشسته و در مورد موضوعی صحبت می‌کردند، انگار بحث درباره یک مجله بود نظرم جلب شد. خوب که گوش کردم متوجه شدم درباره نشریه «بینا» صحبت می‌کنند. برایم جالب بود بدانم نظر آنها به عنوان خواننده نسبت به این مجله چیست؟ این بود که چند دقیقه‌ای «استراق سمع» کردم و ...

راستی شماره جدید «بینا» رو این هفته دیدی؟

شماره صد و یازدهمی رو می‌گی؟

آره. من هنوز شماره قبلی را به طور کامل نخوانده بودم که این یکی به دستم رسید.

من هم تا دیروز شماره صد و نه و صد و ده را مطالعه می‌کردم.

می‌بینی تو رو خدا! اصلا نمی‌شه این مجله را به زمین گذاشت، از پس جالب و متنوعه!

آره، من هم خیلی دوست دارم، آخه مجله‌ای که تمام صفحاتش رنگی باشه و هر صفحه‌اش صد تا عکس و طرح جورواجور داره، خوب معلومه که سریع آدمو جذب می‌کنه. می‌بینی! هر مقاله‌ای یکی که نه، دو تا و سه تا طرح داره.

خوب مگه نمی‌دونی که این نشریه هفت نفر طراح داره که در رشته نقاشی و گرافیک تحصیل کرده‌اند. این‌طور که شنیدم آنقدر فعال هستند که روزانه طرح می‌کشند و به دفتر مجله می‌دهند.

خدا و کیلی طرح‌هایی که می‌کشند خیلی قشنگ هستند و چون رنگی هم چاپ می‌شن، جذابیتش صد چندان می‌شه.

مطالب طنز رو چرا نمی‌گی؟ هر بار چهار صفحه فقط مطلب طنز داره من تا مجله به دست می‌گیرم اول به سراغ اون صفحات می‌رم. واقعا طنزهای جالبی می‌نویسند.



چگونه با کودکان خود درباره خدا صحبت کنیم؟

نویسنده: ربی داوید ولپ (Rabbi David Wolp)
ترجمه: المیرا سعید

صحبت با بچه‌ها درباره خدا، کلید اصلی برای شناخت خودشان است

همگی آنها از دید خدا، ویژه هستند. آموزش کودکان درباره خدا همچون قدم گذاشتن در راهی برای داشتن یک زندگی معنوی است.

در زیر راهنمایی‌هایی برای شروع یک بحث در باره خداوند که ممکن است کودک و یا والدین آغازگر آن باشند آمده است:

۱- طرح سوال: تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر کودکان تا سن ۶ سالگی تصویری از خداوند در ذهن خود دارند. در این مورد از آنها سوال کنید. اجازه ندهید تصویر ذهنی قبلی‌ای که خود شما از این موضوع داشته‌اید، سطح کنجکاوی آنها را مشخص کند، اجازه دهید خودشان به این موضوع فکر کنند، بیان‌دیشند، خیالبافی کنند و تصوراتی داشته باشند. اگر ما این گفتگو را با بیان «حقیقت» و یا با طفره رفتن از جوابگویی قطع نکنیم، آنها افکار و اندیشه‌های خود را گسترش می‌دهند.

۲- داستان‌سرایی: داستان‌ها باعث تشویق کودکان به شکل دادن تصوراتشان از شخصیت‌های داستان می‌شود. برای آموزش درباره خدا، داستان‌هایی را از تورات یا «میدراش» (روایات یهود که به شکل داستان هستند) بیان کنید. افسانه‌سرایی کنید، و یا حوادثی از زندگی خود تعریف کنید. کودکان نسبت به مفاهیم انتزاعی ذهنی و منطقی کمتر رغبت و علاقه نشان می‌دهند تا درک مفاهیم قابل لمس و عملی. در شرح داستان‌ها، از زبان ساده استفاده کنید. به جای اینکه به کودک خود بگویید: «خدا

جواب‌ها نادرست عنوان می‌شوند، زیرا همگی براساس مواردی است که به انسان مربوط می‌شود، و قابل تغییر و تحول هستند. آیا ما همیشه می‌خواهیم باهوش‌ترین فرد کلاس باشیم؟ یا همیشه دوستانمان در کنارمان باشند و یا احساس کنیم والدینمان عاشق ما هستند؟ آیا واقعاً شما می‌خواهید اعتبار شخصی کودکان براساس شرایط روحی‌تان باشد؟ هیچ عامل غیر قابل تغییری برای ارزش خودتان وجود ندارد؟

تورات در این زمینه تصور عمیق‌تری دارد: «خداوند افراد بشر را به صورت معنوی خودش آفریده است.» (سفر پیدایش فصل یک: آیه ۲۷) آیا ما می‌توانستیم بگوییم «همه کیفیت‌های درونی شما شگفت‌آورند، اما در پس همه این کیفیت‌هاست که شما حائز اهمیت هستید، زیرا شما صورتی از خداوند هستید؟ ذاتی در شما وجود دارد که فقط متعلق به خودتان است و آن همان جزء روحانی شماست؟ خداوند شما را دوست دارد، و این عشق هرگز تغییر نمی‌کند؟» وقتی ما این موضوع را فهمیدیم، نه تنها به کودکانمان عوامل متفاوتی از ارزش خودشان را نسبت نمی‌دهیم، بلکه برای اعتبار شخصیتشان عوامل غیر مشابه با دیگران را در نظر می‌گیریم. اینکه کودکی بگوید: «من مهم هستم زیرا والدینم مرا دوست دارند» این موضوع در مورد کودکی که والدینش او را دوست ندارند و یا کودکی که پدر و مادری ندارد، چه چیز را به من می‌آموزد؟ در حالی که

«پدر و مادر خدا چه کسانی هستند؟»، «اگر خدا بسیار قدرتمند است، پس چرا از پیش آمد حوادث بد جلوگیری نمی‌کند؟» «آیا خدا عبادات مرا می‌شنود؟»

سؤالات درباره خدا بسیار زیاد است. در واقع این پرسش‌ها به نوعی مانند سؤالاتی است که والدین نیز آنها را در ذهن خود مطرح می‌کنند، ولی به شکل زبان دیگر. اما به هرحال اینها سؤالاتی هستند که ما باید به آنها پاسخ دهیم.

پاسخ ما به این پرسش‌ها، دید کودکان را به دنیا باز می‌کند. ما از آنها انتظار داریم که چه چیز را باور کنند؟ اینکه آنها محصولات یک سری فعل و انفعالات شیمیایی قدیم هستند، یا ذراتی از وجود الهی؟ صرف‌نظر از فلسفه‌ای که برای هر کدام از این موارد وجود دارد، ما به عنوان والدین مسئول هستیم که در برابر کودکانمان صادق باشیم و بحث‌ها و سؤالات آنها را به شکلی سازنده جوابگو باشیم.

صحبت با بچه‌ها درباره خدا، کلید اصلی برای شناخت خودشان است. تصور می‌شود که کودکان از اهمیت زیادی برخوردار هستند. اما چرا آنها مهم هستند؟ من از هزاران کودک سوال کرده‌ام «شما چرا مهم هستید؟» تقریباً پاسخ همه، این جملات بوده است: «من نمرات خوبی می‌گیرم، من خوب ورزش می‌کنم، من دوستان خوبی دارم و پدر و مادرم مرا بسیار دوست دارند.» همگی این

از همه چیز آگاه است» به او بگویید: «خدا کسی است که به ما کمک می‌کند تا بزرگ شویم.»

از فرزند خود بپرسید «عشق در کجا قرار دارد؟» در پاسخ به او بگویید نمی‌توانیم آن را ببینیم، ولی آن را احساس می‌کنیم. خدا نیز این‌گونه است

۳- نمونه های حضور خدا در زندگی :
به فرزندان خود بگویید که خدا آنها را دوست دارد. برای آنها توضیح دهید که دنیا پر است از آفریده‌هایی که خدا آنها را به وجود آورده. اگر زبانی که شما از آن برای این مثال‌ها استفاده می‌کنید، غیرقابل فهم یا مشکل است، به دنبال راه‌هایی برای آسانتر کردن آن باشید. مثلاً بگویید: «چه کسی تو را دوست دارد؟» سؤالتان را از پدر و مادر، پرستاران، اولیاء مدرسه شروع و سپس به خدا اشاره کنید. به خاطر داشته باشید دین یهود پر است از مفاهیم عشق به خدا، از تغلیلاها (نمازها) گرفته تا متن ساده تورات. معروف‌ترین بخش تغیلای روزانه در این زمینه، «شمع اسرائیل» است که ما را تشویق به دوست داشتن خدا می‌کند زیرا می‌گوید خدا نیز ما را دوست دارد. (این متن را اغلب بچه‌ها یاد می‌گیرند و کافی است شرح ساده‌ای از مفهوم آن را برای ایشان تعریف کنیم)

۴- موضع دفاعی نگیرید : کودکان متفکر، به خصوص آنهایی که یکباره به دوران بلوغ می‌رسند، معمولاً به تفکرات مذهبی ما اعتراض می‌کنند. این نشانه‌ای از فکور بودن آنهاست. زمانی که ما عصبانی هستیم یا نوعی حالت دفاعی از خود نشان می‌دهیم، احساس ناراضی و ناراحتی خود را نسبت به عقاید مذهبی آنها ابراز می‌کنیم. از اعتراضات کودکان استقبال کنید. این‌طور تصور کنید که دلایل بسیار زیادی برای تردید در وجود خدا یا خیرخواهی او نسبت به بندگان

وجود دارد. بحثی را آغاز و به شکل منطقی و رضایت بخش دنبال کنید؛ نه یک انتقاد کوبنده را.

۵- به دنبال پاسخ‌های بهتر باشید. سؤالات مشکل، لزوماً پاسخ‌های مشکل طلب نمی‌کنند، مطمئناً برای این‌گونه سؤالات نیز جواب‌های ساده وجود دارد. سعی کنید به پاسخ‌های ساده‌تری که احتمالاً یک کودک ۶ ساله را می‌تواند راضی کند دست یابید. اما زمانی که کودک بزرگتر شده و ظرفیت بحث بیشتر را دارد، از پاسخ‌های از قبل پیش‌بینی شده استفاده نکنید، بلکه ابتدا سؤال و موضع او را درک و سپس جواب مناسب داده یا او را در یافتن پاسخ یاری دهید. در بسیاری از موارد به سؤالات دشوار خیلی زود می‌توان پاسخ داد، مثلاً در پاسخ به این سؤال که: «اگر خدا همه جا وجود دارد، پس آیا در جیب من هم هست؟» می‌توان تفاوت بین پدیده‌های فیزیکی و غیر فیزیکی را توضیح داد. مثلاً بگوییم باد را نمی‌توان دید، ولی فیزیکی است. یا عشق دیدنی نیست. از فرزند خود بپرسید «عشق در کجا قرار دارد؟» در پاسخ به او بگویید نمی‌توانیم آن را ببینیم، ولی آن را احساس می‌کنیم. خدا نیز این‌گونه است.

در دین یهود تنها یک شکل تفکر برای تصویر کردن خدا وجود ندارد. باور ما از لحاظ علم نظری به میزان ریشه فرهنگی و تاریخی قوی است. عارفانی که درباره خدا با تصورات بسیار واقعی سخن می‌گویند، از روش‌هایی صحبت می‌کنند که در آنها افراد بشر باید تردیدهایشان را نسبت به وجود خدا از بین ببرند، و کمک کنند تا خداوند بتواند جهان را اصلاح کند. «میدراش» با گفتن داستان، اشاره به خدایی می‌کند که با بنی اسرائیل، یا به سرزمین موعود می‌گذارد. در صحبت با کودکان حتی اشاره کنیم به این‌که خدا بسیار تنهاست.

فلاسفه به خدایی اعتقاد دارند که فراتر از درک و شناخت انسان است. خدایی که گفته می‌شود ما قابلیت درک ذات حقیقی او را نداریم. برخی از خدایی سخن می‌گویند که بسیار از ما دور است. برخی دیگر خدا را آنقدر نزدیک به انسان می‌دانند که اعتقاد دارند درون آنهاست. «میدراش» می‌گوید زمانی که خدا تورات را به قوم اسرائیل عطا کرد، مانند آینه‌ای بود که در آن هرکس می‌توانست انعکاس تصور خود را ببیند. از لحاظ علم نظری، خداوند با هر فردی به روش خاصی ارتباط دارد؛ خداوند به اشکال مختلف با حضرت ابراهیم، اسحاق، یعقوب و فرزندان‌شان روبرو شد. ما نیز به روش‌های غیر مستقیم و متنوعی با او روبرو هستیم. نظرات در مورد خداوند همیشه مختلف هستند؛ وظیفه ما بحث و جستجو، و اندیشیدن است.

هدف ما به عنوان والدین یا معلمان کودکان، فقط رسیدن به پاسخ‌ها نیست، بلکه رشد معنوی است. به خود اجازه دهیم راه‌های جستجوی معنوی به سوی ما باز باشند. یک بار دیگر، مانند همیشه، از طریق آموزش به کودکانمان، خود نیز آموزش ببینیم.

اینها برخی از تفکرات سنتی یهود درباره خدا است :

«و دوست بدار خدا خالقت را با تمام قلبت، با تمام جانت، و با همه ثروتت.» (تثنیه : دوازم - فصل ۶ - آیه ۵)

«مانند دهانت به گوشت، خدا نیز به تو نزدیک است.» (تلمود - رساله پراخوت - صفحه ۱۳ ب)

این روش یک پدر دلسوز و مادری مهربان است. در تورات مقدس آمده است: «من همچون پدر و مادرت نسبت به تو نزدیک هستم.» (سینتا دراو کهن - فصل ۱۹ - بند ۳)

«خداوند بر من ظاهر شد و گفت : با محبت بی‌کران تو را دوست دارم، پس رحمتم را بر تو عرضه خواهم کرد.» (برمیای نبی - فصل ۳۱ آیه ۳) ■



آیا این سال‌ها بهترین سال‌های زندگی شماست ؟

ترجمه : مرجان ابراهیمی

است ؟

شما از ۱۵ تا ۲۴ سالگی بهترین احساس فیزیکی و از ۴۰ تا ۴۸ سالگی بهترین احساس شغلی را دارا هستید و بدینی بین سنین ۳۰ تا ۳۹ سال به حداکثر خود می‌رسد.

خودکشی در میان متأهلین کمترین و در نزد کسانی که از همسر خود جدا شده‌اند بیشترین تعداد را دارد

روان‌شناسان دریافته‌اند که قبل از ۲۴ سالگی ما بر این عقیده هستیم که شادترین سال‌های زندگیمان پیش روی ماست و از سن ۳۰ سال به بالا ما بر این اعتقادیم که این زمان سپری شده است. بنابراین مطالعات سازمان ملی تندرستی، پس از سن ۳۰ سالگی آدمی واقع بین‌تر شده و شادی را هدف نهایی خود قرار نمی‌دهد. اگر سلامت باشیم به اهداف حرفه‌ای و احساسی خود دست می‌یابیم و در نتیجه خوشحال خواهیم بود. همچنین احساس فیزیکی جوانی شادی آفرین است و والدینی که به فرزندان جوان خود می‌گویند «این سال‌ها شادمان‌ترین سال‌های زندگیتان است، سنین بزرگسالی با مشکلات زیادی توأم است و تنها هنگامی که در سن ۴۰ سالگی به عقب بر می‌گردید پی می‌برید که همه سالهای شادی خود را سپری کرده اید، اشتباه نکرده‌اند.

♦ خلاق‌ترین زمان زندگی شما چه زمانی است ؟

عموماً بین ۳۰ تا ۳۹ سالگی، اما در مشاغل گوناگون این زمان متفاوت است. «موتسارت» در سن ۱۸ سالگی یک سمفونی و چهار آهنگ نوشت «مندلسون» بهترین اثر خود بنام «رویای شب در نیمه تابستان» را ۱۷ سالگی تصنیف کرد. اما نت‌های اکثر موسیقی‌های مشهور دنیا توسط مردانی بین سنین ۲۳ تا ۳۹ نوشته شده است. روان‌شناسان اوج خلاقیت را در رشته شیمی ۲۶ تا ۳۰ سالگی، در علوم ریاضی، فیزیک و الکترونیک ۳۰ تا ۳۴ سالگی، در سرانگین شعر ۲۴ تا ۲۹ سالگی و در علم نجوم ۴۰ تا ۴۳ سالگی را ذکر کرده‌اند.

هنگامی اوج سلامتی رو به زوال می‌رود که بدن از مرحله انابولسم (رشد سلول) به مرحله‌ای مخالف یعنی کاتابولسم (مرگ سلول) وارد می‌شود. سلول‌ها در دهه دوم زندگی زودتر از این‌که جایگزین شوند، می‌میرند و جری جای ماهیچه را می‌گیرد. بنابراین آمار موسسه ملی تندرستی، شروع ابتلای زنان به بیماری‌های دوران پیری مانند ورم مفاصل، روماتیسم و بیماری‌های قلبی در سن ۶۵ سالگی و در مردان در حدود ۶۰ سالگی است. زنان در این مرحله نیز سلامت‌ترند، از سوی دیگر طول عمر مردان ۶۸/۳ و برای زنان ۷۵/۹ سال است. فشار خون پایین در زنان مسن سبب طول عمر می‌شود.

هر سنی مزیت خاص خود را دارد. پس با اطمینان خاطر نشان می‌کنیم که حتی اگر شما بهترین دوره زندگیتان را گذرانده اید هنوز سالهای خوب دیگری نیز در انتظار شماست

♦ در چه سنی احتمال ابتلا به بیماری‌های روحی زیاد است ؟

از ۳۰ تا ۳۵ سالگی. بنابراین گزارش مؤسسه ملی سلامت روحی، بیش از نیمی از بیماران بستری در بیمارستان‌های روانی چه مرد و چه زن در این گروه سنی هستند (تعداد مردان ۲۰٪ از زنان بیشتر است). ظاهراً اگر بین سنین ۳۰ تا ۳۵ سالگی به بیماری عصبی مبتلا شویم بهتر و زودتر شفا می‌یابیم. تعداد بیماران بیمارستان روانی در سنین حدود ۴۰ سالگی کم است. اما هنوز روان‌پزشکان بر این عقیده‌اند که بین سنین ۴۰ تا ۵۵ سالگی بیشتر مردم در آستانه ابتلا به ضعف عصبی هستند، اما این موضوع در عمل کمتر اتفاق می‌افتد. خودکشی مقیاسی است برای مشکلات روانی که بین ۲۰ تا ۲۴ سالگی و مجدداً در حدود سن ۷۰ سالگی به حداکثر می‌رسد. خودکشی در میان متأهلین کمترین و در نزد کسانی که از همسر خود جدا شده‌اند بیشترین تعداد را دارد.

♦ شادترین سالهای عمر شما کدام

همه ما گه‌گاه از خود می‌پرسیم که بهترین زمان در زندگی، کدام سال بوده یا خواهد بود، پاسخ این سؤال بسیار متفاوت است زیرا هر کاری در زندگی زمان خاصی دارد.

با وجود اینکه زندگی با پستی و بلندهای پیش‌بینی‌ناپذیر روبه‌رو است، دانشمندان به الگوهای معین و تقریباً مشترک در بین همه مردم دست یافته‌اند. اینکه امروزه طول عمر نسل جدید ۲۰ سال بیش‌تر از اجداد قبلی می‌باشد و یا عمر زنان به صورت اسرارآمیزی ۷ سال بیشتر از مردان است، همه حاکی از آن است که بازی زندگی واقعاً با تحولات زیادی توأم است. همزمان با ارتقاء مهارت‌های بشری، وجود آدمی نیز به سرعت کامل‌تر و منطقی‌تر می‌شود. اما این تکامل همیشه مثبت تلقی نمی‌شود بلکه در هر سنی مزیت خاص خود را دارد. پس با اطمینان خاطر نشان می‌کنیم که حتی اگر شما بهترین دوره زندگیتان را گذرانده‌اید هنوز سال‌های خوب دیگری نیز در انتظار شماست.

♦ با هوش‌ترین سن در طول زندگی شما چه سنی است ؟

بنابر مطالعات موجود ضریب هوشی بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سالگی به حدی بالاست که آنرا سنین تیزهوشی می‌نامند اما با افزایش سن شما عاقل‌تر و با تجربه‌تر می‌شوید.

شما در دهه دوم زندگی تیزهوش‌تر نیز هستید. در حدود ۳۰ سالگی حافظه و مخصوصاً توانایی شما برای انجام محاسبات ریاضی رو به زوال می‌رود. اما ضریب هوشی شما برای سایر کارها بالا می‌رود. ذخیره لغت شما در سن ۴۵ سالگی سه برابر زمانی است که از دانشگاه فارغ التحصیل شده بودید و در ۶۰ سالگی اطلاعات مغزی شما تقریباً چهار برابر زمانی است که ۲۱ ساله بوده‌اید. روان‌شناسان رابطه بین دقت و خرد را برای بزرگسالان تحت عنوان ضریب بلوغ پیشنهاد می‌کنند.

♦ در چه سنی شما سالم‌تر هستید ؟

مردان از سنین ۱۵ تا ۲۵ سال و زنان از ۱۵ تا ۲۰ سال.

بنابر اظهارات پزشکان جراح، یک مرد در دهه قبل از ۲۵ سالگی در بهترین زمان تندرستی است. ماهیچه‌های آنان محکم است، در مقابل سرما و عفونت مقاومت و بدنشان بهتر پرورش می‌یابد.

پنج روش ابراز

هذالفت با دیگران

آلبرت شادپور



نشسته و جواب تند و تیزی نمی‌دهد و باید وانمود کند که به حرف‌های فرد مخالف کاملاً گوش می‌سپارد و برای وی اهمیت قائل است. همچنین شنونده باید از لغاتی که باعث ناراحتی و بوجود آمدن برخورد بین آنها می‌شود جدا پرهیز کند تا به روند روشن شدن موضوع کمک کرده و از صحبت‌های منفی و حرکات چشمی فیزیکی در مقابل شخص مخالف به طور کلی اجتناب نماید.

۳- قدرت و درک ذهنی همواره می‌تواند بر دو طرف شنونده و انتقاد کننده و برداشت شخصی طرفین اثر چشمگیری داشته باشد. همواره روی قدرت و درک ذهنی خود کار کنید تا در برخوردهای عقیدتی و اجتماعی خود حداقل مخالفت را داشته باشید.

۴- در مواقعی که مسئله‌ای گنگ و مبهم بروز می‌کند، با مخالفت‌های زیادی روبرو می‌شویم. حل مسایل از راه منطقی و اخلاقی آن یکی از اساسی‌ترین و مهمترین روش‌های جلوگیری از هرگونه مخالفت جدی است. همواره باید برای حل مسایل و مشکلات روزانه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و هرگونه مشکل موجود در جامعه آماده و کاملاً هوشیار باشیم.

۵- صحبت و تبادل نظر یکی از راه‌های بسیار مفید است. با صحبت‌های موثر و صلح آمیز و مفید همواره می‌توان مخالفت‌ها را به حداقل ممکن رساند.

در جامعه بشری امروز مخالفت با ایده‌ها و عقاید دیگران اجتناب ناپذیر است. اما برای آن که مخالفت با یک عقیده، تبدیل به دشمنی نگردد، روش‌هایی را می‌توان به کاربرد که چند مورد آنها در ادامه می‌آید:

۱- معمولاً همزمان با شروع ابراز مخالفت، مناسب بودن نحوه صحبت فراموشی سپرده می‌شود. به دنبال ناراحت و عصبی شدن شخص مخالف یا شنونده، ممکن است صحبت به کلمات غیر متعارف و غیر اخلاقی کشیده شود و در نهایت منجر به حالت تهاجمی و برخوردهای فیزیکی بین دو فرد گردد و در نتیجه مبدل به یک مخاصمه تمام عیار شود. بهترین و ساده‌ترین راه حل برای جلوگیری از بروز این مشکل، تصحیح نحوه ابراز مخالفت و یادگیری برخورد صحیح با دیگران است.

۲- گوش سپردن به نظرات مخالف، یکی از موارد بسیار مهم است. البته در همه مواقع، گوش دادن تنها راه نیست و در مواقعی شخص اجباراً گوشه‌ای

زبان خوش

باعث سلامت و ازدواج موفق می‌شود

الهام مؤدب

پژوهشگران می‌گویند: «روابط مثبت سیستم ایمنی را تقویت و با حفظ هورمون فشار روانی در سطح پایین، خطر بیماری قلبی را کاهش می‌دهد».

زبان خوش و احساسات مثبت باعث حفظ روابط حاکم خانوادگی در دراز مدت می‌شود.

بنابر پژوهش دکتر جنس گلیسر، زبان خوش بر میزان کورتیزل تازه عروس‌ها و دامادها تاثیر می‌گذارد. زنان نسبت به صحبت‌های منفی حساسند. کورتیزل هورمون فشار روانی است و با افزایش فشارهای روانی میزان آن در خون افزایش می‌یابد.

گلیسر، استاد و مدیر بهداشت روانی دانشگاه پزشکی اوهایو می‌گوید: «در زنانی که میزان کورتیزل تا دو و سه برابر افزایش یابد، احتمال طلاق در طی ۱۰ سال بیشتر است».

پژوهشگران بررسی‌ای را بر روی ۹۰ زوج بین ۲۰ تا ۳۷ سال که تازه ازدواج کرده بودند انجام دادند. از آنان سؤال شد که در هنگام بروز اختلافات معمولی چه برخوردی دارند و چه می‌گویند. پژوهشگران در هنگام صحبت‌های مثبت و منفی زوج‌ها میزان کورتیزل را در خون آنان اندازه‌گیری کردند. زوج‌ها در هنگام صحبت در مورد اختلافات از کلمات منفی و در هنگام شرح روابط خوب از کلمات مثبت استفاده می‌کردند. نوع کلمات مثبت و منفی بر میزان کورتیزل مردان و زنان

تاثیر داشت. اما میزان کورتیزل در زنان در هنگام واکنش به صحبت‌های منفی به شدت افزایش یافت.

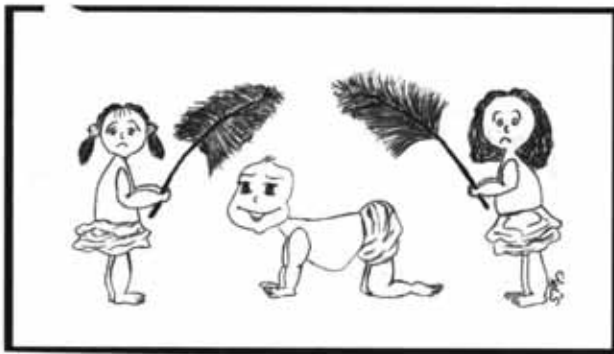
پژوهشگران ۱۰ سال بعد روابط زوج‌ها را بررسی کردند. در کسانی که در وسط مصاحبه اول میزان کورتیزل افزایش یافته بود، ۱۰ سال بعد تمایل به طلاق بیشتر بود. به این دلیل زنان را دماسنج خوبی برای سنجش کیفیت روابط می‌دانند.

خوشبختانه شما می‌توانید مشکلات را با بحث مثبت حل کنید. دکتر دیوید ودفلو، مدیر مرکز روابط درمانی در آتلانتا می‌گوید: «حتی اگر از دست همسران ناراحت و عصبانی هستید می‌توانید با روش‌های سازنده مشکلاتتان را حل کنید. هر دو شما با استفاده از مهارت‌های زیر، می‌توانید روابط مثبت و بهتری داشته باشید».

- به جای آن که اصرار کنید اکنون کاری را انجام دهید، موافقت کنید آن را به زمان دیگری موکول کنید.
- آهنگ صدایتان ملایم و آرام باشد مخصوص در ابتدای صحبت.
- هرگز به همسران بی‌احترامی نکنید و عدم علاقه خود را نشان ندهید.
- شخصیت همسران را تحقیر نکنید، بلکه از رفتار نادرست او گله کنید.
- در صورت لزوم ۲۰ دقیقه استراحت نمایید تا به آرامش برسید.

برای جلوگیری از بروز مشکلات و اختلافات، زوج‌ها باید بر اساس برنامه منظم با هم صحبت کنند. زوج‌هایی که معمولاً شاغل هستند و یا دو جا کار می‌کنند، می‌توانند با به کار بستن روشهای زیر با هم ارتباط داشته باشند:

- وقتی از سر کار برمی‌گردید، ۲۰ دقیقه با هم صحبت کنید.
- در صورت امکان بعد از ظهرها با هم به پیاده‌روی بروید.
- برنامه‌ریزی کنید تا ۲ ساعت در هفته بدون فرزندان با هم بیرون روید.
- پس از آن که فرزندان خوابیدند، با هم صحبت کنید.
- اعمال فوق را به صورت عادت در بیاورید.
- دکتر ودفلو می‌گوید: «هر یک از زوج‌ها که تازه ازدواج کرده‌اند برای انجام کارها روش خاص خود را دارند، حالا صبحانه و شام را باهم می‌خورید، بعد از ظهرها و تعطیلات با هم هستید. بنابراین برای ایجاد رابطه جدید به مسائل زیر توجه کنید:
- عادات فردی خود را برای همسران توضیح دهید.
- با افرادی که مورد علاقه‌تان هستند ارتباط برقرار کنید و دوستانی را که مورد علاقه‌تان نیستند کنار بگذارید.
- با افراد جدیدی که می‌توانند در زندگی‌تان مؤثر باشند، ارتباط برقرار کنید.



انسانیت

و نه جنسیت

(ما و حرف دل ما)

تنظیم: سارا حبی

طرح از: کتابون پونسی

خانواده‌ها برای مراسم بت‌میسوا (جشن بلوغ دختران) چندان ارزشی قائل نیستند. در حالی که مراسم برمیصوا را با شکوه بسیاری برپا می‌کنند. البته خانواده‌هایی هم هستند که آن چنان حقوق مساوی را برای دختر و پسرانشان قائل هستند که دختران آنها هرگز به دلیل سرخوردگی از جنسیت خود به سمت دوستی‌های نامناسب با جنس مخالف کشیده نمی‌شوند. یکی از پسرهای «گروه فرهنگ یهود» نفسی کشید و گفت: «مشکل دیگر که سد راه پیشرفت دختران است محدود کردن آنها در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است. این موضوع دختران را آسیب‌پذیرتر کرده و باعث شده به علت عدم امکان شرکت در چنین فعالیت‌هایی گاه بی‌تجربه و خام باقی بمانند.»

در طول بحث به موضوعات دیگری هم اشاره شد. مانند آزادی بیش از حد پسران که باعث عدم رشد و بلوغ کافی فکری، آنها می‌شود. محدود کردن دختران و خام و بی‌تجربه ماندن آنها و مجبور شدن آنها به ازدواج در سن پایین‌تر و ... یکی دیگر از نوجوانان گفت: «این باعث ناراحتی است که در عصری که جهان به سمت علم و پیشرفت به سرعت حرکت می‌کند و همه چیز به سمت تساوی حقوق زن و مرد در تحصیل، اندیشیدن و پژوهش و ... پیش می‌رود، جامعه کلیمی ایران که همواره از روشنفکرترین اقشار بوده‌اند پذیرای این تساوی نباشند» و در پایان بحث همگی به این باور رسیده بودیم که: وقتی مفاهیمی چون شرافت، انسانیت، صداقت، وفاداری، اندیشه، عقیده و ... وجود دارد جنسیت چه نقشی می‌تواند داشته باشد. این مهم است که ما انسان باشیم. یک انسان کامل. نه یک دختر یا پسر.»

بحث که تمام شد، اکثر دختران گروه مشغول جمع و جور کردن وسایل روی میز و مرتب کردن آنها بودند که یکی از پسرها گفت: «حالا هی بگویند دختر داشتن بد است و این پسرها هستند که دست خانواده‌شان را می‌گیرند!»

شکر.
- می‌گویم خوب شد نگذاشتی پسر آن دختره را بگیرد. او حتما دختر می‌زاید و ...

یکی از اعضای گروه دانش‌آموزان ضمن توصیف این چنین برخوردهایی گفت: «متأسفانه این طرز تفکر نادرست در جامعه کلیمی همچون جامعه اکثریت و حتی گاهی بیش از آن وجود دارد. شاید یکی از دلایل، تفکر این باشد که پسر می‌تواند نام خانوادگی را حفظ کند اما دختر نه. یکی از نوجوانان که اتفاقاً پسر هم بود گفت: «چرا ما باید این طور فکر کنیم؟ هر فرزند خوبی چه دختر، چه پسر می‌تواند نام خانوادگی‌اش را حفظ کند. مگر نبوده‌اند پسرهایی که با بدی نامشان را بر سر زبان‌ها انداخته‌اند و یا دخترانی که با استعداد و لیاقتشان موجب افتخار خانواده‌شان شده‌اند؟» نوجوان دیگری در حالی که از صحبت‌ها یادداشت برداری می‌کرد، رشته سخن را به دست گرفت و گفت: «متأسفانه دخترها به دلایل مختلف در جامعه محدودتر هستند و یکی از عواملی که می‌تواند موجب پیشرفت آنها شود تحصیلات است. اما بعضی از خانواده‌ها برای تحصیل دخترانشان هم چندان اهمیتی قائل نیستند. شاید آنها هم مانند خیلی افراد فکر می‌کنند وظایف دختر فقط ازدواج کردن و تربیت فرزند است. مگر نه اینکه مادر تحصیل کرده و فهمیده فرزندان بهتری به جامعه تحویل می‌دهد؟»

- آقا مشه قدم نورسیده مبارک.
- با اکراه: مرسی.
- حالا به سلامتی دختر است یا پسر؟
- با ناراحتی: دختر
- خوب ... حالا عیبی ندارد. ان‌شاء ... بعدی‌اش حتما پسر است.

یکی از دخترهای گروه دانش‌آموزان که از این تفاوت‌ها بیزار بود گفت: «متأسفانه این روزها حتی بعضی از روشنفکران جامعه، بعضاً افراد مذهبی و شناخته شده چنین عقایدی دارند. حتی برخی از مردم معتقدند که در مسائل دینی هم پسر بر دختر برتری دارد. در حالی که همه می‌دانیم خداوند تورا را به زنان سپرده است.» دوست دیگری گفت: «حتی برخی از

از خودش خجالت می‌کشید. آخه اون دختر بود. آره ... اون پسر نبود. آخه مادر بزرگ گفته بود زنی که پسر نداشته باشد پدیده است. آخه عمه خانم گفته بود مردی که زنش برایش پسر نزاید باید برود یک زن دیگر بگیرد تا پسر داشته باشد. آخه خاله خانم گفته بود دختر در دسر است و این پسر است که دست آدم را می‌گیرد. دخترک که این حرف‌ها را شنیده بود حق داشت از خودش بدش بیاید. حق داشت هر موقع که در جمع «گروه دانش‌آموزان» قرار می‌گرفت از پسرها تعریف کند. حق داشت از بلوغ و بزرگ شدن بدش بیاید. حق داشت بگوید پسرها که مشکلی ندارند. به همین خاطر بود که ما تصمیم گرفتیم در «گروه فرهنگ یهود و تمدن ایرانی» دور هم جمع شویم و درباره این موضوع صحبت کنیم: «تفاوت و تبعیض بین دختر و پسر».

بحث با این نظر شروع شد: «من فکر می‌کنم این طرز فکر که پسر بهتر از دختر است بیشتر در کشورهای شرقی وجود دارد. این تفکر هم به گذشته‌ها مربوط می‌شود. به زمانی که پسرها به دلیل نیروی بدنی‌شان می‌توانستند در کشاورزی و دیگر کارهای یدی کمک خرج خانواده باشند. به آن زمان که قدرت بدنی حرف اول را می‌زد. نه این دوره که تفکر و اندیشه حرف اول را می‌زند.» دوست دیگری در تایید صحبت‌های او گفت: «بله، همین طور است. در ضمن باید توجه داشته باشیم که دختر و پسر خواه ناخواه به دلیل تفاوت شرایط جنسی و فیزیکی با هم تفاوت‌هایی دارند. اما این نباید سبب شود که یک سری حقوق خاصی برای جنس مذکر وجود داشته باشد.

- الو، شمسی خانم، سلام، حال شما؟
مبارک باشد. پس بالاخره عروسان پسر زاید؟
- سلام. ممنون بلکه دیگر. خدا را هزار مرتبه

گزارش خبرنگار پر روی زبان دراز از نمایشگاه مطبوعات

سبا گرامی

واقعاً جالب بود. جالب تر و عجیب تر از این دیگر نمی شود. آخر مگر کسی باورش می شد که غرفه بینا در جایی به این خوبی باشد و استقبال از آن به این خوبی؟ بابا ماشالله تازه شکلات هایش خیلی خوشمزه بود. عجیب تر از همه هم این بود که بعضی ها می آمدند و می خواستند فرشی را که به دیوار غرفه زده بودیم بخرند تازه از همه این ها که بگذریم، سردبیر محترم، آن قیچی بزرگ سانسور را با خودش نیاورده بود. این یکی دیگر آخرش بود. حالا از جهت دیگر بگویم که سردبیر تصمیم داشت دو غرفه برای بینا بگیرد ولی نشد که نشد. وقتی در مذاکره ای از او علت دو غرفه نشدن بینا را پرسیدم، گفت: با اینکه یک غرفه داریم ولی غرفه از پشت دراز است. خویه والا. توی این دوره و نمونه هر کسی برای سوآلی که ازش می پرسند جواب دارد. آخر کسی نیست که بگوید

غرفه دراز به چه درد می خورد؟ غرفه باید میز و صندلی توش باشد تا آدم با خیال راحت بیاید بنشیند و گپ بزند. اما چون ما مظلومیم به همین قناعت می کنیم. ایراد دیگر این بود که میوه نداشت. هر چند تمام غرفه ها میوه نداشتند ولی غرفه بینا باید میوه داشته باشد! تازه جایی هم نداشت. مثل اینکه زیادی حرف بی ربط زدم. صدای قیچی داره میاد. می بینی ترو به خدا. حالا هم که یکی (بنده) پیدا شد تا حرف حساب بزند باید با قیچی طرف باشد. خب بس، بنده تا سرم کنده نشده است باید بزنم به چاک. همین جا می نویسم: امیدوارم مطلبم چاپ شود. البته با این همه زبون درازی فکر نکنم. آخه یکی نیست بگوید خبرنگار طعنه نویس این قدر هم پررو می شود؟! می شود؟! «خبرنگار طعنه نویس پرروی زبان دراز»

پژوهش های دینی دانش آموزان

سارا حی

در سال ۸۱-۸۰ در مجتمع اتفاق، با نظارت پروین دخت بنفشه نیان دبیر دینی مقطع دبیرستان تحقیق ها و پژوهش هایی با مضامین مذهبی تهیه شد. این تحقیق ها، شامل موضوعات ذیل بودند:

تلمود، فرهنگ یهود، حنوکا، سوکا، روش هشانا، عید پسخ، توحید، یسعیانی، شموئیل، ارمیاء نبی، هدف آفرینش تشووا و ... از جمله دانش آموزان برگزیده در تهیه پژوهش های مذهبی این افراد هستند:

اول دبیرستان

پریسا ابراهیم زاده
شادی الیاسی
مستانه امین
پریسا تراشندگان
نسیم تیشبی
پرستو چوخطر زاده
دبورا حکیمیان

شیرین خالپری

صنم کهن

دلارام کاهن

سبا گرامی

یاسمن سپارزاده

مونیکا شادی

مونا عرب زاده

نانی عیسی خاریان

نازیلا لاویان

پرندیس مناشری

المیرا مصری

رزا ملانود

نسیم نوبهارستان

رویاناخی موسی

سالومه یروشالمی

مرسده یروشالمی

دلارام یعقوب زاده

دوم دبیرستان

سارا اسماعیل زاده

حدیث بنیامینی

غزاله حنوکایی مطلق

سارا سلیمانی

آنا فرزام

آزاده کیوانی

بهناز کدخدازاده

دوریس گوهری

غزال عاقلیان

سحر صدیقیم

سپیده لاله زاری

سونیا میزراهی

مزال میخانلی

ملکا میخانلی

رامونا نوری تلیان

نازنین نوبهارستان

بهناز یوم طویان

مونیکا یعقوبیان

النا یشاریم

دانش آموزان ممتاز

ایوت سلیمانی
کلاس چهارم ابتدایی
دبستان مجد دانش
معدل ۲۰

کامران حبیب آشر
کلاس اول ابتدایی
دبستان شهید باهنر
معدل ۱۹/۹۴

قابین مصری
کلاس دوم ابتدایی
دبستان زینب کبری
معدل ۲۰



نوجوانانه



گام دوم

(صرف ششم)

که یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش این است که همه اعضای گروه نیکان هم به دروسشان توجه داشته باشند و هم به هنر (ماشالا... تو هم که چه قدر به هر دوشان توجه داری). این عسل خانم خیلی هنرمند است چون دسنتی هم در موسیقی دارد. بله، سه‌تار می‌زند، عسل خانم می‌گوید: «من خیلی ریم استعدادم را کشف کردم و همیشه سعی می‌کنم با تمرین زیاد آن را جبران کنم. شما هم سعی کنید. زمان را از دست ندهید که بعدا پشیمان می‌شوید.»

البته باید به عسل خانم گفت مگر ما بی‌فودی از صبح تا شب جلوی تلویزیون لم می‌دهیم؟ مگر بی‌فودی است که از صبح تا شب سر کوفه کل کوچیک بازی می‌کنیم؟

خوب ما هم می‌فواهیم استعدادمان خود به خود کشف شود. خانم یاسمن رهیمنان یکی دیگر از اعضای فعال گروه ما نیکان است. او صاحب امتیاز یک نشریه دانش‌آموزی به نام «زهره‌بین» است. به همین خاطر ما هم او را گذاشته‌ایم زیر زهره‌بین و از موفقیت‌هایش می‌گوییم. یاسمن خانم دانش‌آموز سال دوم دبیرستان است. (البته خدا می‌داند تا این شماره چاپ می‌شود ترم چندم دانشگاه باشد) او که در یک خانواده هنرمند زندگی می‌کند علاوه بر این که به کارهای هنری می‌پردازد از شاگردان ممتاز و نمونه دبیرستان حضرت زهرا است و امسال هم در المپاد ریاضی مقام کسب کرده است. او در سال‌های دوره راهنمایی، شرکتی فعال در مسابقات علمی منطقه ۶ داشته است (آه ... قوش به حال زهره‌بینی‌ها، ای کاش یاسمن خانم سردبیر نشریه بینا بودا)



چشم... چشم... قوما در شماره آینده از استعدادهای فوران یافته شما هم صحبت فواهیم کرد.

بله ... بله ... فورم هم خوب می‌دانم. بله خوب می‌دانم که کاسه صبرت لبریز شد و ریفت اما بینا چاپ نشد. می‌دانم حسایی سر کار مانده‌ای. خیالت راحت باش من هم سر کارم. می‌دانم می‌فواهی بگویی میرزا صالح شیرازی که اولین روزنامه را در ایران چاپ می‌کرد هم لااقل ماهی یک بار روزنامه‌اش منتشر می‌شد. بله ... می‌دانم دلت پر است. می‌دانم فوشال هم هستی. قتما تو هم با فواترین مطلب شماره پیش پیش یک صفحه و یک ستونی بینا به عضویت در گروه نیکان افتخار می‌کنی.

بله ... ماشالا... هزار ماشالا...! ماشالا... به این همه نفبه، بعد از چاپ همان مطب کام اول [که چه قدر هم قشنگ بودا] هزار تا نامه کوچیک و بزرگ به دستمان رسید. یکی گفته بود «شما اصلا عادل نیستید. تیم ما یک بار در کل کوچیک محل برنده شد ولی شما ما را معرفی نکردید». یکی دیگر گفته بود: «مسفوره‌ها مگر قبول شدن در چندتا



المپاد و مسابقه علمی هم چیز مهمی است؟ من فورم یک بار به عنوان شروترین دانش‌آموز مدرسه انتظاب شرم ولی شما اصلا به آن توجه نکردید». خلاصه با وفور این همه اعتراض و مخالفت گفتیم این شماره هم دو نفر دیگر از اعضای گروهمان را معرفی کنیم.

اولین عضو گروه، خانم عسل رهمانی است. دانش‌آموز سال سوم راهنمایی

مجمع اتفاق. عسل خانم یک نقاش به تمام معناست. وقتی باهاش صحبت می‌کنی آن قدر اصطلاح کرافیکی می‌داند که از فودت خیالت می‌کشی. (البته بِلانسیست شما!) عسل خانم از سه سال و نیم پیش به طور جدی نقاشی را شروع کرد و تا به حال تابلوهای با ارزش خلق کرده است. سبک عسل خانم رقال است. تازه این نفه عزیز ما از دانش‌آموزان بسیار ممتاز است تا آنجا

زندگی از پشت عینک فوش‌بینی، نوجوانی...!!

نوشته: مونا عرب‌زاده



ساعت‌ها در تنهایی به فکر فرو می‌روم، به خودم و به اطرافیانم می‌اندیشم، اما این بار دقیق‌تر از همیشه... به سوالاتی که مدت‌ها است ذهن مرا به خود مشغول کرده است می‌اندیشم. پاسخ آن را در اطراف خود جستجو می‌کنم. زندگی واقعا چیست؟ آیا انعکاس آن را در شادی لحظه به دنیا آمدن یک نوزاد و طلوع خورشید باید دید و یا در لحظه از دست دادن یک دوست و غروب خورشید؟ آیا روح زندگی همان لحظه‌ای به اوج می‌رسد که دو دوست بعد از سال‌ها همدیگر را در آغوش می‌کشند و یا لحظه‌ای که کودکی با محبتی لبریز شده به سوی آغوش مادرش می‌دود؟

لحظه‌ای که نوجوانان با سیدی سرشار از گل سرخ که بازتاب روح پرشور اوست، نهایت تلاش خود را برای خوشحال کردن پدرش می‌کند و یا پدری که با بوسه‌ای گرم، محبت فرزندش را پاسخ می‌گوید؟ آیا عشق را لحظه‌ای باید دید که بنده‌ای با خدای خودش راز و نیاز می‌کند، یا لحظه‌ای که میان دو نفر پیوند دوستی برقرار می‌شود و روح آن‌ها چون کیبوتری سبکیال با هم به پرواز درمی‌آید؟

چشمانم را می‌بندم همه این لحظات و انبوهی از لحظات دیگر را به یاد می‌آورم. یادآوری آن‌ها قلبم را از محبت به درد می‌آورد و از شوری بی‌سابقه لبریز می‌سازد. پاسخ سوالم را با تمام وجود حس می‌کنم. دیگر دینم مفهوم سابق را ندارد. اکنون چشم قلبم است که به اطرافم نگاه می‌کند و سایه‌ای از لیخند که به چشمانم نشسته است. و به محبت همه پاسخ می‌گوید. آیا زندگی واقعا همین نیست؟!؟



بچه‌ها سلام

שלום ילדים

دوست عزیز

داستان این شماره پش کورگان را از کتاب «داستان‌های تلمود» که آنزلا کاهن برایمان ارسال کرده انتحاب کرده‌ایم. در ضمن آن را اندکی نیز تغییر داده‌ایم. امیدواریم از آن لذت ببری. از آنزلا شام هم متشکر هستیم.

غریب در مانده

بت پرستان با کشتی در دریا سفر می‌کردند و کودکی یهودی در میان مسافران آن کشتی بود. ناگهان طوفان عظیمی برخاست و بت پرستان هر یک بت خود را برداشتند و به آن دعا کردند تا شاید از غرق شدن نجات پیدا کنند، اما این کار فایده‌ای نداشت. آنها وقتی که فهمیدند دعایشان بی‌نتیجه است به آن کودک یهودی گفتند: «فرزند برخیز و به درگاه خدایت دعا کن، شاید ما را نجات دهد، چون شنیده‌ایم که هرگاه به درگاه او پناه ببری، به شما پاسخ خواهد داد و او قادر و تواناست». کودک بلافاصله به تفیلا (نماز) ایستاد و از صمیم قلب از خداوند تقاضای نجات کرد. خداوند دعای او را اجابت کرد و دریا آرام شد. هنگامی که به خشکی رسیدند، همگی از کشتی پیاده شدند تا آنچه نیاز داشتند تهیه کنند. آنها از کودک یهودی پرسیدند: «آیا تو قصد خرید نداری؟» او جواب داد: «از من غریب و درمانده چه توقعی دارید؟» آنها گفتند: «تو خودت را غریب و درمانده می‌دانی؟ غریب و درمانده ما هستیم که اینجا ایستاده‌ایم اما خدایان (بت‌های) ما در سرزمین بابل هستند. هر کدام از ما در جایی خدایی داریم، اما هیچ کدام از آنها هیچ فایده‌ای ندارند و کاری از آنها ساخته نیست. در صورتی که تو به هر کجا که بروی خداوند نیز همراه تو است». آن موقع کودک دریافت که ایمان و تفیلا (دعا) چه قدر با ارزش هستند.

این شعر قشنگ را هدی شلمو به معلم زمشکلیش می‌نماید. قائم اعظم آقی‌بابا و تمامی دبیران عزیز تقدیم کرده است.

معلم

نبینی آن معلم را که با رنج
بسازد در دل ویرانه‌ها گنج
بود از یاد ایام جوانی
کند مصرف شباب زندگانی
نه از باران بپرهیزد و نه از باد
نه از شوهر، نه از کودک کند یاد
به آن امید او جان می‌فشاند
که شاگردش سخن در جان بماند



این شماره یک دوست دیگری هم به جمع ما پیوسته. کامیار اقبالی، کلاس اول ابتدایی، مطلب زیر را که در مورد سفره هفت سین و عید است برایمان ارسال کرده که از او متشکر هستیم.



ما هر سال سفره هفت سین می‌چینیم و چیزهای جالبی در آن می‌گذاریم. مثل سمنو، سیب، سکه، سرکه، سبزه و ماهی قرمز در تنگ بلور و نقل و شیرینی و کتاب مقدس (تورات) در بالای سفره. ما موقع تحویل سال در خانه مادر بزرگ بودیم و او برای ما غذای لذیذی تهیه کرد که همگی خوردیم. آن شب به ما خیلی خوش گذشت.

این لطیفه را افرا یعقوبیان برایمان ارسال کرده. افرا قائم تازه‌گی به جمع دوستان این بخش پیوسته است. ضمن تشکر از لطیفه‌اش منتظر دیگر نوشته‌های او هستیم.
روزی یک مرد چینی، یک مرد ژاپنی و یک مرد آمریکایی به هتلی می‌روند و به هتل‌دار می‌گویند: اتاق حالی دارید؟ می‌گویند: سه اتاق داریم که یکی از آنها روی تخت‌خوابش میخ دارد و یکی از اتاق‌ها سوزن دارد و دیگری سوسک. آنها قبول می‌کنند که شب را آنجا بخوابند، صبح که بیدار می‌شوند آقای ژاپنی و چینی می‌گویند: ما شب نخوابیدیم. آقای آمریکایی می‌گوید: ولی من خوب خوابیدم. چون یکی از سوسک‌ها را کشتم و بقیه به تشییع جنازه او رفتند.

این شماره یک داستان قشنگ هم از سارا سنلیان داریم. سارا قائم که ۱۲ سال دارد، داستان‌های قشنگی می‌نویسد. راستی تو اگر می‌خواستی برای این داستان عنوان انتخاب کنی، چه اسمی را پیشنهاد می‌کردی؟

سعید در کلاس پنجم دبستان تحصیل می‌کرد. پدر سالخورده و مادر سعید هر دو کار می‌کردند. آنها برای فراهم کردن لوازم زندگی ناچار بودند شب‌ها تا دیروقت کار کنند. سعید شش خواهر و برادر داشت و خودش بچه بزرگتر بود و می‌بایست از خواهر و برادرهای کوچکش نگهداری کند.

او درس خواندن را خیلی دوست می‌داشت و از این که پدر و مادرش سخت کار می‌کردند ناراحت و اندوهگین بود. سعید دوست داشت کار کند تا کمک خرج پدر و مادرش باشد. او این موضوع را با پدرش در میان گذاشت و پدرش که چاره‌ای جز این نداشت تقاضای سعید را قبول کرد. سعید در یک دکه روزنامه فروشی مشغول به کار شد. او شب‌ها تا دیر وقت بیدار می‌ماند و درس می‌خواند. سعید صبح‌ها خسته از خواب برمی‌خاست و شب‌ها با زحمت درس می‌خواند گاهی شب‌ها در هنگام مطالعه چشمش سیاهی می‌رفت و چرت می‌زد ولی به خود فشار می‌آورد تا خوابش نبرد. او صبح‌ها که به مدرسه می‌رفت خوب به گفته‌های معلم گوش می‌کرد و از سخنان او نهایت استفاده را می‌کرد. زندگی سخت و ملال آوری داشت اما با این حال از هیچ چیز گله نداشت. و هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواست. او هر سال در مدرسه رتبه اول را کسب می‌کرد و شاگرد زرنگ مدرسه بود. او با سعی و پشتکاری که داشت موفق شد به دانشگاه راه پیدا کند و با کار کردن خانواده خود را از فقر نجات داد. به او یک شیمیدان دانا شد و به این ترتیب به آرزوی خود رسید.



عبری بیاموزیم (بخش ۱۷)

مکום טוב לא שתי
... مکانی خوب برای همسرم ...

אֲדוֹנִי הַקָּפְאִי! תֵּן לִי בֵּרִטִּים לְאַשְׁתִּי!

آقای بلیطفروش! به من بلیط برای همسرم بده.

אַשְׁתִּי אָמְרָה שֶׁהִיא צְרִיכָה מְקוֹם טוֹב. לֹא רֹאשׁוֹן וְגַם לֹא אַחֲרוֹן...

همسرم گفت جای خوبی (در اتوبوس) می‌خواهد. نه اول و نه در آخر ...

הִיא אֹמֶרֶת שֶׁהִיא אוֹהֶבֶת תְּמִיד בְּאִמְצָע לְשַׁבָּת.

او می‌گوید که دوست دارد همیشه در وسط بنشیند.

לֹא, לֹא בְּאִמְצָע, רַק קֶצֶת מִן הַצֵּד, כִּךְ מְשֻׁמָּל וְקֶצֶת מִיָּמִין... אֵתָה מִבִּין?!

البته نه (کاملاً) در وسط، فقط کمی دور از (صندلی) کناری، این‌طور: کمی از چپ و کمی از راست، می‌فهمی؟

מְקוֹם שֵׁשׁ בּוֹ אֲוִיר וְשָׁאִין בּוֹ רוּחַ. מְקוֹם עַל-יַד חֲלוֹן, חֲלוֹן לֹא סָגוּר,

جایی که در آن هوا باشد، و باد در آن نوزد. جایی کنار پنجره، پنجره‌ای که بسته نباشد،

רַק חֲלוֹן פֶּתוּחַ. גַּם וִילוֹן צְרִיךְ עַל הַחֲלוֹן...

فقط پنجره باز، همچنین لازم است پنجره، پرده هم داشته باشد.

מְקוֹם שֶׁהַנוֹסֵעַ הַשָּׂכֵן אֵינּוּ יֹשֵׁן וְאֵינּוּ מַעֲשֵׂן וְאֵינּוּ מְבִיט כָּל רִגַע בְּעֵתוֹן אוֹ בִּשְׁעוֹן.

جایی که مسافر مجاور آن نخوابد و سیگار نکشد و هر لحظه (هم) در روزنامه یا به ساعت خیره نشود.

וְעוֹד אֲשֶׁתִּי אָמְרָה לִי, שֶׁהִיא צְרִיכָה נְהָג טוֹב. נְהָג לֹא זָקֵן וְלֹא צָעִיר,

همسرم همچنین به من گفت که او می‌خواهد (اتوبوس) راننده خوبی هم داشته باشد. راننده‌ای که نه پیر و نه جوان باشد.

שִׂוִּיעַ וּמַכִּיר כָּל מְקוֹם, כָּל עִיר.

که همه جا را به خوبی بداند و تمام شهر را بشناسد.

הַגְּבֵרֶת וְהָאֲדוֹן רָצוּ מְהֵרָה מִן הַקָּפָה אֶל הַמְּכוֹנִית,

آن زن و مرد سریع از باجه به طرف اتوبوس دویدند،

אֲבָל הַמְּכוֹנִית כָּבֹר יֵצְאָה מִן הַתַּחְנָה וְנִסְעָה. אֲמַרְתִּי לָךְ, בֹּא מְהֵרָ! - אָמְרָה הַגְּבֵרֶת,

اما اتوبوس قبلاً از ایستگاه خارج شده و رفته بود. آن زن گفت: من به تو گفتم که سریعتر بیا،

וְאֵתָה עוֹמֵד כָּל הַזְּמַן עַל יַד הַקָּפָה וּמַדְבֵּר בְּלִי סוֹף עִם הַקָּפְאִי!

و تو تمام این مدت کنار باجه ایستاده بودی و بدون پایان با متصدی باجه صحبت می‌کردی!

נְטִיּוֹת - פִּעֵל, עֵבֶר: صرف فعل در باب פִּעַל, زمان گذشته

او (مرد)	הוא	او (زن)	היא	من	אני	تو (مرد)	אתה	تو (زن)	את
סגר	בست	סגרה	סגרת	סגרתי	סגרתי	סגרתי	סגרתי	סגרתי	סגרתי
xxX	xxX	xxX	xxX	xxX	xxX	xxX	xxX	xxX	xxX
אמר	گفت	אמרה	אמרת	אמרתי	אמרתי	אמרתי	אמרתי	אמרתי	אמרתי
אכל	خورد	אכלה	אכלת	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי	אכלתי
פתח	باز کرد	פתחה	פתחת	פתחתי	פתחתי	פתחתי	פתחת	פתחת	פתחת
גמר	تمام کرد	גמרה	גמרת	גמרתי	גמרתי	גמרתי	גמרתי	גמרתי	גמרתי

• کلمات جدید:

מְקוֹם	מָקוּם	אָויר	אוیر	רֶגֶע	رِغْ	מִכִּיר	مکیر
مکان - جا	هوا	لحظه	می شناسد	مکان - جا	هوا	لحظه	می شناسد
צֶדֶק	צֶדֶק	רֹנֶחַ	رونخ	סֶגֶר	ساگر	מִבִּיט	مبیط
کنار	باد	بست	نگاه می کند	کنار	باد	بست	نگاه می کند
שָׁמַאל	שָׁמֹול	שָׁמֶשׁ	شمش	פָּתַח	پاتخ	רָע	رَع
چپ	آفتاب	باز کرد	بد	چپ	آفتاب	باز کرد	بد
יָמִין	יָמִין	אֹר	اور	יָשָׁן	ياشين	קִצָּת	قِصَات
راست	نور	خوابید	کمی	راست	نور	خوابید	کمی
חֲלוֹן	חֲלוֹן	שָׁכָן	شاخین	מַעֲשֵׂן	معشین	כָּבֵר	کوار
پنجره	همسایه ، همنشین	دود می کند، سیکار می کشد	قبلا	پنجره	همسایه ، همنشین	دود می کند، سیکار می کشد	قبلا
וִילוֹן	וִילוֹן	נָהָג	ناهاگ	מְבַקֵּשׁ	موقش	خواهش می کند	
پرده	راننده	خواهش می کند		پرده	راننده	خواهش می کند	

تمرین: לְהַטּוֹת:

افعال زیر را به شکل مذکور

صرف کنید:

כָּתַב نوشت

לָמַד آموخت

קָרָא خواند

יָדַע دانست

יָשַׁב نشست

אָהַב دوست داشت

داستانی فیلم عنوان کرده است . این پوستر که توسط «الیورو توسکانی» از طراحان مشهور تبلیغات مد، تهیه شده و طرح ادغام شده‌ای از صلیب مسیحیت و صلیب شکسته نازی‌ها را نشان می‌دهد، از طرف رهبران یهودی و مسیحی فرانسه مورد انتقاد قرار گرفته است . گروهی از مسیحیان با نام «آگریف» (ائتلاف عمومی علیه نژادپرستی برای اعتلای فرانسه) به اتهام این که پوستر «بیانیه‌ای علیه مسیحیت» است، از دادگاه توقیف آن را درخواست کرده بودند. «ژان پیریکارده» رئیس اسقف‌های فرانسه با ارسال بیانیه‌ای گفت: «تلفیق صلیب با صلیب شکسته نازی‌ها توصیفی ناعادلانه و مقایسه‌ای ناروا بین نماد ایمان مسیحیت و بربرسم نازی‌ها را نشان می‌دهد» .

وی در بخش دیگری از بیانیه خود آورده است، «تخریب مفهوم نمادی که نشانگر ایمان مردان و زنان بسیاری است، بی‌احترامی روشن و غیرقابل قبول است». این پوستر بیانگر مضمون فیلم سکوت واتیکان در زمان قتل عام‌هایی است که توسط نازی‌ها انجام می‌شد و کلیسا را به دلیل سکوت خود، متهم به مرگ میلیون‌ها یهودی در دوران اقتدار نازی‌ها کرده است. بر همین اساس دادگاه فرانسه حکم کرد: «پوستر در کامل‌ترین شکل خود با آن چه نمایان می‌سازد و تفکر مسیحیت معاصر فرانسه همخوانی دارد». آن چه مورد استناد دادگاه قرار گرفت اعلامیه سال ۱۹۹۷ کلیسای کاتولیک فرانسه بود که در آن به سکوت کلیسا در زمان جنگ جهانی دوم به عنوان به اشتباه اعتراف شده است. این فیلم انگلیسی زبان محصول فرانسه، که توسط کارگردان یونانی الاصل، «کنتستانتین گوستاگوراس» در فرانسه به اکران در آمده است. داستان این فیلم براساس داستان زندگی یکی از افسران اس‌اس است که تلاش می‌کند تا توجه کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها را برای محکومیت قتل عام‌های نازی‌ها جلب کند. (بنیان - ۸۰/۱۲/۶ و ۸۰/۱۱/۲۹)

اعطای جایزه بین‌المللی علم و دین

جایزه بین‌المللی تمپلتون در سال ۲۰۰۲، به پروفسور جان پل کینگ هورن (John Polkinghorne) که یک کشیش کلیسای انگلیکان می‌باشد، اهدا شد. این کشیش، جایزه فوق را به علت تلفیق نظریات خلقت جهان و مفاهیم فیزیک کوآنتوم دریافت کرد.

کینگ هورن که سال‌ها استاد فیزیک دانشگاه کمبریج بوده است، در سال ۱۹۷۹ از این دانشگاه استعفا داد و به عنوان یک کشیش، به تحقیق و بررسی درباره ذات خداوند و خلقت جهان پرداخت. وی تاکنون مقالات و کتاب‌های بسیاری را درباره چگونگی خلقت جهان و ذات خداوند با تکیه بر مفاهیم علمی منتشر کرده است .

کینگ هورن در مراسم دریافت جایزه گفت: «این احساسی فوق‌العاده است که علم به عنوان یک تجربه دینی به کار گرفته شود» . رئیس دانشکده الهیات دانشگاه هاروارد با تجلیل از این کشیش، از وی به عنوان آغازکننده شیوه‌ای نوین در فهم متون کلامی و الهیات دین نام برد و تلاش‌های او را بی‌نظیر خواند و اعلام کرد که او با تلفیق مفاهیم فیزیک و بنیادهای دینی ، همه ما را دچار شوک و هیجان کرده است.

پروفسور کینگ هورن، جایزه یک میلیون دلاری خود را به گسترش تحقیقات در زمینه تلفیق فیزیک و الهیات اختصاص داده است. (بولتن اخبار دین - اردیبهشت ۸۱)

دادگاه فرانسه

درخواست توقیف فیلم آمین را رد کرد

دادگاهی در فرانسه درخواست مسیحیان کاتولیک را برای توقیف پوستر فیلم «آمین» رد کرد .

این دادگاه دلیل این درخواست را همخوانی طرح پوستر با خط

جدول

۵- کم و اندک - دورین

برگترین آفات گندم - متر مکعب.

۱۵- کفش چوبی - کاپیتان کشتی - پایین لباس.

زمستانی

آقای خانه. ۸- شما و بنده!- دیکته- از رودهای اروپایی- چیزی که

بهاران - مثل و مانند ۱۴ - پروانه - جوانمرد نیست - باغ بهشت ۱۵ - یگانه - بخشنده و نجیب - پادشاهی ستمگر.

12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
ا	ی	ک	ا	ن	و	ث	ث	ر	ر	و	م
م	ر	ث	ر	و	ث	س	س	ا	ر	ث	ی
ث	م	ا	ی	ک	ا	م	ا	ی	م	ا	ر
ا	ی	ن	س	ا	ک	ا	ک	ا	ن	ا	ی
ی	ن	س	س	ا	ر	ا	ر	ا	م	ا	ر
ا	ی	ک	ا	ن	و	ث	ث	ر	ر	و	م
م	ر	ث	ر	و	ث	س	س	ا	ر	ث	ی
ث	م	ا	ی	ک	ا	م	ا	ی	م	ا	ر
ا	ی	ن	س	ا	ک	ا	ک	ا	ن	ا	ی
ی	ن	س	س	ا	ر	ا	ر	ا	م	ا	ر
ا	ی	ک	ا	ن	و	ث	ث	ر	ر	و	م
م	ر	ث	ر	و	ث	س	س	ا	ر	ث	ی
ث	م	ا	ی	ک	ا	م	ا	ی	م	ا	ر
ا	ی	ن	س	ا	ک	ا	ک	ا	ن	ا	ی
ی	ن	س	س	ا	ر	ا	ر	ا	م	ا	ر
ا	ی	ک	ا	ن	و	ث	ث	ر	ر	و	م
م	ر	ث	ر	و	ث	س	س	ا	ر	ث	ی

تقاضای اشتراک نشریه افق پینا

هر گونه تاخیر در ارسال مجله را با تلفن ۶۷۰۲۵۵۶ اطلاع دهید.

in God's sacred land? With God's help, the dark clouds of violence will run away and we will sing the Prophet Solayman's song that *"Worship God happily and flow God's name anywhere, since he is the God of Justice and the God of peace"*.

Following this conference, **Rabbi Yousef Hamedani Cohen**, Chief rabbi of Iran, said the prayers for creating peace and security in the world and asked God for the Leader and the State Officials, in the presence of Hojjatol-Eslam Karoubi, in front of the Old Testament. At the end of the conference, the participants released a resolution, as it follows:

Resolution of The Iranian Jews' Conference Sunday, 21 April - Yousef-Abad Synagogue - Tehran

We, as the Iranian Jews, who have gathered in this Synagogue, emphasizing on our own religious beliefs and respecting to God's order transferred to us through Prophet Moses, and we are bound to our country's interests, Iran and belief in The Islamic Republic Government, announce the following cases:

- 1- We express our hate of the Zionists soldiers in killing innocent women, men and children in the Palestinian Camp Janine and other Palestinian areas.
- 2- We condemn the culture of violence and hate propagated by Sharon and his friends.
- 3- We feel very well the worries of Moslem, Jewish and Christian women, men and children who have missed their dears. We, stating sympathy with these families, declare our disgust from racism, and want the killing of people to be stopped.
- 4- The observance of Palestinians' rights and respect to the Moslems', Christians' and Jews' sacred places are the first condition for any agreement and ending the disputes.
- 5- We ask the Jews of the world to take actions for defending the monotheist, religious and human values and force the Israeli soldiers to observe the bilateral agreements and the UN resolutions.
- 6- We thank the Islamic Republic Officials as well as the Chairman of The Islamic Consultative Assembly, Mr. Mehdi Karoubi who took part in this conference and have accompanied Iranian Jewish Society in this way.

Editorial

Dialogue among Religions: Better days ahead!

By: Harun Yashayaei

Sunday June 30, 2002 marked the Meeting for the dialogue of religions as held at the Institute for dialogue of religions by the Moslem and Jewish scholars was prevailing a very sincere atmosphere free of any fanaticism and prejudice.

The prevailing atmosphere of the one-day Meeting indicated emphatically an explicit exchange of views delivered by the participants and no one was asserting views to encourage the other party. The speakers persisted in the subject that it would be significant for all of us to tolerate each other. The communalities of both Moslems and Jews are as much plenty that they are able to bear each other and in the present chaotic World we will be able to accept such a principle to make dialogue with no expectation of each other to accept the other party's beliefs.

Exchange of views and dialogue, will make the thought of the participants more prideful and fruitful, eliminate much of misunderstandings and pre-judgment with promotion of knowledge and reconnaissance of the party to the dialogue and create and environment for a good trust.

The dialogue among religions in the Islamic Republic of Iran is being held in the conditions that political conflicts in different parts, here and there, of the World are more and more diverted into religious form; the imperialistic horns have made the catastrophe of 11th September in New York a pretext for fighting against Moslems. A devastating war between the Palestinians and Israel and the Israeli Army crushing acts in Palestine following the 1967 Mid East war has instigated a fight against Judaism in both the Islamic states and the Western World.

"Yosi Halevi", senior correspondent of the Israeli daily "Jerusalem Report", and the author of the book titled "At the outset of entering the Eden" in his article published on July 17, 2002 in the Los Angeles Times daily says as :

"We have to verily avoid the involvement in hysteria and self-conceitness, but it would be credulity to negate a wave train of hatred of the Jews increased. Hostility against Judaism and violation against the Jews have woven into a knot of ideology attacks against Zionism and Israel. Such attacks on the side of the extremist people, opponents of globalization and the Neonazists denying the Jewish massacre (the Jewish genocide at the Nazis of Hitler) are being made. Such a surprising coalition has put beside each other both the right and left wing entities. Hatred of Israel is presently penetrating the respected institutions such as universities. In effect, all violations against the Jews is in our time rooted from a hatred of Zionism called whatsoever by every body."

"Yosi Halevi", says in other statements as : "Next week in Karachi-Pakistan the convicts of killing " Daniel Pearl" a Jewish correspondent of " The Wall Street Journal" were tried, this time again such an incidence is an example of self-deceit ness prevailing. Just before he vanished, Daniel Pearl was forced in front of video camera to declare " I am a Jew, my mother is also a Jew". But the majority of Western media made their news coverage with emphasis on being an American of Daniel Pearl, as if his entity as a Jew has no relation to a rude behavior and his death".

The purpose of quoting some parts of the article of Yosi Halevi is to clarify how significant it is the principle of dialogue of religions in the Islamic Republic of Iran system as if it looks a great historic event, of course, a long time of living of Jews in Iran does justify such a significant phenomenon and a long understanding of living jointly of Moslems with other religions in Iran is an apparent manifestation of rich and trustful culture of the Iranian nation.

The Iranian Jewish Society having appreciated those individuals observing the principle of dialogue among civilizations especially of the Designer of such a dialogue of civilizations and religions His Excellency Seyyed Mohammad Khatimi, the President of the Islamic Republic of Iran. We hope that such a principle that is the Dialogue of Civilizations and Religions become worldwide and human beings seek the mode of exchange of views, understanding and patience so as to solve its problems. ■

The Iran Association of the Jews, gathering at Synagogue in Tehran Yousef Abad, held a conference for establishing Peace and Security in Palestine and studied the role of the Jews in reaching to these Ideals. The participants focusing on the slogan "The key for peace is the observance of the rights of the Palestinian people" expressed their viewpoints about this subject. Hojjatol-Eslam Karoubi, The Chairman of the Parliament, associating with some representatives of the Consultative Assembly and other State Officials among the eager and enthusiastic presence of the Jewish Association, took part and spoke in this conference.

Hojjatol-Eslam Mehdi Karoubi, the speaker of The Islamic Consultative Assembly, in his speech in this conference, pointing out his old friendship with Harun Yashayaei, the head of Tehran Jewish Committee, thanked his efforts and Iran's Jewish Society cooperation in the Revolution and their outstanding helps to the Imposed War. He further emphasized on this statement by Imam Khomeini; "We do separate the Iran Jews from Zionists" and added: "The religious minorities have always been dear and valuable for us. Our glance at the Jewish compatriots is not what we have at the Zionists, and according to Imam's sentence "we do separate the Iran Jews from the Zionists". But unfortunately, the Zionists have destroyed the oppression and respect of other Jews through their radical performance. He finally added; "War and blood shed does not reach anywhere and it does not have any consequence except increasing of animosity and vengeance". He wished at least the resolutions of the UN might be handled and followed by peace and understanding dialogues. All people in that zone must have a peaceful and friendly life.

Morris Motamed the representative of the Jewish Iranians in the Islamic Council, another speaker of this conference, in a part of his speech said: "The variety of religions and tribes has been accepted to the best way in Iran. 2700 years of co-existence of the Jews and Iranians, while the immigration of the Jews used to be done very easily and normally, confirms this claim. Motamed emphasized; "The acceptance of various tribes and religions and establishing a favorite atmosphere for them is a national glory for Iran's nation. While many civilized countries kill races and do violence against the minorities and religions, Iran has always been a secure and peaceful place for the Jews. We, the Jews, while we are proud of being Iranian, deeply believe in our own culture from which "Love your fellow creature as you love yourself" is one of the most remarkable ones.

He mentioned the Jews' actions in condemning Zionists crimes and said; "Iran's Jewish Society in a statement presented to the UN Secretary General, expressed their regret and hate over the usage of nonhuman procedures and applying violence and asked for UN forces to interfere and prevent the killing of innocent people and establishing peace and security in the area as soon as possible. We also gathered in front of the UN and released a statement, complaining severely on Zionists performance."

Harun Yashayaei, the Chairman of Tehran Jewish Committee, further in his speech expressed his regret over Zionists destroying Palestinians' lives. He added: "Destroying the farms, collapsing the houses of Palestinians in Janin Camp, and thousands of other subjects all shows the cancellation of bilateral

agreements between Zionists and Palestinians and all these crimes are done under the name of Judaism and defending the Jews. The Zionists- as they claim-do these aggressions for the sake of establishing peace in Israel and in response to the events that cause the slaughter of the Jews. Who has made this false belief come true? How has the language of violence and war distributed among the Jews and Moslems? If today Sharon and his friends have shot down their eyes and shoot their weapons savagely, this is not a new thing, since his friends like Begin and Zainonisky have done such savage actions.

Deir-Yasin and Kafar-Ghasem villages, Akaw and Jerusalem Streets' cobblestones, Sabra and Shatila camps, the slaughter of the prayers in Al-Khalil Mosque in Habroun city and running events like Janin and Ramolla'h, they are all live witnesses that makes it impossible for the criminal Zionists to escape from reality.

The Head of the Tehran Jewish Committee, regarding the past records of the Jews in facing the events throughout the history, they have passed a long way full of crisis. We have been living among people that kill each other for no reason for many centuries, but we have not killed anybody yet. Our men changed their anger with daily praying in Synagogue and our women poured their gentle tears on the feet of the sacred candles of Shabbat. The monotheist and gentle culture of the Judaism recognizes its durability through moderateness and tolerance, but the political Zionists have stepped on the Jewish moral, mystical and monotheist existence by their army boots during the past century.

The Fascist culture brought by the immigrants from Europe since the end of 19th and 20th centuries to the Palestine ruled over the whole area. Though the Zionists sought the blood money of the slaughter of the Hitler Nazis in Aschoits, Dakhao, and Poukhnovalo, from the deprived Palestinians. This movement led to a situation that anybody was thirsty to the other's blood and so the plan of the world dictators as well as those who were aware of the big resources in the area and they were supposed to plunder these resources from the beginning, became successful.

Further Mr. Yashayaei asked the world; "Now what are the gentle Jews of the world assigned to do? Should they be as an impartial witness and keep silence? Or should they close their lips because of the fear of Zionists Propaganda and wait for the end of the story? Or might they be defeated by the Zionists' and Imperialists' propaganda? Certainly, the more the number of Palestinian martyrs, and the more the number of the Jews killed in wars and cities, the more difficult is the solution of the problem. The duty of the world Jews and Moslems is to become united and do their best till the peace arrives.

The protest voice of all Jews against the Zionists' movements in the world has always been high - People like Merry Robinson (The Head of The UN Commission For Human Rights), Steven Spielberg (Director), George Coffman (The Jewish Representative in England's Council) and many others. But the mass media Imperialists do not transfer the voice of protest to the world as they ignored the Iran Jews' Complaints on the UN, so that all Jews are to be called Zionists and Mass Media still remain in Bush's and Sharon's hands as a toy to reflect their movements as "Wolf in the Skin of Sheep". He then asked the people and the Jews of the world to force Israeli army stop killing the Palestinians and make them leave Palestine territories. He mentioned the peaceful co-existence of the Jews and Iranians and added: "If we can leave with peace among our Moslem fellow citizens, how can it be impossible to leave peaceful

exchanged their comments, and in some cases asked for establishing a cultural relation with Jews' association for the sake of making researches on Religions Zone.

The Inauguration of Hebrew Radio "KOL DAVID" (The Voice of David) From IRIB

Through the assistance of the IRIB's Deputy for Foreign Affairs, The radio network "The Voice of David" has formally started its activity since June 11, equal to 1st of Tamouz month, the birthday of Prophet Yousef.

The voice of this radio which is in Hebrew language, broadcasts programs for Jews residing outside Iran (Middle East) 30 minutes daily (from 23.30 to 24.00 in Tehran's time) on the wave lengths 7.75 Kilohertz equal to 41 meter and also 9745 Kilohertz equal to 31 meter).

The First Conference of Islam-Judaism Dialogue *By: Arash Abaie*

The Religions Dialogue Institute held a conference under the title "The meeting of Interreligious Dialogue Institute and Jewish Association about necessity of interreligious dialogue, 30 June 2002, Tehran" through the cooperation of Tehran Jewish Committee.

In this meeting held at the Institute place, some of the cultural officials and thinkers of the Jewish society took part.

Harun Yashayaei, the Chairman of the Tehran Jewish Committee, as the first speaker, talked about "Reviewing the strategies of interreligious dialogue, emphasizing the common points between Islam and Judaism". He considered "dialogue" itself worthy regardless of its conclusion, and while bringing evidence from The Quran and The Old Testament about "To say" and "Dialogue", emphasized that this has been a God's will. Yashayaei in another part of his speech brought examples of co-existence and respect by the Prophet of Islam to the Jews. Neglecting these positive samples of the common history of Islam and Judaism is an indication of affectionless of some thinkers and writers. He ended his words by emphasizing the defense of rights and effort for peace.

Dr. Seyed Amir Akrami, the Interreligious Dialogue Secretary of the Islamic Organization of Culture and Communication, the second speaker of the meeting talked about "The strategies of dialogue between Islam and Judaism". Referring to this reality that there are instructions in the religions that could make the dialogues, he said there are different concepts in every religion and we must survey to find out which reading of religions facilitates the dialogues among religions. He further named three central subjects for the dialogue as they are as follows:

- 1- The common practical worries (like the relation of religions to peace and violation).
- 2- The theoretic common disputes and ultra religious subjects (like the human fate)
- 3- The common interreligious disputes (like the God's vision- Paradise and Heaven)

The secretary for interreligious dialogues finally described the common beliefs of the religions and gave samples of scholars and the Jewish clergymen who have been defending the dialogue and recognition of the religions.

Dr. Younes Hamami Lalehzar, the Jewish clergyman and scholar, was the third speaker of the

conference and spoke about "Studying the history of Islam and Jew co-existence and their similarities". He described the lives of the Jewish people in three periods: Before Islam (The Jews and Arabs), After Islam (The Jews and Moslem Arabs), and Iran after Islam (The Jews and Moslem Iranians). Dr. Hamami Lalehzar mentioned three examples of the co-existence of the Jews and the Moslems, as the following:

- 1- The Office for Jewish High Institutes in Baghdad and some Jewish cities by the help of the Islamic Leaders and Kholafas. (In 6th till 12th century)
- 2- The Travel Account "Rabbi Benjamin Todollae" which is about the peaceful and respectable lives of the Jews residing in Islamic lands in 12th century.
- 3- "Golden Era of Spain" followed by the development of the Jewish culture at the beginning of Spain conquering era by the Moslems in the 8th century.

The other parts of this Jewish clergyman included studying the life of "Moses Ben Meymoon" (Harambam / Maimonid), the Jewish philosopher who had a high position in Leaders' and Moslems' government as well as other Jewish scientists who lived in the Islamic Government lands and left outstanding effects in the culture of their time.

Hojjatol-Eslam Valmoslemin Bagher Talebi Darabi, the Moslem Researcher and Scholar and Instructor of Mofid University in Qom, was the last speaker of the conference. He presented the title "The necessity of dialogues between Islam and Judaism and giving examples of peaceful co-existence of Moslems and the Jews". At the beginning he mentioned the common aspect of the two religions- they have a double orientation (written: The Quran and The Old Testament- Oral: Sonnat and Talmud) and later on he spoke about a common root of discrepancy between these two religions: Getting far from the Text and involving in Interpretation. He stated that the only way to reach unity is coming back and confirming the Text.

In continuation, Hojjatol-Eslam Talebi expressed his worries about the development of "New Age Religions". Finally he mentioned to the trip of "Professor Marshal Breger" -The Jewish Instructor of Washington University- to Qom and Tehran and said that the observance of all Jewish religious styles during his stay in Iran is a practical example of co-existence of Moslems and Jews to him.

Hojjatol-Eslam Seyed Mohammad Ali Abtahi, The Parliament Deputy of the President and The Head of The Interreligious Dialogue Institute, in his short speech at the end of the conference, appreciating the holding of this conference called the Iranian Culture very powerful, so that the worthy specifications of this culture did not change through the Islam's entrance to Iran, even it could affect Islam, too. He said; "The most powerful of each culture's part is the religion. Now that the religions have been ready to have dialogues, it shows that other cultural parts are also capable of having dialogues." The head of the Institute for Interreligious Dialogues pointed out the dispute of Israel and Palestine and added; "The Jews had got a big capital and it was the oppression they had in Nazism time, but today the performance and the position of the Israel Government destroyed all of this capital." Hojjatol-Eslam Abtahi, emphasizing the continuation of these interreligious dialogues, wished the religions would prevent racism and grouping of human beings into various social and legal grades in the future world.

The Great Meeting of the Jews in Protest to Violence in Palestine and Israel

By: Farhad Aframian

OFEGH BINA

אפק בינה

Cultural, Social and News magazine of **TEHRAN JEWISH COMMITTEE**
Vol. 4 -No. 17, May- Aug. 2002

Managing Director: Harun Yashayaie **Editor-in-chief:** Arash Abaie **Assistants in this Issue:** Farhad Aframian (*News - Subscription*), Dr. Yunes Hamami Lalezar (*Religion*), Sima Moghtader (*Cultural*), Mahyar Cohen Bash (*Literature & Arts*), Marjan Ebrahimi (*Social*), Liora Saeed (*General*), Sara Hai (*Children & Youth*), **Page layout control:** Farid Toubian **Type setting & page layout:** Robin Hamedani Cohen- Nastaran Jazeb (Jewish Computer Center)
Cover design: "Kadous Negareh" **Interior cover photos:** Davod Goharian-Leon refo'a
Add: # 385, 3rd Floor, Sheikh Hadi St., Jomhoori Eslami Ave., Tehran - Iran Postal code: 11397-3-3317 **Tel:** (+98-21) 6702556 **Fax:** (+98-21) 6716429 **E-mail:** ofegh_bina@hotmail.com - bina@iranjewish.com

"Ofegh-BINA" in Hebrew means "Horizon of Knowledge"

Contents:

- | | |
|--|---|
| <ul style="list-style-type: none"> • Editorial: Dialogue among Religions: Better days ahead! / <i>Harun Yashayaie</i>, 2 • News, 3 (56 in English) • The Great Meeting of the Jews in Protest to Violence in Palestine and Israel / <i>Farhad Aframian</i>, 16 (55 in Eng.) • Morris Motamed, The Representative of The Jews In The Islamic Consultative Assembly: "The problems will be gradually solved" / <i>Farhad Aframian</i>, 20 • Interview with a Palestinian student: "The Palestinians are not against The Judaism and The Jews, but they are against Violation and Racism." / <i>Arash Abaie</i>, 21 • The First Conference of Islam-Judaism Dialogue/ <i>Arash Abaie</i>, 20 (55 in Eng.) • Jewish Historical Table of Personalities and Events/ <i>Dr. Yunes Hamami Lalezar</i>, 28 | <ul style="list-style-type: none"> • A brief biography of Solomon (Shlomo)/<i>Rahman Delrahim</i>, 22 • The Essens / <i>Roya YaghobZadeh</i>, 24 • Golden Dreams (humor)/ <i>Liora Saeed</i>, 41 • How To Talk to Your Kids About God/ <i>Elmira Saeed</i>, 42 • The Best Years of your Lives/ <i>Marjan Ebrahimi</i>, 44 • Good Speech for Health and Success in Marriage / <i>Elham Moadab</i>, 45 • Humanity, Not Sexuality / <i>Sara Hai</i>, 46 • Religious leaders and contemporary society/ <i>Sima Moghtader</i>, 26 • Jews of Morocco: <i>Sima Moghtader</i>, 30 • Let's Learn Hebrew, 50 • Crossword: <i>Shirin Azari</i>, 52 • English Section (Abstracts): 56 |
|--|---|

ABSTRACTS

The Jewish Assistance to Palestinians and Victims of Earthquake

According to cultural and public relation general office of The Islamic Consultative Assembly, Engineer Morris Motamed, the representative of the Jews in the Council, on his visit with Hojjato'l-Eslam Mehdi Karoubi, condemning the Zionist Regime's crimes against Palestine's deprived people, offered the Chairman of The Islamic Assembly, 40 million Rials as The Jewish's assistance in aid of the Palestine's people.

Expressing the Iranian Jews' sympathy over the victims of earthquake in Qazvin Province, the Jews' Representative presented 30 million Rials as the society's assistance to Hojjato'l-Eslam Karoubi.

The New Plan For Equality of Blood Money of The Religious Minorities

Ayato'llah Shahroudi, Chairman of the Judiciary, in a meeting with judicial senior officials on Monday June 10th, announced: "The plan for blood money of the

religious minorities has been prepared by the judiciary and offered to the Islamic Consultative Assembly. He added: "This plan was discussed and surveyed in the Leader's Jurists' Council and the Leader's jurisprudent opinion is also for this plan". The Chairman of the judiciary stating aspects of the bill for blood money of the religious minorities, said: "I hope the council will study and ratify this bill as soon as possible and the writers, lawyers, newspapers and mass media should study this subject".

The Jews Association's Stand in Tehran Book Fair

Tehran's Jews Association had a stand in the 15th International book fair (May 1st -10th), presenting their publications. Its proper and good place as well as its decorations with Jewish symbols like handwritten scroll of Torah (the Old Testament) and a carpet containing pictures of the Old Testament's events made this stand to be welcomed by a big number of visitors and most of the times the stand was full of people.

During this exhibition, also some VIPs and cultural and state authorities visited the Association's Stand and

موسیٰ نامه

بشی موسیٰ قصار بود در دشت
گرفته روی عالم در سیاهی
سیه دیوی ز هر سو ایستاده
جهان چون زارغ در ماتم نشسته
نشده در خواب یکسر مرغ و ماهی
جهان گریان بد و افلاک خدا
نبی اندر میان دشت گردان
ز ناله گو سپندی جستن از پیش
چنان در دشت به تاریکی دوان شد
به دنبالش چون نخی ره پیمود
بدیدش آتشی بر شد ز ناگاه
وز آن جایک درختی چند دیگر
کلیم حق چو دیدش آتش از دور

بگرد گو سپندان کرد می گشت
زهیبت می شدش دل رتابی
کمین بر خطه دوران گشاده
خروس صبح را گردن شکسته
سیه دل بد شبی اندر سیاهی
نموده بر فلک سیاره دندان
همی گردید گردش گو سپندان
روانش از کله بردشت پی خویش
شتابان پی اش بر دل دوان شد
کلیم نامور خورشید موجود
فرز آنک درختی به سپحو خرگاه
روان می رفتش آتش از برابر
ندانستش حقیقت کان بود نور

شاهین



موسی نامه

اثر شاهین شاعر . یهودی ایرانی
متن : (زبان فارسی با خط عبری)

(از کتاب فرزندان استر) صفحه ۸۲